

### تشدید تحرکات آمریکا

### علیه کوبا

صفحه ۱۲

## گزارش

# کاپیتورن به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه شد

مورس دانبی کاپیتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران هفته گذشته گزارش خود را که پس از دیدار ۵ روزه‌اش در بهمن ماه امسال از ایران تهیه شده است، تقدیم کرد. در گزارش آقای کاپیتورن به تجاوز رژیم به حقوق انسانی در مقیاس گسترده، اشاره شده است. کاپیتورن در مقدمه گزارش خود تأکید می‌کند که ۱۷ سال پس از وقوع انقلاب دادگاههای انقلاب اسلامی همچنان به کار ادامه می‌دهند، سیستم قضایی ایران صلاحیت‌های لازم را ندارد، اعدام‌ها همچنان ادامه دارد، به اقلیت‌های مذهبی اِجحاف می‌شود و دستور قتل سلمان رشدی به قوت خود باقی است. کاپیتورن می‌نویسد بنظر می‌رسد که در جمهوری اسلامی ایران، واژه حقوق انسانی به عنوان یک ارزش مهم اجتماعی به طور کامل مورد پذیرش نبوده است. کاپیتورن در صفحه ۲

# اسناددخالت رژیم اسلامی در ترور برلین

● خروج ماموران امنیتی آلمان از ایران

● دادستان آلمان؛ ما برای محاکمه فلاحیان مدارک کافی داریم

در آستانه سفر هیات نمایندگی اتحادیه اروپا به تهران، مطبوعات آلمان گزارش «فوق‌العاده محرمانه» اداره اطلاعات و امنیت این کشور را که بیانگر دخالت مستقیم جمهوری اسلامی در ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران است، چاپ کردند. این گزارش که توسط دولت آمریکا در اختیار مطبوعات آلمان گذاشته شده است، نشان می‌دهد فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در سپتامبر سال ۹۲، رهبری عملیات ترور دکتر صادق شرفکنندی و همکاران وی در رستوران «میکونوس» بر اساس این گزارش «فوق‌العاده سری»، علی فلاحیان قبل از ترور، افرادی را برای همکاری با کاظم دارابی و سایر عوامل جمهوری اسلامی به برلین فرستاده و پس از پایان عملیات، قاتلان را طبق طرح پیش‌بینی شده از خاک آلمان خارج کرده است. از این گزارش «سری» پیش از آن که به دست سازمان «سیا» بیفتد و علنی شود، اعضای کمیسیون ویژه مجلس آلمان، فدرال، صدراعظم و رئیس سازمان حفاظت از قانون اساسی این کشور باخبر بودند. مسئولان امنیتی آلمان صحت این گزارش را تأیید کرده‌اند.

در ارتباط با نقش مستقیم جمهوری اسلامی در عملیات ترور «میکونوس»، روزنامه «فرانکفورتر آلگماینه» به‌نام‌های استناد کرده است که مسئول اداره حفاظت از قانون اساسی در تاریخ ۱۹ دسامبر سال ۹۵، با عنوان «دادگشاه میکونوس» به دادستان کل این کشور نوشته است. در بخشی از این نامه آمده است: «وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی قبل از ترور، فردی را به برلین اعزام کرده و در آنجا با همکاری دیگر جاسوسان جمهوری اسلامی، طرح قتل تأیید و اجرا شده است. قاتلان پس از ترور به تهران رفته‌اند.»

سند دیگر که بر دخالت مستقیم جمهوری اسلامی در قتل رهبران حزب دمکرات کردستان ایران دلالت دارد، متن مذاکرات علی فلاحیان با اشمیت باوئر مسئول هماهنگی سازمانهای امنیتی آلمان فدرال است. بر اساس این سند، فلاحیان روز هفتم اکتبر ۹۳ چند ماه پس از رهبری عملیات ترور از طریق اشمیت باوئر از دولت آلمان

## سفر هیات نمایندگی اتحادیه اروپا به تهران

وزرای خارجه ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در آخرین اجلاس خود که روز جمعه ۱۰ فروردین در شهر تورین برگزار شد، اعلام کردند که هیات نمایندگی این اتحادیه روز سه‌شنبه ۱۴ فروردین به منظور گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی به تهران خواهند رفت. در کنفرانس پالموکه سه هفته پیش برگزار شد، تصمیم گرفته شد که وزرای خارجه اسپانیا، ایتالیا و ایرلند به نمایندگی از طرف کشورهای اروپایی به تهران بروند و شرایط اتحادیه اروپا را برای ادامه سیاست «گفت و شنود انتقادی» به جمهوری اسلامی ابلاغ کنند. وزرای خارجه اتحادیه اروپا در کنفرانس پالمو ادامه مناسبات سیاسی جاری خود را با جمهوری اسلامی به آن مشروط کردند که رژیم تهران قاطعانه تروریسم را محکوم کند، از تلاش خود برای کارشکنی روند صلح اعراب و اسرائیل دست بردارد و حمایت از حماس را کنار بگذارد. در همان زمان خامنه‌ای در مشهد در پاسخ به این درخواست اتحادیه اروپا اعلام کرد که سیاست

جمهوری اسلامی در مورد فلسطین تغییر نخواهد کرد. در آستانه سفر هیات نمایندگی اتحادیه اروپا به تهران، اعتماد کشورهای اروپایی نسبت به رژیم جمهوری بیش از هر زمان لطمه دیده و سیاست «گفتگوی انتقادی» مورد تردید قرار گرفته است. در این میان آمریکا و اسرائیل نیز با انتشار اسناد فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی، تلاش می‌کنند بر سنگینی تردیدها بیفزایند و اروپا را متقاعد سازند که به جبهه تحریم جمهوری اسلامی بپیوندند. بسیاری از کشورهای عضو اروپا اعلام کرده‌اند آینده روابطشان با جمهوری اسلامی به نتایج سفر هیات سه نفره به تهران بستگی دارد. در کنفرانس تورین تصمیم گرفته شد به جای وزرا، معاون وزرای خارجه اسپانیا، ایتالیا و ایرلند به ایران سفر کنند. یکی از دلایل تغییر اعضای هیات حضور خانم سوزانا آگنلی وزیر خارجه ایتالیا در جمع هیات بود. وی از مخالفان سرسخت سیاست جمهوری اسلامی است.

## مقابله با تروریسم یا حفظ منافع اقتصادی؟

تحولات هفته‌های اخیر در رابطه با بازتاب بین‌المللی سیاست تروریسم دولتی جمهوری اسلامی، پرده از میزان سستگامی اتحادیه اروپا در مقابله با صدور تروریسم از سوی رژیم ولایت فقیه برداشت. تنها به دنبال بروز اخلاص در مناسبات بین و تهران در نتیجه صدور حکم جلب فلاحیان بود که حد روابط اطلاعاتی و جاسوسی آلمان و جمهوری اسلامی آشکار شد. قبلاً همه می‌دانستند که سرویس اطلاعاتی فدرال آلمان (ب.ان.د) با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی رابطه دارد، به وزارت اطلاعات کامپیوتر و تجهیزات جاسوسی می‌دهد و برای مأموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی دوره آموزشی می‌گذارد. اما آنچه در این روزها علنی شد، این بود که سرویس جاسوسی آلمان تاکنون در تهران حضور دائمی و رسمی داشته است و دوتن نماینده این ارگان، در جمهوری اسلامی بوده‌اند. اکنون آلمان، این دو تن را ظاهراً برای دادن گزارش پیرامون انتخابات مجلس شورای اسلامی به بن فراخوانده است. اما مقامات وزارت خارجه آلمان می‌گویند علت واقعی این فراخوانی، نگرانی از انتقام‌جویی احتمالی جمهوری اسلامی پس از صدور قرار بازداشت فلاحیان است.

در آلمان، محافل پرنفوذی در دولت و شرکت‌های این کشور به شدت با پیگرد فلاحیان مخالفند. رئیس اتاق بازرگانی آلمان و ایران در هامبورگ، از حکم صادره توسط دادگاه فدرال، به شدت انتقاد کرده و گفته است این حکم، آینده صادرات سالانه ۲/۳ میلیارد مارکی آلمان به ایران را به خطر می‌افکند (آلمان در سال گذشته، مهم‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی بوده است). همچنین دادگاه برلین علیرغم صدور حکم بازداشت فلاحیان، از احضار وی برای ادا توضیحات پیرامون ترور دکتر شرفکنندی و همراهان، ظاهراً به این بهانه که فلاحیان در دسترس نیست، خودداری کرده است. مطبوعات آلمان نوشته‌اند این تصمیم در پی اعمال فشار وزارت خارجه دولت بن اتخاذ شده است. وزارت خارجه آلمان می‌گوید که نگران سرنوشت آلمانی‌های مقیم ایران است و بدین خاطر است که جانب احتیاط را ننگه می‌دارد.

آلمان در این سیاست ناپیگیر در قبال رژیم فقیه تنها نیست. درست هم‌زمان با گردهمایی در مصر برای بررسی چگونگی پایان دادن به موج ترور بنیادگرایان در خاورمیانه، و در حالی که کشورهای اروپایی در این کنفرانس برای خشکاندن ریشه‌های تروریسم و قطع منابع مالی آن قول همکاری دادند، یک هیات فرانسوی در تهران به سر می‌برد تا پیرامون گسترش روابط گفتگو کند. در کنفرانس مصر، کشورهای اروپایی از صدور قطعنامه‌ای در آن محکومیت جمهوری اسلامی به علت پشتیبانی از تروریسم تصریح شده باشد، جلوگیری کردند. این تأکید اروپایی‌ها بر اینکه روند صلح خاورمیانه را تنها بنیادگرایی اسلامی نیست که تهدید می‌کند، کاملاً بیجاست. اما تأثیر عملی این تأکید در مورد جمهوری اسلامی این بود که رژیم فقیه از محکوم شدن صریح در این مجمع، نجات یافت.

همه این شواهد، حاکی است که اتحادیه اروپا هنوز تصمیم نگرفته است که با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی، جداً مقابله کند. دیالوگ انتقادی این اتحادیه با تهران، عملاً به معنای مسکوت گذاشتن اقدامات تروریستی حکومت اسلامی است. مطبوعات آلمان نوشته‌اند حتی همین حد از پیگیری بقیه در صفحه ۲

## حمله پلیس ترکیه به تظاهرات پناهجویان ایرانی

بیش از صدتن از پناهجویان ایرانی مقیم ترکیه روز جمعه ۱۰ فروردین دست به تظاهرات زدند. پلیس ترکیه از این حرکت اعتراضی پناهندگان باخبر بود و برای جلوگیری از همبستگی مردم ترکیه با آنان، نیروی ویژه‌ای بسیج کرده بود. پلیس در شامگاه روز جمعه ساعتی پس از آن که ایرانیان پناهجو با اعضای خانواده خود در محل تظاهرات گرد آمدند به اجتماع آنان یورش برد و پس از ضرب و شتم خونی زنان و کودکان، ۶۰ نفر از پناهجویان را دستگیر کرد. بر اثر ضربات پلیس ترکیه ۲ تن از پناهجویان مجروح شدند و برای مداوا به بیمارستان انتقال یافتند.

خبر تهاجم وحشیانه پلیس ترکیه به ایرانیان پناهجو، از سوی سازمانهای چپ ایران به شدت محکوم شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، حزب سوسیالیست‌های ایران و... با انتشار اعلامیه‌های جداگانه اقدام پلیس ترکیه اعتراض کردند.

ایرانیان پناهجو از ۸ ماه پیش در محل دفتر حزب سوسیالیست چپ ترکیه متحصن هستند که تاکنون دولت ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان نسبت به خواست انسانی آنان پاسخی نداده است. رژیم ترکیه آگاهانه شرایط اقامت را بر آنان دشوارتر کرده تا از مبارزه خود دست بردارند و به ایران بازگردند. تاکنون دهها تن از آنان در چارچوب توافق امنیتی میان جمهوری اسلامی و ترکیه به پاسداران مرزی حکومت تحویل داده شده‌اند. بر اساس اسناد موقتی تعدادی از پناهجویانی که به ایران برگردانده شده‌اند، در برابر جوخه اعدام قرار گرفته‌اند.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل - شعبه ترکیه به جای آن که به عنوان یک نهاد مسئول بین‌المللی به فکر تامین امنیت جان پناهجویان باشد عملاً به دستیار پلیس ترکیه و جمهوری اسلامی بدل شده است. در پرسشنامه‌های کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در

## جمعیت مولفه اسلامی، تشکل بازاریان تهران

داد که جریانهای «همسو با روحانیت مبارز» مخالف این پیشنهاد هستند. بعداً معلوم گشت که جمعیت مولفه اسلامی بخاطر نفوذی که در جناح حاکم دارد، نظر خود را پیش برده است. عسگر اولادی دبیر کل این جمعیت طی نامه‌ای از جامعه روحانیت مبارز خواست که از «گنجاندن اسامی افراد غیر همسو در لیست نامزدهای خود خودداری کنند».

نشریه هفتگی بهار در این مورد نوشته است: «جمعیت مولفه اسلامی به تنهایی یا بعنوان مهم‌ترین جریان نوانسته است مانع تحقق توافق اولیه

رئیس‌جمهور و جناح راست بر سر ارائه لیست مشترک شود.» این نشریه با ارائه اسامی افراد مؤثر جمعیت مولفه اسلامی، مسئولیت و شغل آنها نشان داده است که این جریان که در اساس تشکل بازاریان است وسیعاً در نهادهای اقتصادی، سیاسی رژیم اسلامی نفوذ کرده است و اخیراً نیز بر تلاش خود برای نفوذ در نهادهای فرهنگی و هنری افزوده است. هفته نامه بهار می‌نویسد: «جمعیت مولفه اسلامی گروه مشکلی است که هسته اصلی آن را بازاریان تهران بقیه در صفحه ۳

نگاهی به  
تحریم اقتصادی ایران و  
استراتژی «مهار دوگانه»  
بهرروز خلیق  
صفحه ۷

---

پی‌ریزی حزب  
بزرگ و گسترده  
چپ دمکراتیک ایران  
محسن حیدریان  
صفحه ۹

---

پیرامون نظریه  
«برخورد تمدنهای»  
ساموئل هانتینگتون  
س - کاوان  
صفحه ۶

---

دیکتاتوری، دمکراسی  
و پیشرفت اجتماعی  
از دیشور حکیمی  
صفحه ۱۱

---

مخدوش کردن طبقات،  
خدمت به دمکراسی  
نیست  
حشمت رئیسی  
صفحه ۸

---

تحولات اجتماعی،  
انقلاب و فرم  
اندیشه  
صفحه ۸

یادداشت

## ضربه کاری به انتشار کتاب

وزارت ارشاد اسلامی ضربه کاری دیگری بر انتشار کتاب وارد آورد. بر اساس تصمیم این وزارتخانه، ناشران قبل از چاپ باید برای کلیه کتب مجوز دریافت کنند. به این معنی که نویسنده یا تکمیل فرم «قبل از چاپ» تقاضای صدور مجوز خواهد کرد. پس از بررسی کتاب اجازه چاپ برای مدیریت چاپخانه صادر خواهد شد. اما یک نسخه حروفچینی جلد شده در وزارت ارشاد باقی خواهد ماند. پس از چاپ و صحافی کتاب ناشر موظف خواهد بود که نسخه‌ای از کتاب را برای انطباق با نسخه اول به وزارت ارشاد ارسال کند. این وزارتخانه نیز پس از اطمینان یافتن از انطباق کتاب‌های چاپ شده با نسخه اول طی فرم دیگری اجازه خروج کل کتاب‌ها را از چاپخانه صادر خواهیم کرد. این تصمیم نه تنها کتاب‌های جدید، بلکه تمام کتاب‌هایی را که قبلاً مجوز دریافت کرده‌اند را نیز شامل می‌شود. به این معنی که هر کتابی که بخواهد تجدید چاپ شود، باید از این وزارتخانه مجوز مجدد دریافت دارد.

وزارت ارشاد در تداوم این سیاست طی نامه‌ای به مطبوعات اعلام کرده است که آنها باید از چاپ هر گونه آگهی مربوط به خبر و یا گزارش کتب منتشره و یا در دست انتشار فاقد مجوز از اداره کل مراکز و روابط فرهنگی این وزارتخانه خودداری به عمل آید. در همین بخشنامه گفته شده است از نظر هیئت نظارت کتب منتشره در گذشته دلیل مجاز بودن چاپ کتب نیست.

تصمیم وزارت ارشاد آشکارا اعمال سانسور شدید بر انتشار کتاب است. تاکنون با وجود محدودیت‌های زیاد، کتاب‌های زیادی تألیف و یا ترجمه می‌شد که به هیچ وجه خوشایند واپس‌گرایان و تاریک اندیشان وابسته به حکومت اسلامی نبود. روزنامه کیهان و هفته‌نامه صبح علیه برخی از نویسندگان کتاب‌ها پرونده درست کرده و حزب‌اللهی‌ها را تحریک به حمله به کتابفروشی نمودند. تاکنون چندین کتابفروشی توسط حزب‌الله به آتش کشیده شده است.

اعمال سانسور شدید بر انتشار کتاب و تصمیمات میرسلیم نتیجه فشار حزب‌اللهی‌ها و مطبوعات حزب‌اللهی، افتادن وزارت ارشاد دست رسالتی‌ها و افزایش نفوذ جمعیت مؤتلفه اسلامی در نهادهای هنر و فرهنگی است و در حقیقت تداوم یورش است که این نیروها از چند ماه قبل آغاز کرده‌اند. این نیروها موفق شده‌اند با چنگ انداختن بر نهادهای فرهنگی و هنری، سیاست‌های به شدت تنگ‌نظرانه و واپس‌گرایانه خود را پیش ببرند.

سیاست‌های جدید وزارت ارشاد در مورد نشر کتاب به حدی ارتجاعی است که حتی معاون فرهنگی این وزارتخانه (مسجد جامع) هم حاضر نشد مجری آن باشد و از سمت خود استعفا داد. عده‌ای از مطبوعات وابسته به نظام اسلامی نیز معترض سیاست‌های میرسلیم هستند و تنها هفته‌نامه صبح و روزنامه کیهان از سیاست‌های ارتجاعی وزارت ارشاد استقبال می‌کنند.

با اجرای تصمیمات جدید وزارت ارشاد به صنعت چاپ و نشر نیز ضربه کاری وارد خواهد آورد و موجب خواهد شد ماهها و گاه سالها کتاب‌ها در وزارت ارشاد بخواهند و مجوز انتشار پیدا نکنند. این امر به معنی ورشکستگی صنعت نحیف نشر و ناشرین مستقل خواهد شد و در نتیجه تعداد آنها به حداقل رسید و ناشرینی که بتوانند به حیات خود ادامه دهند، ترجیح خواهند داد به سراغ انتشار کتاب‌هایی بروند که حتماً از سد سانسور بگذرد.

سیاست‌های جدید وزارت ارشاد، پیشروی جدید نیروهای تاریک اندیش و قشری در عرصه مسائل فرهنگی و تشدید فشار بر روشنفکرانی است که چون آنها نمی‌اندیشند.

## مقابله با تروریسم یا حفظ منافع اقتصادی؟

بقیه از صفحه ۱

ترور میکونوس نیز از سوی مقامات آلمانی با بی‌میلی و تحت فشار انجام گرفته است. این امر در انتقادات محافل آلمانی طرفدار حفظ روابط گسترده با تهران، بازتاب می‌یابد. روزنامه فرانکفورتر آنگماینه که به محافل سرمایه‌داری آلمان نزدیک است، با لحنی توأم با انتقاد تلویحی نوشته است حکم بازداشت فلاحيان را بر اساس شهادت فردی صادر کرده‌اند که مقامات آلمانی تا به حال از او بازجویی نکرده‌اند. این فرد، یک مأمور سازمان اطلاعاتی آمریکاست.

این اقدام با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته باشد، مثبت و در خدمت دستبند زدن به دست‌های تروریسم دولتی رژیم فقهیست. ما بارها گفته‌ایم به همان اندازه که با هر تحریم اقتصادی کشورهای مختلف توسط دولت آمریکا مخالم، خواهان اعمال فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی هستیم، وزیري که به کشور دیگری می‌فرستد تا مخالفت دولتش را به قتل برساند، باید دستگیر و محاکمه شود. دولتی که ایران را پایگاه آموزش نظامی انواع و اقسام افراطیون کرده است، باید محکوم و منزوی گردد. شانه خالی کردن اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه و بسیاری دیگر از کشورهای موضعگیری سریع در این گونه موارد است که به آمریکا و اسرائیل امکان می‌دهد بگویند هر کس که مخالف محاصره اقتصادی ایران است، با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی مقابله نمی‌کند. واقعیت این است که جامعه بین‌المللی، وسایل ممکن برای مبارزه با اقدامات تروریستی هدایت‌شده از تهران را بلااستفاده گذاشته است. این وسایل، تنها به تحریم اقتصادی محدود نمی‌شوند. از آنجا که محاصره اقتصادی، همانگونه که مورد عراق نشان می‌دهد، معمولاً بیش از دولت‌ها، مردم را تحت فشار قرار می‌دهد، پیش از جانب‌داری از چنین محاصره‌ای باید مطمئن شد که همه راه‌های اعمال فشار سیاسی آزموده شده‌اند. در مورد جمهوری اسلامی چنین نیست. کشورهای اروپایی نه تنها جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار نداده‌اند، بلکه با آن روابط گسترده، حتی در عرصه اطلاعاتی دارند. برخی کشورهای اروپایی در پیگرد قاتلان اعزامی رژیم فقهی سستی نشان می‌دهند. آمریکا و اسرائیل که اکنون اینگونه با حرارت جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنند، تا همین سالهای اخیر با تهران رابطه پنهانی داشته‌اند و حتی به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته‌اند. تنها از هنگام اتخاذ سیاست «مهار دوگانه» توسط دولت آمریکاست که ظاهراً واگشتگتن، سود حاصل از معامله با جمهوری اسلامی را کمتر از آن می‌داند که به خاطر آن، حاضر باشد رفتار حکومت اسلامی در عرصه بین‌المللی را تحمل کند.

در مورد اتحادیه اروپا متأسفانه باید گفت اغلب کشورهای عضو این اتحادیه و به ویژه مؤثرترین آنها یعنی آلمان و فرانسه، هنوز حاضرند بسیاری از اصولی را که مدعی آند، قربانی سودی کنند که از روابط با جمهوری اسلامی عایدشان می‌شود. اینکه این کشورها حاضرند حقوق انسانی مردم ایران را فدای منافع تجاری خود کنند، تاژگی ندارد. اما بر این امر باید چشم فرو بستن بر صدور تروریسم توسط حکومت اسلامی، سستی در تعقیب جرایمی که امنیت خود کشورهای اروپایی را به خطر می‌افکند و ناپیگیری در اجرای احکام دادگاه‌های خود اروپا بنابه ملاحظات دیپلماتیک را نیز افزود. باید در افشای این ناپیگیری‌ها کوشید و از محافل دمکرات اروپایی خواست به دولت‌هایشان برای پایان دادن به این سیاست فشار آورند.

## اسناد دخالت رژیم در ترور برلین

بقیه از صفحه ۱

و خارج از کشور، حزب دمکرات کردستان ایران و افراد آن را هدف حمله قرار خواهد داد.

علاوه بر این اسناد، قرار است در هفته جاری همزمان با حضور وزرای خارجه اسپانیا، ایتالیا و ایرلند در تهران، شبکه‌های مهم تلویزیونی آمریکا، اطلاعات و اسناد تازه‌ای را که از منابع آلمانی کسب کرده‌اند در ارتباط با نقش جمهوری اسلامی در گسترش تروریسم انتشار دهند.

### خروج مأموران امنیتی آلمان از ایران

دولت آلمان پیش از آن به حکم جلب فلاحيان مطرح شود، موضوع را با دیپلمات‌های عالی‌رتبه خود در ایران در میان گذاشت و افرادی را که احتمال می‌داد ممکن است هدف جمهوری اسلامی باشند، مخفیانه از ایران خارج کرد.

چند تن از مأموران امنیتی که جمهوری اسلامی از فعالیت‌های آنان در ایران اطلاع داشت، از جمله افرادی بودند که پیش از صدور حکم بازداشت فلاحيان با هوایمای فرانسوی تهران را ترک کردند.

سازمان‌های امنیتی آلمان و جمهوری اسلامی از ۴ سال پیش همکاری اطلاعاتی و آموزشی نزدیکی باهم دارند.

بر اساس قراردادی که به امضای طرفین رسیده است، دولت آلمان آموزش مأموران امنیتی جمهوری اسلامی را برعهده گرفته و تاکنون چندین دستگاه کامپیوتر و تجهیزات ضد جاسوسی به رژیم تحویل داده است. در مقابل، جمهوری اسلامی اجازه داده است سازمان‌های امنیتی آلمان در ایران پایگاه عملیاتی داشته باشند و تحت عنوان مبارزه با مواد مخدر به فعالیت‌های جاسوسی برای دفاع از منافع آلمان در منطقه پردازند.

### واکنش جمهوری اسلامی

واکنش جمهوری اسلامی در قبال صدور حکم بازداشت فلاحيان به اتهام شرکت در قتل رهبران کرد متفاوت بود. انصار حزب‌الله به رهبری آیت‌الله جنتی روز دوشنبه ۲۷ اسفند برابر سفرات آلمان در تهران اجتماع کردند و پرچم‌های اسرائیل و آمریکا را به آتش کشیدند. تظاهرکنندگان که بیش از چند صد نفر نبودند علیه

بقیه از صفحه ۱

تشکیل می‌دهند. سابقه این گروه به بیش از ۳۰ سال قبل بازمی‌گردد و در سالهای پیش از انقلاب اسلامی فعالیت‌هایی در مخالفت و مبارزه با رژیم شاه از جمله ترور منصور نخست وزیر شاه داشته‌اند.

این گروه در سالهای پس از انقلاب تشکل خود را حفظ کرده‌اند و در جهت بسط نفوذ و قدرت خود تلاش نموده‌اند. از ابتدای انقلاب بعضی از مراکز قدرت را در دست گرفته‌اند و نوعاً نفوذ قابل توجهی در هیأت‌های نظارت و اجرایی انتخابات تهران داشته‌اند.

این گروه در ۵ الی ۶ سال اخیر و به ویژه پس از انتخابات مجلس چهارم قدرت و نفوذ بیشتری بدست آورده و افراد جدیدتری را نیز جذب کرده است. در حدی که اکنون در کنار اسامی بازاربان نام چند عضو دانشگاهی نیز مطرح می‌شود.

اسامی علنی جمعیت مؤتلفه که معمولاً در رسانه‌ها مطرح می‌شود محدود به آقایان عسکروالادی دبیر کل جمعیت و بادامچیان دبیر هیئت اجرایی جمعیت است و اسامی اعضای رسمی و رهبران دیگر این گروه رسماً اعلام نمی‌گردد.

آنچه در ذیل آمده است نام افرادی است که به عنوان اعضای جمعیت

آمریکا و اسرائیل شعار دادند و «تهدید» کردند چنانچه حکم جلب فلاحيان لغو نشود و دولت آلمان رسماً پوزش نخواهد با آن نیز مانند آمریکا رفتار خواهند کرد. انصار حزب‌الله عکس‌هایی از کارمندان سفارت آمریکا را که در سال ۵۸ در تهران به همراه داشتند، مأموران انتظامی برای جلوگیری از اقدامات پیش‌بینی نشده در حال آماده‌باش بودند.

مطبوعات جمهوری اسلامی، دولت آلمان را به پیروی از سیاست «صهیونیست»ها متهم کردند و نوشتند هدف از صدور این حکم، اقدام سیاسی است که تحت فشار آمریکا صورت می‌گیرد. امامی کاشانی عضو شورای نگهبان در خطبه‌های نماز جمعه اظهار کرد اگر دولت آلمان از تعقیب فلاحيان دست بردارد، شدیداً زیان خواهد دید. کاشانی افزود جهان اسلام و کشورهای اسلامی حامی جمهوری اسلامی هستند و اگر اروپا یا حکومت اسلامی سختگیری کند، منافع خود را به خطر خواهد انداخت.

علیرغم تظاهرات حزب‌الله و سخنان تند برخی از عناصر حکومت، دولت رفسنجانی همچنان در تلاش است که از تیره‌شدن بیشتر مناسبات جلوگیری کند و مناقشات را تخفیف دهد.

جمهوری اسلامی معتقد است که صدور حکم جلب فلاحيان وزیر اطلاعات و امنیت، مغایر قوانین و عرف بین‌المللی است و دولت آلمان بایستی متوجه باشد که این حکم «بی‌دقتی»هایی دارد. روزنامه اطلاعات ۲۸ اسفند به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه نوشته است: نه تنها هیچ‌گونه سند و مدرکی دال بر وجود ارتباط بین مقامات جمهوری اسلامی ایران و پرونده مطروحه در دادگاه برلین وجود ندارد، بلکه جوسازیهای بین‌المللی و فشارهای گروه‌های و جناح‌های مخالف روابط دو کشور عامل تعیین‌کننده در اتخاذ این تصمیم دادستانی آلمان بوده است.

همچنین سفیر جمهوری اسلامی در بن اعلام کرده است که رژیم قصد دارد علیه دادستان کل آلمان به مراجع بین‌المللی شکایت کند. موسویان تأکید کرد جمهوری اسلامی نمی‌تواند بپذیرد که اعضای دولت آلمان با ایراد «اتهامات واهی» به «اعتبار» حکومت ایران لطمه بزنند. سفیر جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش مجله

بقیه از صفحه ۱

مؤتلفه اسلامی مطرح می‌شوند. بی‌تردید این فهرست شامل کلیه اعضا و وابستگان مستقیم و غیر مستقیم این گروه نیست و به علت رویه این گروه اطلاعات کاملتری در اختیار نداریم. طبعاً اگر اسامی کامل اعضا و وابستگان و مرتب‌ترین گروه منتشر شود حوزه‌های بیشتری از قدرت و نفوذ آنان در نهادها مشخص خواهد شد و امیدواریم که با کمک مطیعین از این گروه و خوانندگان محترم مطالب این گزارش را در آینده کاملتر کنیم.

نهادهایی که به نحوی مسئولیت و اداره اعضای این جمعیت است همراه با نام این اعضا و مشاغل و فعالیت قبل از انقلاب آنان که معمولاً شغل اول و یا دوم فعلی آنان نیز هست (یعنی مشاغل داخل پرانتز) در ذیل آورده شده است. چون در مورد عضویت رسمی ۶ نفر از اسامی، علیرغم ارتباط مستحکم و مداوم آنان با جمعیت مؤتلفه، تردید اندکی وجود داشته نام آنان با ستاره مشخص شده است.

ستاد نماز جمعه تهران: مقصودی (بازاری) سعید محمدی (بازاری) رحمانی (بازاری) صالحی (کاسب) بازمان زندانها: لاجوردی (بازاری) قدیری (بازاری) کمیته امداد: عسکروالادی (بازاری) شفیق (بازاری) نیری (بازاری) رفیق‌دوست (میدان تره‌بار) شورای نگهبان:

پیام شادباش شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## نوروزی شاد و زندگی آفرین بر پا کنیم!

هم‌میهنان عزیز

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرارسیدن عید نوروز را به همه شما صمیمانه تبریک می‌گوید. باشد که سال نو سال خبرهای خوب برای همه ایرانیان باشد؛ سال گرانی کمتر، آسایش بیشتر، سال کاهش غمها، سالی بدون از هر دردی و رنجی برای شما باشد.

بباید تا در این لحظه‌های عطرآگین، نوروزی شادتر و زندگی آفرین‌تر از همیشه بر پا کنیم. بباید خانه آذین کنیم، این گرد کهنگی و غبار غمی را که بر دل‌ها مانده‌اند پاک بشوییم، رخت نو بر تن کنیم و گلریز خنده‌ها و خرمن بوسه‌ها مان را به خانه عزیزان بریم. بباید آرزوهای نیک را با آنان تقسیم کنیم.

آرزوی ماست که ایرانی داشته باشیم که در آن از فقر و بی‌عدالتی کنونی نشانی نباشد، زن و مرد حقوقی برابر یابند، ایران جایگاه شایسته خویش در جامعه ملل را احراز کند و کسی را در این سرزمین به خاطر آن چه که می‌نویسد، می‌گوید و یا می‌اندیشد نگیرند و به مسلخ نبرند. آرزوی ما اینست که همه ایرانیان، از آذری و فارس و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن، همانطور که به یک میزان نوروز را آرزوی می‌گذارند در تعیین سرنوشت این میهن مشترک نیز به یک میزان شریک باشند. آرزوی ما این است که ایران از نعمت وجود میلیون‌ها هم‌وطنی که در چهارگوشه جهان چشم به میهن خویش ایران دارند، بهره‌مند گردد و سرانجام این که آرزوی ما اینست که تعصب و جهالت از این آب و خاک رخت بر بندد و سرور فرهنگ و دانش بر اداره کشور پرتوافکن شود. ایرانی داشته باشیم آزاد و آباد که سرنوشت آن را برگزیدگان همه ما در دست گرفته‌اند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نوروز ۱۳۷۵

مربوط به پرونده میکونوس را علنی نکرده است.

در ارتباط با احتمال استرداد فلاحيان، وزارت دادگستری آلمان با ارسال یادداشتی به قاضی پرونده «میکونوس» اطلاع داد که دولت تاکنون به دلیل حفظ امنیت شهروندان آلمانی ساکن ایران، هیچ‌گونه اقدامی برای دعوت و یا انتقال فلاحيان به این کشور انجام نداده است. در این نامه گفته شده که «چنین اقدامی می‌تواند خطرناک باشد.»

بروسی «پرونده میکونوس» در برلین در جریان است. در این دادگاه، یک ایرانی به نام کاظم دارابی و ۴ لبنانی به عنوان جاسوسان جمهوری اسلامی به اتهام شرکت در ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران محاکمه می‌شوند. قرار است محاکمات در هفته‌های آتی پایان یابد و نتیجه آن اعلام شود. فلاحيان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی متهم به شرکت در این ترور است. جمهوری اسلامی بر کرسی اتهام نشسته است.

آلمانی «فوکوس» درباره احتمال بروز واکنش تندتر از سوی رژیم تهران گفت: «احتمال چنین برخوردهای غیرقابل تصور است زیرا روابط ما با آلمان از دیروز شروع نشده است.»

تقاضای دعوت فلاحيان به عنوان شاهد رد شد

روز پنجشنبه ۹ فروردین قاضی مسئول رسیدگی به «پرونده میکونوس»، تقاضای یکی از وکلای شکایت‌کنندگان درجه دوم را برای دعوت فلاحيان به دادگاه رد کرد. وی از دادگاه تقاضا کرده بود که علی فلاحيان وزیر اطلاعات و امنیت و یکی دیگر از اعضای سفارت جمهوری اسلامی در آلمان را بعنوان شاهد به دادگاه دعوت کند. قاضی دادگاه با این عنوان که در حال حاضر فلاحيان در دسترس قانونی دولت آلمان نیست، تقاضا را رد کرد. همچنین وکلای سه تن از افرادی که در ستوران میکونوس ترور شدند از دادستان کل آلمان خواستند همه اسنادی را که در اختیار دارد، انتشار دهد. دادستان آلمان هنوز همه اسناد

## جمعیت مؤتلفه اسلامی، تشکل بازاریان تهران

عسکروالادی (بازاری) و لاریجانی (دانشجوی خارج از کشور) به عقیده یک صاحب نظر و جامعه‌شناس، هیئت مؤتلفه اسلامی شاید تنها حزب ایران باشد که رابطه اندام‌واری با پایگاه اجتماعی خود (کسبه خرد و تجار) و بخشی از سازمان‌های صنفی آن دارد و به نظر می‌رسد که همین پایگاه اجتماعی تا حدودی ناهمگون، در آینده یکی از مشکلات این حزب باشد.

هرچند تعدادی از شخصیت‌های روحانی نقش مشورتی در رابطه با هیئت مؤتلفه داشته‌اند اما ظاهراً تشکیلات مرکزی مؤتلفه همواره فاقد عضو روحانی بوده است.

انتشار این لیست توسط نشریه فرهنگی بهار موجب شد که وزارت ارشاد این نشریه جدیدالانتشار را توقیف نماید. فقط سه شماره از نشریه هفتگی منتشر شد.

**با کمک مالی خود ما را در انجام وظایف ملی دموکراتیک جاری رسانید**

زواره‌ای (وکیل دادگستری) هیئت اجرایی نظارت بر انتخابات: مقصودی (بازاری) آسانی (بازاری) آنجمن اسلامی اصناف: آسانی (بازاری) اطاق بازرگانی: خاموشی (کارخانه‌دار) مشاوران رئیس جمهوری: توکلی (بازاری) غفوری (استاد دانشگاه) قوه قضائیه: بادامچیان (بازاری) شفیق (بازاری) زواره‌ای (وکیل دادگستری) مسئولیت آقای زواره‌ای ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور وابسته به قوه قضائیه است.

روزنامه رسالت: مرتضی نبوی (مهندس) عسکروالادی (بازاری) لاریجانی (دانشجوی خارج از کشور) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: میرسلیم (استاد دانشگاه) عبدالله‌ثانی (بازاری) - عسکروالادی (بازاری) بادامچیان (بازاری). مسئولیت آقای عسکر اولادی و آقای بادامچیان در این وزارتخانه در زمینه سینما است.

وزارت بازرگانی: آل اسحاق - کارخانه‌دار (نقره‌کار شیرازی (بازاری)) هیئت نظارت بر مطبوعات: عسکر اولادی (بازاری) سازمان اقتصاد اسلامی: رخ صفت (بازاری) شورای پول و اعتبار: خاموشی (کارخانه‌دار) نقره‌کارشیرازی (بازاری) دانشگاه آزاد: جاسبی (دانشجوی خارج از کشور) مجلس: تعدادی از نمایندگان از جمله



## جریان‌های اصلی سیاسی - فرهنگی جامعه‌ی ما

نشریه بهمن که چند ماهی است به مدیریت عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی ریاست جمهوری اسلامی منتشر می‌شود و در واقع ارگان غیر رسمی «کارگزاران سازندگی ایران» به حساب می‌آید. در شماره ششم خود که در تاریخ ۲۱ بهمن منتشر شده است، در یکی از مقالات خود، جناح‌های سیاسی حکومت اسلامی را به گونه‌ای خاص تقسیم کرده است که جهت اطلاع شما درج می‌گردد.

به اعتبار نقی سیاسی می‌توان از وجود چهار شکاف اجتماعی فعال در جامعه ایران سخن گفت. این شکافها عبارتند از: دینی - دنیوی، چپ - راست، مردم‌سالار - آمرانه و نوگرا - سنت‌گرا. با توجه به این چهار شکاف فعال می‌توان به بررسی گروه‌بندی‌ها و جنبش‌های عمده اجتماعی در ایران کنونی اقدام نمود. قبل از این لازم است تا محدوده بحث را کمی روشن‌تر و مشخص‌تر سازیم. پس از آغاز نهضت مشروطیت در ایران به طور عمده چهار جریان مختلف در صحنه سیاسی ایران حاضر بوده‌اند. برای رعایت اختصار می‌توان این چهار جریان را به نام‌های جریان سلطنت‌طلبان، جریان ملی‌گرای لیبرال و جریان اسلامی نامید.

روشن است که هر یک از این چهار جریان یک طیف گسترده بوده و نبایستی گمان شود که همه عناصر تشکیل‌دهنده آنها در تمامی مقاطع دارای یک موضع بوده‌اند. مثلاً در میان عناصر تشکیل‌دهنده جریان اسلامی هم حامیان مشروطیت و هم مخالفان آن را می‌توان دید. در مورد نهضت ملی نیز می‌توان همین دو گونه موضع را مشاهده کرد. این قاعده در مورد سایر

جریانها نیز صادق است. در فضای کنونی جامعه می‌توان از حذف جریان سلطنت‌طلبان از عرصه سیاسی - فرهنگی کشور سخن گفت. اما جریانهای ملی لیبرال و چپ سوسیالیستی به حیات خود ادامه داده و در برخی از عرصه‌های سیاسی و فرهنگی فعال هستند. در نخستین تفکیک می‌توان جریان اسلامی را طرفدار دخالت دین در سیاست و حامی حکومت دینی دانست و دو جریان دیگر را طرفدار عرفی کردن سیاست و تفکیک عرصه سیاست از عرصه دیانت دانست. چون در حال

جریانها نیز صادق است. در فضای کنونی جامعه می‌توان از حذف جریان سلطنت‌طلبان از عرصه سیاسی - فرهنگی کشور سخن گفت. اما جریانهای ملی لیبرال و چپ سوسیالیستی به حیات خود ادامه داده و در برخی از عرصه‌های سیاسی و فرهنگی فعال هستند. در نخستین تفکیک می‌توان جریان اسلامی را طرفدار دخالت دین در سیاست و حامی حکومت دینی دانست و دو جریان دیگر را طرفدار عرفی کردن سیاست و تفکیک عرصه سیاست از عرصه دیانت دانست. چون در حال

جناح	جهت‌گیری	اجتماعی اقتصادی	نظام تصمیم‌گیری سیاسی	فرهنگی
راست سنتی	راست سنتی	راست - محافظه کار	آمرانه - گروه‌سالاری	سنت‌گرا
راست تندرو	راست تندرو	راست - تندرو	آمرانه - توتالیترسیم	سنت‌گرا
راست مدرن	راست	راست	آمرانه - دیوان‌سالاری آمرانه مردم‌سالار - آزادی‌خواه	نوگرا
چپ سنتی	چپ	چپ	آمرانه	سنت‌گرا
چپ مدرن	چپ	چپ	مردم‌سالار	نوگرا

حاضر تمرکزها بیشتر بر روی جریان اسلامی است و این جریان را قدرتمندترین و مؤثرترین جریان سیاسی - فرهنگی در ایران امروز می‌دانیم. بحث را بر روی این جریان متمرکز می‌نماییم. از این رو نخستین تفکیک را در همین جداسازی به کار گرفته و در واقع سه شکاف دیگر را در میان جریان طرفدار حکمت دینی مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به این تمایز از لحاظ نظر در میان جریان اسلامی در ایران می‌توان هشت جریان کوچک‌تر زیر را مشخص ساخت.

تفکیک و تقسیم‌گردند. از میان هشت جریان فوق‌الذکر دو جریان به نظر می‌رسد، امکان تحقق نداشته باشند. این دو جریان عبارت‌اند از: راست، مردم‌سالار، سنت‌گرا و چپ، مردم‌سالار، سنت‌گرا. علت عدم امکان تحقق این دو به دلیل این است که مردم‌سالاری از مظاهر نوآندیشی است و جمع آن با سنت‌گرایی تا حدودی ناممکن به نظر می‌رسد. البته نمی‌توان انکار کرد حداقل در میان جریانهای سنتی و راست (به ویژه در مراکز علمی) می‌توان کسانی را یافت

### بهارانتان خجسته باد!

سیاسی از خوانندگان، همکاران، دوستان و دوستداران «کار» طی تماس با ما و نیز ارسال کارت‌های تبریک فرارسیدن نوروز و سال نو را به ما تبریک گفته‌اند.

ما نیز نوروزی بی‌روز برای یکایک شما آرزومندیم. امیدواریم که سال نو برای شما سال رسیدن به آرزوهای نیک‌تان باشد و برای تمامی ما ایرانیان بارآورگشاوی دیگر در تلاش‌های صمیمانه‌مان برای نیل به آزادی از چنگال پلید استبداد، به‌روزی مردم و آبادی مین.

کارکنان کار

## دادستان کل آلمان فدرال در مصاحبه با اشپیکل

اشپیکل: می‌دانید که بازداشت کسی که در مقام وزارت است، عملی نیست. آیا صدور حکم، اقدام سیاسی است.

نم: صدور یک حکم بازداشت، یک عمل سیاسی نیست بلکه یک واکنش اجباری دستگاه قضایی در برابر یک جرم سنگین است.

اعتبار حکم بازداشت نباید کوتاه مدت در نظر گرفته شود. پست وزارت شغل دائمی نمی‌باشد.

اشپیکل: دولت آلمان در تأثیر این حکم در عرصه سیاست خارجی ابراز نگرانی کرده است.

نم: تعقیب جنایی این عضو کابینه دولتی ثالث طبیعتاً مسئله روزمره‌ای نیست.

در قانون مجازات عمومی دولت از این حق برخوردار است که اگر پیامد اجرای حکمی را برای آلمان فدرال بسیار زیانبار تشخیص دهد از صدور و اجرای آن جلوگیری کند. ما این مسایل را با افراد مسئول در هیات دولت به طور مسووط بحث و گفتگو کردیم. دلایل دولت برای جلوگیری از صدور حکم تعقیب کافی نبودند.

ما مدارک کافی برای بازداشت فلاحیان داریم

اشپیکل: آقای دادستان، در اعتراض به اقدام شما علیه فلاحیان، جمهوری اسلامی قصد دارد به یک مرجع بین‌المللی شکایت کند. به نظر تان این عمل تا چه اندازه جدی است.

نم: ما با توجه به اسناد و مدارکی که در جریان «پرونده میکونوس» بدست آوردیم، علیه فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی به اتهام شرکت در چهار فقره قتل انجام شده و قصد عمد برای انجام قتل پنجم پرونده بازگردیم و خواستار صدور حکم بازداشت وی شدیم. دادگاه فدرال با تقاضای دادستانی موافقت کرد و حکم جلب صادر شد. تفسیر واکنش تهران وظیفه من نیست.

اشپیکل: شما از سوی جمهوری اسلامی متهم به نقض عرف و قوانین بین‌المللی هستید.

نم: قبل از گشایش پرونده و صدور حکم بازداشت، ما امکانات قانونی را از ابعاد مختلف به دقت و همه‌جانبه بررسی کردیم.

## گزارش کاپیتورن به کمیسیون...

همگونی زیادی در شیوه تنظیم گزارش کاپیتورن با گزارش اول گالیندویل، نماینده پیشین سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران وجود داشته باشد.

نخستین گزارش گالیندویل به رغم مستحوی دقیق افشاگرانه و کارشناسی خود، از آنجا که با لحنی نسبتاً دیپلماتیک به منظور بازنگه‌داشتن باب گفتگو و جهت «تأثیرگذاری» محتمل بر حکومت ایران نوشته شده بود تا مدتی این شبهه را بخصوص برای بعضی از نیروهای سیاسی پدید آورده که آقای گالیندویل وظیفه خود را به خوبی انجام نداده است. مقامات جمهوری اسلامی هم در آن زمان کوشش نمودند تا با نعل وارونه زدن از این موضوع به نفع خود استفاده تبلیغاتی کنند اما با گذشت مدت کوتاهی، حقیقت بر همگان آشکار شد و رژیم جمهوری اسلامی با مخالفت صریح با گالیندویل بر سر ادامه کار او موافقت مختلف ایجاد کرد. با اینهمه قضاوت قطعی درباره گزارش اخیر آقای کاپیتورن بازرس ویژه جدید کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران را به بعد از انتشار وسیع آن و خواندن دقیق آن موکل می‌کنیم.

بقیه از صفحه ۱

قرار نگرفته است. کاپیتورن گزارش ارائه شده خود را موقت خوانده، ابراز امیدواری نموده است که در آینده بتواند به گفت و شنود با رژیم جمهوری اسلامی به منظور پیشبرد و استحکام حقوق انسانی ایرانیان ادامه دهد.

کاپیتورن در این گزارش همچنین به محاکمه غیرقانونی عباس امیرانتظام و شرایط غیرانسانی زندانها اشاره کرده، نوشته است که امیرانتظام به خاطر شرایط بد زندان به ناچار ۱۱ بار مورد عمل جراحی قرار گرفته است.

کاپیتورن در گزارش خود در عین حال نوشته است که وضع زندان اوین در دو سال اخیر بهبود یافته است و موقعیت زنان نیز در این دو سال اندکی بهتر شده و چندین سازمان حقوق بشر در داخل رژیم از جمله در وزارت امور خارجه و مجلس ایجاد گردیده است.

امری که باعث آن شده است که محمد جواد ظریف معاون وزارت خارجی رژیم در عین برخورد شدید به گزارش آنرا تا حدی بی‌طرفانه بخواند و بعضی از احزاب و سازمانهای اپوزیسیون آنرا تاکنای و ملایم بدانند.

متن کامل گزارش آقای کاپیتورن تا لحظه تنظیم این خبر به دست ما نرسیده است، اما براساس اخبار جسته و گریخته موجود نظر می‌رسد خود خواهد بود.

دوم، یعنی اختصاص بخشی از این درآمد به مناطق کردتفین شمال را مغایر حق حاکمیت خود می‌داند، چون این کمکها توسط سازمان ملل و بدون دخالت دولت عراق توزیع خواهد شد و پذیرش رسمی این موضوع توسط بغداد، به منزله شناسایی رسمی عدم کنترل دولت مرکزی بر این بخش از کشور خواهد بود.

درواقع تصویب قطعنامه ۹۸۶ در شورای امنیت سازمان ملل با هدف تحدید حاکمیت عراق صورت گرفته است و ایمن موضوع روز به روز آشکارتر می‌شود. حتی عراق حاضر شده است با ایجاد تغییراتی جزئی در این قطعنامه آن را بپذیرد، ولی آمریکا و انگلیس حاضر به نشان دادن هیچگونه نروشی در این زمینه نیستند و بر پذیرش بی‌قید و شرط آن اصرار می‌ورزند. این قطعنامه همچنین بهانه‌ای به دست آمریکا و متحدانش داده تا انتقادات مطبوعات و فشارهای بعضی محافل بشردوستانه را علیه خود خنثی کنند و صدام‌حسین را به عنوان عامل اصلی تداوم زنج و محنت مردم عراق معرفی کنند چرا که وی حاضر به پذیرش این قطعنامه نیست. به عبارت دیگر، غریبه‌ها قطعنامه را به تصویب رسانده‌اند که عملاً منجر به تحدید حاکمیت و تهدید وحدت ارضی عراق می‌شود و در عین حال اصرار دارند که عراق برای نجات مردم خود از گرسنگی باید آن را بپذیرد و اگر نپذیرد خود مسئول مرگ و میر ملت خود خواهد بود.

سیاست آمریکا در مورد عراق این است که بغداد به نقطه‌ای از استیصال برسد که تن به پذیرش قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت دهد و راه را برای فدرالی شدن این کشور در جهت تحقق طرح خاورمیانه‌ای آمریکا هموار سازد. به همین دلیل، آمریکا و متحدان آن، هر راه دیگری جز پذیرش این قطعنامه را به روی عراق سد کرده و اقدامات این کشور را برای خروج از انزوا و رفع تحریمها از طریق اجرای قطعنامه‌های مربوط به جنگ خلیج فارس خنثی کرده‌اند. بله همین دلیل

دوم، یعنی اختصاص بخشی از این درآمد به مناطق کردتفین شمال را مغایر حق حاکمیت خود می‌داند، چون این کمکها توسط سازمان ملل و بدون دخالت دولت عراق توزیع خواهد شد و پذیرش رسمی این موضوع توسط بغداد، به منزله شناسایی رسمی عدم کنترل دولت مرکزی بر این بخش از کشور خواهد بود.

درواقع تصویب قطعنامه ۹۸۶ در شورای امنیت سازمان ملل با هدف تحدید حاکمیت عراق صورت گرفته است و ایمن موضوع روز به روز آشکارتر می‌شود. حتی عراق حاضر شده است با ایجاد تغییراتی جزئی در این قطعنامه آن را بپذیرد، ولی آمریکا و انگلیس حاضر به نشان دادن هیچگونه نروشی در این زمینه نیستند و بر پذیرش بی‌قید و شرط آن اصرار می‌ورزند. این قطعنامه همچنین بهانه‌ای به دست آمریکا و متحدانش داده تا انتقادات مطبوعات و فشارهای بعضی محافل بشردوستانه را علیه خود خنثی کنند و صدام‌حسین را به عنوان عامل اصلی تداوم زنج و محنت مردم عراق معرفی کنند چرا که وی حاضر به پذیرش این قطعنامه نیست. به عبارت دیگر، غریبه‌ها قطعنامه را به تصویب رسانده‌اند که عملاً منجر به تحدید حاکمیت و تهدید وحدت ارضی عراق می‌شود و در عین حال اصرار دارند که عراق برای نجات مردم خود از گرسنگی باید آن را بپذیرد و اگر نپذیرد خود مسئول مرگ و میر ملت خود خواهد بود.

سیاست آمریکا در مورد عراق این است که بغداد به نقطه‌ای از استیصال برسد که تن به پذیرش قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت دهد و راه را برای فدرالی شدن این کشور در جهت تحقق طرح خاورمیانه‌ای آمریکا هموار سازد. به همین دلیل، آمریکا و متحدان آن، هر راه دیگری جز پذیرش این قطعنامه را به روی عراق سد کرده و اقدامات این کشور را برای خروج از انزوا و رفع تحریمها از طریق اجرای قطعنامه‌های مربوط به جنگ خلیج فارس خنثی کرده‌اند. بله همین دلیل

## ملتی در چنگال مرگ

عراق را از سقوط قطعی نجات داده، اما سبب تأمین نیازهای ابتدایی آنان نشده است. در این میان بلازده و بدبخت واقعی کسی است که سلامت خود را از دست بدهد و نیاز به دارو و درمان و یا بیمارستان و درمانگاه پیدا کند. به تصدیق همه خارجیانی که از عراق دیدن کرده‌اند، بیمارستانهای عراق از ارائه ابتدائی‌ترین خدمات به بیماران خود عاجزند و تقریباً هیچ نوع داروی مؤثری در کشور قابل دسترسی نیست؛ مگر به بهایی که قریب به تمام مردم عراق توان پرداخت آن را ندارند. به همین دلیل، میزان مرگ و میر کودکان به شدت بالا رفته و به برابر زمان پیش از تحریمها رسیده است به طوری که بیش از نیم میلیون کودک تاکنون جان خود را از دست داده‌اند و میلیونها تن دیگر دچار بیماریهای ناشی از سوء تغذیه شده‌اند. طبق گزارش «فائو»، تنها در سال جاری میلادی، چهار میلیون عراقی با خطر مرگ و میر ناشی از قحطی و گرسنگی روبرو هستند و اگر تحریمها به سرعت لغو نشود و یا کاهش نیابد، یک تراژدی هولناک اتفاق خواهد افتاد.

گرسنگی و فقر و مرگ تنها یک بعد این فاجعه است. بعد دیگر آن، رشد فساد و بزهکاری و جنایت در ابعاد وسیع است. به تصدیق بسیاری از کارشناسان توسعه در خاورمیانه پیش از تحریمهای بین‌المللی جامعه عراق یکی از کم‌فاسدترین جوامع جهان سومی بود که اخاذی و رشوه و قتل در آن به ندرت صورت می‌گرفت و از این جهت ضرب‌المثل بود. اما اینک در پرتو تحریمهای بین‌المللی و گسترش فقر در عراق، مفاسد و جرایم به قدری در این کشور شیوع پیدا کرده که دولت تنها با اعمال مجازاتهای خفناک قادر به کنترل است و از همین رو، بسیاری تحلیلگران، گسیختگی همبستگی اجتماعی و فروریختن پایه‌های اخلاقی و ارزشی جامعه عراق را پیش‌بینی می‌کنند.

«این روزها در بغداد مشاهده جوانی که به منظور دریافت مبلغی پول خواهر خود را به مسافران خارجی عرضه می‌کند، منظره‌ای عادی است.» اینک پس از گذشت قریب به ۶ سال از تحریمهای همه‌جانبه بین‌المللی علیه عراق، این کشور خورده از پا درمی‌آید و ۱۸ میلیون جمعیت آن در منجلاب فقر و گرسنگی و بیماری و مرگ فرو می‌روند. تأثیر تحریم کامل بین‌المللی بر روی کشوری که بیش از ۹۰ درصد درآمد آن از راه صدور نفت به دست می‌آمد، به خودی خود قابل درک است. بنابراین اگر هر دلار آمریکا که قبل از تحریمها کمتر از ۱۰۰۰ دینار - واحد پول عراق - بود، در حال حاضر در بازار آزاد با ۲۵۰۰ دینار مبادله می‌شود، جای چندان تعجبی ندارد. اما عمق فاجعه آنگاه آشکار می‌شود که بدانیم متوسط حقوق ماهیانه در عراق ۵ هزار دینار یعنی ۲ دلار در هر ماه است و این در حالی است که بهای هر عدد نان ۶۰ دینار، یک کیلوگرم آرد ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ دینار و یک کیلوگرم گوشت ۵ هزار دینار است. به عبارت روشنتر، هر عراقی ماهانه حقوقی برابر یک کیلو گوشت دریافت می‌کند. دولت عراق برای مقابله با این وضع فاجعه‌آمیز، هر ماه مقداری آرد، شکر، شیرخشک و... تقریباً به صورت مجانی در اختیار هر فرد می‌گذارد، اما این میزان مواد خوراکی تنها ۶۰ درصد کالری مورد نیاز یک فرد را تأمین می‌کند و برای تأمین بقیه و دیگر نیازهای روزمره، به ناچار باید به سراغ بازار آزاد رفت و در بازار آزاد نیز تمام مزد افراد حقوق‌بگیر و دیگر اقشار فرودست، برای خرید ناچیزترین چیزها برابری نمی‌کند.

از همین رو، برای مدتی، زنهار زیروآلات خود را، روشنفکران و نویسندگان کتابهای خود را و بسیاری از خانواده‌ها اسباب و اثاثیه منزل را به حراج گذاشتند. اما این منابع محدود و پایان‌پذیر، به سرعت به پایان رسید. حتی اختصاص اوقات بیکاری و فراغت انفرادی به کشت و کار محصولات کشاورزی نیز گرچه اقتصاد

## نامه سرگشاده اعتراضی امیرانتظام از بازداشتگاه جمهوری اسلامی

دندنی‌های منسب به مقام ولایت شمشاد خواندم. و از اظهارات کذب شما تعجب نکردم ...

سال‌هاست که در کمال شقاوت و بی‌رحمی ملتی را به خاک و خون کشیده‌اید. فکر کرده‌اید که با تهدید من به اعدام، من در مقابل جنایات و ویرانگری‌های شما ساکت خواهم نشست و برای حفظ جانم لب فرو خواهم بست.

مرا از مرگ نترسانید که من رقص‌کنان به پای چوبه دار شما خواهم رفت. در ۱۶ سال گذشته شما برای ضایع کردن ملت ایران و پیروان دکتر محمد مصدق مسطر شرافت و وطن‌پرستی، از هیچ اقدامی فروگذار نکردید.

خدا را سپاس می‌گویم که این قرعه بنام من افتاد.

آقای رهبر، رژیم اسلامی و کلیه مسئولین آن بدلیل اعمال

عباس امیرانتظام قدیمی‌ترین زندانی سیاسی ایران در آذرماه سال گذشته از بازداشتگاه خانگی وزارت اطلاعات، اعتراض‌نامه‌ای نسبت به سخنان رهبر پوپر رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی که در تاریخ ۲۹ آبان‌ماه در باره تجدیدنظر در محاکمه امیرانتظام ایراد کرده بود، نوشته، آن را در بهمن‌ماه برای آقای عبدالکریم لاهیجی وکیل مدافع خود ارسال نموده است. رونوشت این اعتراض‌نامه برای سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی و تمامی روزنامه‌های منتشره در داخل کشور نیز فرستاده شده است که آنها از درج آن خودداری کرده‌اند. قسمت‌هایی از این نامه سرگشاده چنین است:

آقای رهبر پوپر رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی نظریات سراپاکذب شما را

شمرم‌آوری که در طول ۱۷ سال‌گذشته نسبت به ملت ایران، اسلام و بشریت انجام داده است به‌عنوان جنایتکار تاریخ بشری محاکمه و مجازات خواهد شد. شما چه بخواهید و چه نخواهید نقاب از چهره فریبکار شما برداشته شده و خواهد شد و آنچه که واقعاً هستی به مردم ساده‌دل و زودباور و فریب‌خورده ایران و مردم آزاد جهان نشان داده خواهد شد.

آقای رهبر پوپر من تا زمانی که زنده هستم از هبوطانم با همه مصائب و فجایعی که بر آنها وارد شده، خواسته و خواهم خواست که با اعتراضات مسالمت‌آمیز، قهر و عدم رضایت خودشان را نسبت به اعمال ناقض بشر شما، بشما نشان دهند و با تدویم و استمرار این قهر اعتراض‌آمیز، از طریق یک همه‌پرسی مسالمت‌آمیز، به حکومت مردم‌سالار مورد نظر خود دست یابند. من هرگز با جنگ و

## خبرهای کوتاه

### نمایندگانی که نمی‌داند بلند شود یا نه!

محمد قمی نماینده ورامین در مجلس شورای اسلامی در گرماگر مبارزات انتخاباتی مجلس پنجم در مصاحبه‌ای اظهار داشت که ما در مملکت «آدم خوب» زیاد داریم اما تخصص ندارند و برای رفتن به مجلس مناسب نیستند. در مجلس پنجم نباید دیگر شاهد این باشیم که طرح یا لایحه‌ای در مجلس قرائت شود و موقع رأی‌گیری برخی از نمایندگان از کنار دستی خود بپرسند: «بلند شوم یا نه؟»

### نخستین نظرسنجی انتخابات در تاریخ کشور

در آستانه انتخابات مجلس پنجم رژیم، مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی به انجام نظرسنجی به شیوه علمی در مورد مسائل انتخابات اقدام نمود. در این نظرسنجی از میان شهروندان تهرانی عده‌ای به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ای حاوی سؤالاتی در مورد جناح‌های سیاسی، گرایش‌های سیاسی و میزان شناختشان از جناح‌های سیاسی دریافت کردند. مرکز یاد شده هنوز گزارشی در مورد میزان هم‌خوانی نظرسنجی مزبور و رأی‌کامیاب‌های نمایندگی ارائه نداده است.

### شبهه‌ای از تخلفات تبلیغاتی انتخابات

هفته‌نامه پیام دانشجو که اخیراً پس از رفع توقیف انتشار مجدد خود را آغاز کرده است برخلاف اکثر مطبوعات کشور که در منازعه دو جناح «روحانیت مبارز» و «کارگزاران سازندگی» حکومت بر یکی بیشتر می‌تازند و جانب دیگری را تاحدی نگاه می‌دارند، هردو جناح را تقریباً به یک میزان افشاء می‌کند. این نشریه در مقاله‌ای با عنوان «تخلفات تبلیغاتی کارگزاران سازندگی» می‌نویسد: طبق اسناد موجود در چاپخانه‌ای که بخشی از آن متعلق به آموزش و پرورش است پوست‌های کارگزاران در سطح وسیع به چاپ رسیده است (!!)

طبق اسناد موجود که نمونه‌ای از آن نیز به دفتر هفته‌نامه رسیده است، پوست‌های کارگزاران با استفاده از کاغذهای سهمیه آموزش و پرورش برای تدارک کتاب‌های درسی سال ۱۳۵۷ چاپ شده است.

### افزایش اختلاف درآمدها در کشور

فصل‌نامه جمعیت که از سوی سازمان ثبت احوال کشور منتشر می‌شود در آخرین شماره خود با ارائه آمار نشان داده است که در طول ۳۵ سال گذشته اختلاف درآمدها در ایران افزایش چشم‌گیری یافته و این امر از دلایل اصلی رشد جمعیت شهرهای بزرگ کشور است.

### ساخت پالایشگاه مشترک ایران و پاکستان

روزنامه ملت چاپ اسلام‌آباد نوشت که عملیات اجرایی پالایشگاه نفت مشترک ایران و پاکستان در اواسط اردیبهشت ماه سال جاری آغاز می‌گردد. این پالایشگاه که قرار است در ۴۰ کیلومتری شهر کراچی ساخته شود، دارای ظرفیت تصفیه ۱۲۰ هزار بشکه نفت در روز است و برای ساختن آن یک میلیارد دلار هزینه پیش‌بینی شده است.

### مراسم برائت از مشرکین برگزار می‌شود؟

محمد محمدی ری‌شهری وزیر سابق اطلاعات رژیم و مسئول فعلی امور حج امسال بار دیگر اعلام کرد که قصد دارد به پیروی از اوامر رهبرش علی‌خامنه‌ای مراسم برائت از مشرکین را به رغم مخالفت مقامات عربستان سعودی سازماندهی کند. در سال‌های پیشین نیز سردمداران رژیم با تبلیغات وسیع اعلام داشتند که هر ترتیب این مراسم را که از جانب خمینی و متعاقباً خامنه‌ای توصیه شده است، در مکه بجای می‌آورند اما در برابر پافشاری دولت عربستان مبنی بر عدم برگزاری چنین مراسمی مجبور به عقب‌نشینی شدند.

### اتصال ۳۵ شهر دیگر به شبکه گازرسانی

محمد نژاد مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران اعلام کرد که طرح‌های گازرسانی در ۳۵ شهر کشور در سال جاری به مرحله بهره‌برداری خواهد رسید و در آن صورت تعداد کل شهرهایی که تا پایان سال دارای گاز خواهند بود به رقم ۲۸۲ می‌رسد. وی اظهار داشت که با اتصال خط لوله گاز از رشت به نکا مخزن گاز جنوب به مخزن شمال شرقی کشور متصل شده است. به گفته محمدنژاد شرکت ملی گاز ایران سال گذشته ۱۴۲ میلیون متر مکعب در روز گاز تولید کرده است که این میزان روزانه ۲۲ میلیون متر مکعب بیشتر از سال ۷۳ بود و با کار گذاشتن ۲۰ هزار و ۶۱۰ کیلومتر لوله گاز در سال گذشته، طول شبکه که در سراسر کشور به بیش از ۴۰ هزار کیلومتر رسیده است.

### سومین جشنواره مطبوعات

در روزهای ۶ تا ۱۲ اردیبهشت ماه امسال، سومین جشنواره مطبوعات ایران هم‌چون سال‌های گذشته در محل دائمی نمایشگاه‌ها در تهران برگزار می‌شود. قرار است که در این جشنواره کلیه مطبوعات سراسر کشور غرفه‌هایی را به صورت مجانی برای عرضه کارهایشان در اختیار داشته باشند. برای نخستین بار در جشنواره سوم برگزاری مسابقات علوم ارتباطات و نظرسنجی از شرکت‌کنندگان و بازدیدکنندگان از نمایشگاه نیز در نظر گرفته شده است. براساس توافقی که میان تدارک‌کنندگان جشنواره و مسئولان مطبوعات صورت گرفته است، به کسانی که در محل جشنواره نشریات را برای یکسال آبروه شوند، از ده تا ۴۰ درصد تخفیف داده خواهد شد. قرار است در مراسم افتتاحیه جشنواره که در روز ۱۳ اردیبهشت ماه هم‌زمان با روز جهانی آزادی مطبوعات برگزار خواهد شد به برندگان این جشنواره جوایزی اهدا شود.

### دو کارگر کارخانه در آتش سوختند

کارخانه بافت بلوچ، بزرگترین کارخانه ریستندگی و بافندگی خاورمیانه در یک آتش‌سوزی ازبین رفت.

آتش‌سوزی در کارخانه بافت بلوچ شهرستان ایران‌شهر در استان سیستان و بلوچستان روز شنبه ۱۹ اسفند از سقف کاذب واحد ریستندگی آغاز شد و تلاش کارگران برای مهار آتش و جلوگیری از گسترش آن به سایر نقاط کارخانه ناکام ماند و کارخانه در برابر دیدگان هزاران کارگر و مردم محل در میان آتش سوخت و به تلی از خاکستر بدل شد.

آتش‌سوزی به حدی بود که به رغم سیخ امکانات آتش‌نشانی استان سیستان و بلوچستان و بندرعباس و اعزام هلی‌کوپتر از کرمان، مأموران نتوانستند حریق را

### انتخابات اصفهان و میاندوآب باطل شد

حوزه انتخاباتی میاندوآب قبلاً نام حسین شریفی به عنوان کسی که اکثریت آرا را کسب کرده است اعلام شده بود و در حوزه اصفهان خانم نیره اخوان بیطرف همسر دکتر کامران در دور اول به مجلس راه یافته بود و سرنوشت ۴ کرسی دیگر به دور دوم کشیده شده بود. شایان ذکر است که در مرحله تعیین صلاحیت کاندیداهای نمایندگی در اصفهان هیئت نظارت استان برگزیده از جانب شورای نگهبان در هنگام بررسی شکایات رد صلاحیت شدگان، صلاحیت بعضی از آنها را تأیید و در مقابل صلاحیت رقیبان آنان را که قبلاً صلاحیتشان تأیید شده بود رد کرد. دکتر کامران کاندیدی بانفوذ اصفهان از جمله کسانی بود که در نهایت صاحب صلاحیت شناخته نشده بود.

### بیکاری ۶۰۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه

هفته‌نامه بهمن که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی رفسنجانی و از اعضای بانفوذ جناح موسوم به «کارگزاران سازندگی» حکومت می‌باشد، در یکی از شماره‌های اخیر خود به نقل از یکی از کارشناسان و برنامه‌ریزان آموزشی کشور که نام او را فاش نکرده است نوشت: در طول برنامه دوم تقریباً یک میلیون نفر از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل خواهند شد که تا در صورت تحقق ۵ درصد رشد اقتصادی در سال حداکثر تنها ۴۰۰ هزار نفر آنان جذب بازار کار خواهند شد و به این ترتیب انتظار می‌رود در اواخر سال‌های ۷۰ و اوایل سال‌های دهه ۸۰ شمسی بحران بیکاران دانشگاهی بسیار جدی شود. بحرانی که نشانه‌های آن از هم‌اکنون نیز قابل مشاهده است.

نشریه بهمن در ادامه می‌نویسد: به عقیده کارشناسان در برنامه‌ریزی آموزشی دو رویکرد وجود دارد. نخست آموزش برای

### ابراز نگرانی امارات متحده عربی

نسبت به احتمال دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی

سیف سعید بن ساعد قائم مقام وزارت خارجه امارات متحده عربی هفته گذشته نگرانی دولت متبوع خود را نسبت به احتمال برخورداری جمهوری اسلامی از سلاح هسته‌ای اعلام نمود. او گفت تلاش ایران برای برخورداری از تسلیحات و نیروگاه‌های هسته‌ای نه تنها امارات بلکه کشورهای منطقه و همه کشورهای جهان را نگران کرده است. در برابر اظهارات بن‌ساعد، محمود محمدی سخنگوی وزارت خارجه رژیم در گفت‌وگویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی و سازمان انرژی اتمی با صدور بیانیه‌ای از خود واکنش نشان دادند. محمدی اظهار نظرهای قائم مقام وزارت خارجه امارات متحده

### سرقت تابلو «آئینه اندیشه» در دانشگاه

تابلو «آئینه اندیشه» که محل بازتاب آراء گوناگون دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بود و از این‌رو خوانندگان زیادی داشت اخیراً به سرقت رفت.

این تابلوی ۲/۵ در یک متری در ساختمان ابن‌سینا، ساختمان مرکزی این دانشگاه قرار داشت و زیر نظر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف اداره می‌شد. انجمن اسلامی دانشجویان مطالب این تابلو را از میان مطالبی که در صندوق در کنار آن ریخته می‌شد انتخاب و پس از تأیید شورای انجمن اسلامی دانشجویان بر تابلو نصب می‌کردند.

## کتاب را بر روی

### شبکه جهانی اینترنت Internet

#### بخواهید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائییان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه جهانی اینترنت در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات نشریه و همچنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW، زیر آدرس: http://193.80.248.16/iran.kar.fedaii.aksariya/ مشاهده فرمایند. مقالات اصلی هر شماره همچنین به خط گرسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و هنوز مشترک نشریه کار نیستند، توصیه کنید.





# پیرامون نظریه «برخورد تمدنها»ی ساموئل هانتینگتون

س - کاوان

● مطابق این نظریه کانون درگیری در آینده بسیار نزدیک بین غرب و چند کشور اسلامی - کنفوسیوسی است.

● در تهران محافل حکومتی از این نظریه استقبال فراوان می کنند.

## معنای دیروز

پایان جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه شوروی نقطه عطف تاریخی پایانه قرن بیستم است. در تحلیل و تبیین دنیای پس از جنگ سرد حاصصان با ارائه مدل‌های تئوریک - نظری چون «پایان ایدئولوژی»، «عصر پیروزی لیبرال دموکراسی»، «دوران پست مدرنیسم» و غیره تلاش کرده‌اند سیمای جهان پس از جنگ سرد و عمده‌ترین روندهای آن را ترسیم کنند. انگیزه‌ها، متدولوژی، چهارچوب تحلیلی و نتیجه‌گیری‌های این مدل‌های تئوریک بسیار متفاوت و گاه متضاد است. اما یک نکته و محور مرکزی در همه این مدل‌ها انعکاس نسبتاً واحدی دارد. آنهم اینکه در دوران جنگ سرد مسائلی و کشمکش‌های بین‌المللی در ارتباط با مسائل مربوط به «دوران استراتژیک» بین دو اردوگاه طرح و حل و فصل می‌شد. به دیگر سخن سلیبت نظام دواوردگاهی ساختار نسبتاً منظم و پایداری را بوجود آورده بود که در آن منازعات جهانی با در نظر داشت آن «توازن استراتژیک» تحدید، کنترل و حل و فصل می‌شد.

## پس از دیروز

هم‌اکنون ارتباط میان ساختار جهانی و مناسبات بین‌المللی پس از بهم خوردن آن «توازن استراتژیک» عمده توجه مفسران و تحلیلگران روابط بین‌الملل را بخود جلب کرده است. دو گرایش عمده را در این زمینه می‌توان از یکدیگر تشخیص داد. در یک طرف آن تحلیلگران روابط بین‌الملل قرار می‌گیرند که افق نسبتاً روشن و امیدوار کننده‌ای سیمای جهان آتی ارائه می‌کنند. مطابق این روایت مناسبات جهانی در دوران پس از جنگ سرد از رقابت و رویارویی به سمت همکاری و همیاری و در راستای کنترل هرچه بیشتر تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سمت خواهد گرفت. در سوی دیگر آن دسته از تحلیلگران قرار می‌گیرند که تصویری تارتر از امکانات جامعه جهانی به منظور حل منازعات و تضادهای آن بدست می‌دهند. بنظر ایشان در جهان پس از جنگ سرد تضادها و تنشهای محور «شمال - جنوب» جای رقابتهای «شرق - غرب» را خواهد گرفت. به عبارت دیگر در دوران پس از جنگ سرد بشریت هنوز با یک جهان دو قطبی روبرو بوده و خواهد بود. برخی از هواداران این چهارچوب تئوریک بر این باورند که فروپاشی اردوگاه شوروی نه تنها بیانگر پایان ساختار دو قطبی جهان نیست بلکه بر عکس «جنوب» و جنبشهای سیاسی آن را در مقابل این فرصت تاریخی قرار داده است که به عنوان یک قطب و محور علیه «غرب» صف آرایی کنند.

## افسانه از دو سو

با تاسی و تمسک افراطی بر عنصری از برداشت اخیر و با تکیه بر نظر تعدادی انگشت شمار محقق اجتماعی، افسانه‌های خطرناک و در همانحال فریبنده در تبیین بخت و اقبال یک قطب اسلامی و داعیه رژیم جمهوری اسلامی برای رهبری این قطب در مبارزه علیه «غرب» ساخته و پرداخته شده است. به این افسانه از دو سو دامن زده می‌شود. در یکطرف بخشی از محافل سیاسی در آمریکا و اروپا قرار می‌گیرند که تبلیغ گسترده حول این تهدید و طرح آن تا حد یک امر حتمی و اجتناب ناپذیر را جزء سود بخشی در سیاستهای راست افراطی و نژادپرستانه خود به منظور کسب پیروزی در انتخابات تشخیص داده‌اند. در طرف دیگر مقامات رژیم ولایت فقیه و بویژه کارگزاران سیاست خارجی قرار دارند که بهره‌برداری از این افسانه را در راستای مقاصد خود مفید تشخیص داده‌اند. در توجه و بهره‌برداری سیاسی آخوندها از این موضوع دو نکته شایان توجه است. اولاً، آنها تلاش دارند با بهره‌گیری از گسترش جنبشهای اسلامی و حمایت بشمار مردمی از این جنبشها در منطقه، مشروعیت قساوتی و ایدئولوژیک برای نظام استبدادی و غیر دموکراتیک خود بسازند. ثانیاً، آنها به سیاق سیاست و تاکتیک آخوندی تلاش دارند از افسانه «قدرت و تهدید اسلامی» به عنوان یک عامل قدرت و ابزار چانه‌زنی در دستیابی به مقاصد استراتژیک بهره جویند.

## روایت هانتینگتون

افتخار و نشان تئوریک این افسانه «قطب و تهدید اسلامی» بر سینه ساموئل هانتینگتون قرار گرفته است. هانتینگتون استاد کرسی حکومت و رئیس مطالعات استراتژیک در دانشگاه هاروارد است. او در شماره تابستان ۱۹۹۳ فصلنامه فارین افز (Foreign Affairs) مقاله‌ای تحت عنوان «برخورد تمدنها» منتشر کرد. هانتینگتون ضمن طرح بغایت انتزاعی فرضیه «برخورد تمدنها» نسبت به تهدید جدی و محتمل «اسلام» علیه غرب هشدار می‌دهد. او بر این باور است که با پایان جنگ سرد دوران تضادها و کشمکشهای ایدئولوژیک به فرجام رسیده است. بر اساس این تحلیل در دوران جدید برخورد تمدنها دیگر مسائل ایدئولوژیک و سیاسی را تحت الشعاع قرار داده و صف آرایی جدیدی در مناسبات جهانی ایجاد خواهد کرد. او می‌نویسد: «فرضیه من این است که اصولاً نقطه اصلی برخورد در این جهان نو، نه رنگ ایدئولوژیک دارد و نه بوی اقتصادی. شکافهای عمیق میان افراد بشر و به اصطلاح «نقطه جوش» برخوردها دارای ماهیت فرهنگی خواهد بود و

بسر برخورد تمدنها بالمآل بر سیاست جهانی سایه خواهد افکند. خطوط گسل میان تمدنها؛ در آینده خاکریز نبرد خواهد بود. برخورد تمدنها آخرین مرحله از تکاملی چالش در جهان نو خواهد بود».

هانتینگتون هفت و یا هشت تمدن عمده را در جهان معاصر برمی‌شمارد: «این تمدنها عبارتند از: تمدن غربی؛ کنفوسیوسی؛ تمدن ژاپنی؛ تمدن اسلامی؛ تمدن هندو؛ تمدن اسلاوی - ارتدکسی؛ تمدن آمریکای لاتین و احتمالاً تمدن آفریقایی».

بر طبق فرضیه هانتینگتون تمدن غربی از یک سو و تمدن اسلامی - کنفوسیوسی دو قطب اصلی این برخورد میان تمدنی را تشکیل خواهند داد. برخلاف حتی تندترین طرفداران دو اردوگاه سابق که امکان همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو اردوگاه را ممکن و میسر می‌دانستند، هانتینگتون نه تنها رویارویی خون‌بار اتحاد اسلامی - کنفوسیوسی علیه غرب را اجتناب‌ناپذیر ارزیابی می‌کند بلکه آن را بسیار نزدیک می‌بیند. «کانون درگیری در آینده بسیار نزدیک، بین غرب و چند کشور اسلامی - کنفوسیوسی خواهد بود».

هرچند سه سال از انتشار این مقاله می‌گذرد تنها محافلی محدود سیاسی و عمدتاً راست افراطی و نژادپرست توجه نسبتاً جدی به آن نشان داده‌اند. حتی صاحب‌نظرانی از طیف راست و از جمله جین کرک برتریک سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل علیه استدلال‌های هانتینگتون موضع گرفته‌اند. در کل واکنش اکثریت سیاستمداران و کارگردانان سیاست در آمریکا همراه با احتیاط و گاه نقد و رد نتیجه‌گیریهای هانتینگتون بوده است. برژنسکی تئوریک مسائل استراتژیک نیز به نقد و رد دیدگاه هانتینگتون پرداخته است. در سطح آکادمیک نیز «نظریه برخورد تمدنها» با استقبال چندانی روبرو نبوده است و در واقع بسیاری از مفسران مسائل بین‌المللی و از جمله فرد هالیدی که کتاب اخیر او تحت عنوان «اسلام و افسانه رویارویی» را در ده شماره پیشین کار معرفی کردیم به رد نظریه هانتینگتون پرداخته‌اند. در ایران بر عکس بحث هانتینگتون واکنش تأییدآمیز مقامات حکومتی را نسبت به خود جلب کرده است. ترجمه کامل و بررسی این مقاله ابتدا در ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی و سپس در اطلاعات روز و کیهان هوایی سته‌های قابل توجهی به خود اختصاص داد. برای مثال از تلاشهای آقای مجتبی امیری که بنظر می‌رسد تئوریک و کارشناس مهم امور خارج رژیم باشند جهت معرفی و تبلیغ این نظریه می‌توان نام برد. آقای امیری ابتدا طی دو مقاله در شماره‌های ۶۹۷ و ۷۳۷۴ - اطلاعات سیاسی - اقتصادی و اخیراً در کتابی تحت عنوان «نظریه برخورد تمدنها» هانتینگتون و منتقدانش» به بررسی و معرفی دیدگاه هانتینگتون پرداخته است.

## نظریه‌ای سست و ضعیف

چنانکه پیشتر گفتیم پایان جنگ سرد بیانگر بسته‌شدن یک دوره بسیار طوفانی تاریخ معاصر جهان است و به این اعتبار رویدادی بسیار مهم و تاریخ‌ساز است. اصولاً هر تئوری جدید و نوینی جهت تحلیل تحولات دنیای پس از جنگ سرد جای تأمل و ارزش مطالعه دارد. اما «نظریه برخورد تمدنها» بحثی بسیار انتزاعی است که تنها با چند واسطه به اوضاع کنونی جهان می‌تواند وصل شود. فراتر از این علیرغم موقعیت آکادمیک هانتینگتون، نظریه برخورد تمدنها چهارچوب نظری - تئوریک ضعیف و سستی دارد و نتیجه‌گیری‌های آن در تناقض با واقعیات و روندهای جهان معاصر است. اما چنانچه دکتر احمد صدری به درستی می‌گوید: «نبوغ هانتینگتون نه در عمق تفکر سیاسی وی بلکه در زیرکی و موقع شناسی اوست». موقع شناسی او در درک نیاز جامعه سیاسی آمریکا به دشمن خیالی ایدئولوژیک جدید جهت اعمال هژمونی بر اذهان توده‌های مردم پس از جنگ سرد است. در واقع هانتینگتون با خلق و ایجاد افسانه تهدید و خطر اسلام علیه غرب علیرغم نتیجه‌گیری بی‌ربط و کلی‌گویی بی‌در و پیکر در مورد جوهر و وجه تمایز و تضاد تمدنها این حلقه اخیر تهی‌شده در ماشین تبلیغاتی آنها را پر کرده است. دیدگاه هانتینگتون نه یک چهارچوب تحلیلی جدید بلکه گرایش سنتی در مطالعه روابط بین‌المللی را به نمایش می‌گذارد و به این اعتبار نه یک پارادایم بلکه یک طرح استراتژیک - سیاسی است و در این چهارچوب می‌باید تحلیل شود. اما از آنجا که طرفداران این نظریه چه در غرب و چه در میان مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند آن را به عنوان یک تئوری بسیار با اهمیت به خورد افکار عمومی دهند، اشاره‌ای هرچند گذرا به تناقضات دیدگاه او خالی از ثمر نیست.

## گنگی در تعریف تمدن

هانتینگتون تعریف روشنی از مفهوم تمدن ارائه نمی‌کند. بطور کلی ترم تمدن بر ترسیم جوامع نسبتاً پیچیده‌تر در قیاس با جوامع اولیه است. تقسیم‌کار اجتماعی؛ اسکان‌گزینی و بعدها پیدایش شهرها؛ اختراع کشاورزی؛ و کتابت عواملی هستند که ما در تمیز جوامع دارای تمدن از جوامع اولیه برمی‌شماریم.

بطور مشخص‌تر منظور از تمدن مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی، دستاوردهای فرهنگی و استانداردهای اقتصادی است که ترکیب آنها مرحله‌ای از تکامل اجتماعی را نمایندگی می‌کند. در هر دو کاربرد زمینه و عنصر اصلی پیدایش و گذار از تمدن فروتر به تمدن عالی‌تر ظرفیت تولیدی و سازمان تولید اجتماعی است. در فرمولبندی هانتینگتون بطور خارق‌العاده‌ای عنصر اقتصادی در تعریف تمدن قلم گرفته شده است. در کنار این تعدد در متسی کردن

عامل اقتصادی در کاربرد ترم تمدن، دو مفهوم تمدن و فرهنگ در سرتاسر مقاله او چنان درهم گره خورده‌اند که امکان تشخیص آنها میسر نیست. و بالاخره او تمدنها و سطح گروه‌بندیهای فرهنگی را چنان تقسیم بندی میکند که شاخص اصلی آنها ادیان و مذاهب مختلف هستند. خطای متدیگ در آنجاست که تمدن بر ظرفیتهای هنری، فرهنگی، تکنیکی و تولیدی هر جامعه و اجتماع انسانی به منظور ارضای حواری مادی اعضا آن دلالت دارد و بنا بر این عمدتاً جنبه مادی دارد در حالیکه مذهب جنبه ذهنی و معنوی دارد. در حقیقت اگر عنصر اقتصادی در تعریف تمدن مد نظر قرار دهیم با توجه به انقلاب تکنولوژیک و اطلاعاتی و درهم تنیده‌گی اقتصاد جهانی تمامی شیرازه نظریه برخورد تمدنها از هم خواهد پاشید.

ما حتی اگر خود را در چهارچوب نظریه بسیار محدود و متناقض او محبوس کنیم باز هم دیدگاه او از نارسائیهایی جدی رنج می‌برد. فهرست او از تمدنهای معاصر بسیار عجیب و من درآوردی است. از هفت و یا هشت تمدن یاد شده شاخص یک تمدن (آمریکای لاتین) تنها زبان است؛ تمدن آفریقائی تنها موضوعیت جغرافیایی دارد و شاخص یک تمدن (تمدن ژاپنی) اصلاً معلوم نیست. از چهار تمدن باقیمانده (غربی، اسلامی، اسلاو - ارتدکسی و کنفوسیوسی) معیار تمایز دو تمدن غربی و اسلاو - ارتدکسی روشن نیست. بقول جین کرک بائریک اگر روسیه کشور «غربی» نیست، پس چیست؟ اما تراساوی او مبنی بر اتحاد تمدنی اسلامی - کنفوسیوسی علیه غرب را با تردیدی بیشتر باید بررسی کرد.

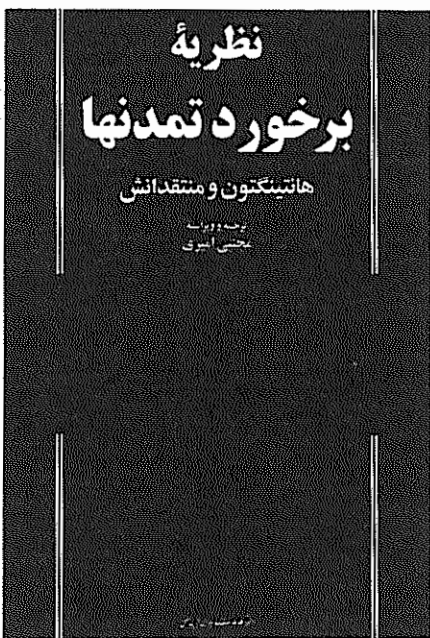
## اسلام و غرب ضد نیستند

ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) در نگرش توحیدی و یکپارستانه، داشتن کتاب مقدس، اعتقاد به اصل نبوت و دیگر عناصر مشترک تئولوژیک به عنوان یک مجموعه مذهبی از سایر ادیان و مذاهب شرقی قابل تشخیص هستند. از طرف دیگر مبادلات فرهنگی بین تمدن «اسلامی» و تمدن «غربی» در گستره تاریخی تداوم داشته است. اسلام از قرن هشتم به بعد نیروی حاکم بر مناطق جنوبی مدیترانه و حوزه بالکان بوده است که منشأ بده و بستانهای فرهنگی در «تمدن غربی» و جهان اسلام بوده است. از طرف دیگر بعثت نزدیکی جغرافیایی و موقعیت سوق‌الجیشی حوزه کشورهای اسلامی، از قرن نوزدهم به بعد به منظور دستیابی به سیاستهای توسعه‌طلبانه (نظامی، تجاری و استعماری) برخورد تماس و حضور مستقیم‌تری با این حوزه داشته که به نوبه خود ارتباطات فرهنگی گسترده‌ای دامن زده است. (جدای از این ملاحظات هانتینگتون با تأکید بر وجود ارزشهایی چون فردگرایی، لیبرالیسم، حقوق بشر، برابری، آزادی و دموکراسی، حاکمیت قانون و غیره نبود این ارزشها در حوزه تمدنی اسلامی - کنفوسیوسی، تلاش دارد زمینه‌های وجود تمایز و تضاد بین این دو حوزه تمدنی را مدلل سازد. درک هانتینگتون از این ارزشها باز هم بسیار کلی و انتزاعی است. این ارزشها در طول تاریخ در حال تکامل و تطور بوده‌اند و استقرار و حضور آنها در کشورهای حوزه تمدن غربی همیشگی نبوده است. از طرف دیگر عناصر زیادی از این ارزشها در شماری از کشورهای به اصطلاح حوزه اسلامی - کنفوسیوسی مقبول واقع شده‌اند و جزء ساختار سیاسی - اجتماعی آنها شده است. و بالاخره ما به آخرین و ظاهراً مهم‌ترین دلیل هانتینگتون یعنی همانا وجود عنصر خشونت در تاریخ تمدن اسلامی به منظور گروه‌بندی تمدن اسلامی - کنفوسیوسی علیه غرب می‌رسیم. او اظهار می‌دارد که «اسلام مرزهای خونین دارد». هیچ متفکر و مورخ جدی نمی‌تواند وجود گذشته خونین در تاریخ اسلام و یا گرایش جنبشهای اسلامی معاصر در کاربرد خشونت را مورد تردید قرار دهد. اما تعمیم این پدیده به عنصر پایدار و در تمدن نفوق بسیار مغرضان است و بطلانش چون آفتاب عیان است. در همانحال او می‌خواهد ما را اتقاق کند که مشروعیت فرهنگی غربی پیش از هر چیز در عناصر پایدار، هومانیتی و صلح‌طلبی آن است. تاریخ تمدن غرب در کنار صفحات رنگین آن مملو از صفحات تنگینی چون نسل‌کشی و انهدام نژاد سرخ‌پوستان، دوران شرم‌آور برده‌داری و قتل‌عام سیاهان، دو جنگ جهانی، نسل‌کشی و کشتار فجیع یهودیان توسط فاشیسم و غیره است.

\*\*\*

سخن کوتاه، نظریه هانتینگتون صرف نظر از تناقضات آن نه تنها یک پارادایم نو نیست بلکه گرایش سنتی در مطالعه روابط بین‌الملل را به افراطی‌ترین شکل ممکن به نمایش می‌گذارد. از طرف دیگر چهارچوب متدیگ او بر اساس ساده‌کردن بیش از حد روندهای جهان معاصر، کلی‌گویی و برگزیدن یک رشته دستچین شده از حوادت جهان بی‌ریزی شده است. تنها جنبه این نظریه که توجه مفسران را به خود جلب کرد همانا علم‌کردن مترسک «اسلام» علیه غرب به منظور پر کردن خلا بیگانه‌سیزی در نگرش عامه در آمریکا و اروپا است که به نوبه خود نظریه او را تا حد یک توطئه جدی سیاسی علیه کشورهای منطقه و بی‌و به میهن ما ایران تنزل می‌دهد. تنها روحانیت حاکم بر ایران و کارشناسان آنها که خودکامگی و استبدادشان را چونان ودیعه‌ای الهی جلوه می‌دهند، از نظریه برخورد تمدنها به شغف درآمدند. آنها که جامعه ما را با سیاستهای بغایت ارتجاعی خود تا سرحد نابودی سوق داده‌اند و همواره تلاش کرده‌اند با نسبت دادن همه مشکلات و شکستهای خود به توطئه‌های شیطانی غرب و خصم فرضی گریبان خود را از مهلکه بدر برند، تبلیغ حول این نظریه را در ابواب نظام خود مفید تشخیص داده‌اند.

## معرفی کتاب



این کتاب اخیراً در تهران توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی چاپ و انتشار یافته است. کتاب ۲۸۶ صفحه در قطع وزیری به پشپای ۶۰۰ تومان در ۲۰۰۰ نسخه و در تمام کتاب‌فروشی‌های سراسر ایران در معرض فروش است. نظرات ساموئل هانتینگتون و بحث دیگران روی آن تمام موضوع این کتاب است.

ساموئل هانتینگتون از برنرفذترین عناصر در مؤثرترین محافلی بوده است که در آنها در دهه‌های اخیر در عمل جهات اساسی سیاست خارجی آمریکا طراحی شده است. از جمله در نسهادی به نام «کمیسیون سه جانبه» (Trilateral Commission) «رانند کورپوریشن» (Rand Corporation) اما او ظاهراً یک استاد علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد است. او در جامعه سیاسی آمریکا به عنوان یک ضد کمونیست ماورای راست و کسی که تا آخرین نفس از جنگ و پیمان حمایت کرده شناخته شده است. آخرین کتاب هانتینگتون سیر رویدادهای جهان در دهه ۹۰ را در سمت گسترش پیش از حد دموکراسی - که از نظر او اضافی و منفی است - ارزیابی می‌کند. اما ظاهراً برای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی تنها یک مقاله او به نام «برخورد تمدنها» بسیار «جالب توجه» تشخیص داده شده و موضوع یک کتاب ۲۸۶ صفحه‌ای قرار گرفته است.

کتاب وزارت امور خارجه مشتمل بر سه فصل است. در فصل اول مترجم آن آقای مجتبی امیری - عضو هیئت دیپلماتیک ایران در نیویورک - ساموئل هانتینگتون و نظراتش را معرفی می‌کند. فصل دوم در برگزیده چهار مقاله از هانتینگتون، از جمله «برخورد تمدنها» و سه دیگر در پاسخ منتقدان آنست.

فصل سوم شامل ۱۲ مقاله در نقد یا توضیح مقاله «برخورد تمدنها»ست از جمله شامل مقاله دکتر سید حسین نصر به نام «برخورد تمدنها و پیامد آن برای ایران»، و مقاله دکتر احمد صدری به نام «خواب چپ هانتینگتون». برژنسکی، فوکویاما، جین کرک پاتریک، آلوین تافلر، کشور محبوبانی، ایثی‌هانا، ادوارد سعید، تائوس وریس، روبین اشتاین و بیدهام نیز هر یک در مقاله‌ای نظریه برخورد تمدنها را مورد بحث قرار داده‌اند. در پایان کتاب لیستی مشتمل بر ۵۰ نام مقاله و مؤلف دیگر نیز معرفی شده است.

## دیکتاتوری، پیشرفت...

بقیه از صفحه ۱۱

ج - فقدان نهادهای ضرور برای تکامل اقتصادی از جمله سیستم حقوقی و قضایی که بتواند ساز و کار اقتصادی و امنیت آن در جامعه را تسهیل کند، سیستم آشفته و ناتوان بانکی و مالیاتی که شریانهای حیاتی فعالیت اقتصادی است. سیاست پولی و عرضی بی‌ثبات که پیش شرط ضرور برای هر رشد اقتصادی است و نهایتاً فقدان سیاست روشن رشد اقتصادی در زمینه مالکیت‌ها، جهت‌گیری‌های رشد برای پیشبرد این راستاها، لذا پیشبرد چنین بحثی در جمهوری اسلامی بیشتر توجیهی است برای سرکوب آزادیهای سیاسی بی‌آنکه نشانه‌ای هم از رشد و پیشرفت اقتصادی در آن مشاهده شود.

1- Minxin Pei (1994) "The Puzzle of East Asian exceptionalism" Journal of Democracy, vol.5 nr.4  
2- Khoh, A. (1986) "Democracy and Development" in Lewis and Kallabs, Development" reconsidered  
3 - Geddes, B. (1994) "Challenging the conventional wisdom", Journal of Conventional Democracy, vol.5 nr.4 October



# نگاهی به تحریم اقتصادی ایران

## استراتژی "مهار دوگانه"

بهرروز خلیق

بخش اول

استراتژی «مهار دوگانه» لنگ است و آمریکا در مورد ایران برای تحقق استراتژی خود مجبور است خارج از چهارچوب سازمان ملل متحد عمل کند.

### عوامل مؤثر در اتخاذ استراتژی

#### «مهار دوگانه»

حکومت اسلامی از همان ابتدای انقلاب به نزاع رودر رو با آمریکا برخاست و با اشغال سفارت آن کشور در تهران، سوزاندن پرچم آمریکا، گروگان گرفتن دیپلمات‌های آن و زیر پا گذاشتن مقررات بین‌المللی، به مقابله و تحقیر آمریکایی‌ها روی آورد.

گروگان‌گیری و بحران ناشی از آن از یکسو موجب تشویق صدام برای حمله به ایران شد و از سوی دیگر باعث شد که ذهنیتی فوق‌العاده منفی در بین افکار عمومی مردم آمریکا نسبت به ایران شکل بگیرد.

سیاست تخصیص کور با آمریکا در سالهای بعد همچنان تداوم یافت و شعار براندازی «استیکار جهانی» با تاروپود رژیم فقها تئیده شد و نیروی ماند فوق‌العاده قوی در بین طرفداران نظام اسلامی به وجود آورد. به گونه‌ای که مبارزه با آمریکا و قطع مناسبات با آن، به امر مقدسی تبدیل گشت که کسی را یاری تغییر آن نیست. هر بار که مذاکره مستقیم با آمریکا مطرح می‌شود، موج مخالفت‌خوانی از جانب بخش مهمی از نیروهای نظام برمی‌خیزد.

عامل دیگر، صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای اسلامی، حمایت از بنیادگرایان اسلامی و متزلزل کردن حکومت برخی از کشورهای عربی و بی‌ثبات کردن آنها است. گروه عامل اصلی رشد جنبش‌های بنیادگرا در این کشورها، به مسائل درونی آنها برمی‌گردد، ولی بدون شک حکومت اسلامی در پیدایش و تقویت جریانهای بنیادگرا نقش مهمی را بازی کرده است. بنیادگرایان اسلامی می‌خواهند حکومت‌های طرفدار آمریکا را در کشورشان سرنگون و رژیم اسلامی را مستقر سازند.

آمریکا این موج بنیادگرایی اسلامی را علیه خود و رژیمهای متجدد خود به شمار آورده و حکومت اسلامی را حامی و الهام‌بخش این جنبش می‌داند. این موضوع یکی از عوامل مؤثر در تخصیص بین حکومت ایران و آمریکا است.

عامل سوم به تروریسم و گروگان‌گیری برمی‌گردد. رژیم اسلامی تاکنون راساً و یا توسط عوامل خود به عملیات متعدد تروریستی و گروگان‌گیری پرداخته است و یا اینکه از تروریست‌های اسلامی حمایت کرده است. دولت آمریکا رژیم اسلامی را کانون تروریسم بین‌المللی می‌داند.

عامل چهارم تجهیز رژیم اسلامی به سلاح‌های مدرن و تلاش برای دستیابی به تکنولوژی نیروی هسته‌ای است. دولت آمریکا تقویت نظامی حکومت اسلامی و دستیابی به سلاح اتمی را خطر بزرگی برای منافع خود در خاورمیانه، موجودیت اسرائیل و حکومت‌های طرفدار خود در منطقه می‌داند. به همین خاطر تاکنون به اقدامات متعددی دست‌زده است تا مانع اجرای قرارداد هسته‌ای بین ایران و روسیه و فروش زبردستی به ایران شود. آمریکا تلاش می‌کند که کشورهای کره شمالی و چین را قانع سازد که موشکهای دوربرد و دیگر سلاح‌های پیشرفته را در اختیار ایران نگذارند.

عامل پنجم، مخالفت حکومت اسلامی با صلح خاورمیانه، حمایت از حزب‌الله لبنان و خرابکاری در روند صلح است. آمریکا و اسرائیل مصمم هستند که به هر قیمتی در خاورمیانه صلح مستقر گردد. مخالفت حکومت اسلامی و عملیات خرابکارانه حزب‌الله لبنان موجب شده است که روند صلح با مشکلاتی مواجه گردد.

### ۲- مسائل داخلی آمریکا

#### سیاست‌های بین‌المللی آن

عواملی که در بالا بر شمرده شد زمینه را برای اتخاذ استراتژی «مهار دوگانه» و تحریم کامل اقتصادی ایران فراهم آورده است. ولی خطا خواهد بود که تنها سیاست‌ها و رفتار حکومت اسلامی را دلیل اتخاذ این استراتژی توسط کلینتون بدانیم و به عواملی که به مسائل داخلی آمریکا و سیاست‌های جهانی آن بعد از فروپاشی اتحاد شوروی بر می‌گردد، بی‌توجه باشیم. در این رابطه می‌توان دلایل و زمینه‌های ذیل را برشمرد:

- آمریکا با انقلاب اسلامی بزرگترین پایگاه خود را در منطقه از دست داد و رژیم طرفدار او سرنگون گردید. به همین خاطر خصومت واشنگتن با رژیم برآمده از انقلاب اسلامی قابل پیش‌بینی بود.

- گروگان گرفتن کارکنان سفارت آمریکا در تهران به حیثیت آمریکایی‌ها در سطح جهان لطمه زد. حکومت اسلامی برای تمام رؤسای جمهور آمریکا در ۱۷ سال گذشته

این مطلب هم‌زمان با تصویب طرح داماتو تهیه شده بود ولی انتشار آن در نشریه «کار» بعثت تراکم مطالب به تأخیر افتاد.

طرح آل‌فونسو داماتو سناتور جمهوریخواه سرانجام به تصویب سنا و تأیید دولت کلینتون رسید براساس این طرح، هر شرکت و یا بانک خارجی که ۴۰ میلیون دلار یا بیشتر در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کند، مشمول مجازات‌های اقتصادی آمریکا می‌شود.

به دنبال آن به درخواست نیوت گینگریچ، ۲۰ میلیون دلار از بودجه «سیا» برای بی‌ثبات کردن حکومت اسلامی اختصاص داده شد که قرار است ۲ میلیون دلار از آن در ایران خرج شود. در ۲۲ دسامبر، کشورهای عضو ناتو، اروپای شرقی، فنلاند و سوئیس (۲۷ کشور) توافق کردند که از صدور تکنولوژی عالی و حساس به چند کشور از جمله به ایران جلوگیری کنند.

آمریکا با این تصمیمات گام مهمی را در تحریم کامل اقتصادی ایران و تشدید فشار علیه حکومت اسلامی برداشت. تصمیمات تصویب‌شده تأثیرات قابل توجهی بر وضع اقتصادی و سیاسی کشور ما خواهد داشت. به همین خاطر ارزیابی از تأثیرات تحریم، شناخت از استراتژی «مهار دوگانه» و علل اتخاذ آن و هم چنین آگاهی به تدابیر حکومت اسلامی برای خنثی کردن و یا کم اثر کردن اقدامات آمریکا، جهت اتخاذ مواضع دقیق حائز اهمیت است.

### ارزیابی اثرات تحریم اقتصادی

دولت آمریکا بعد از اعلام تحریم اقتصادی ایران به کشورهای اروپا، ژاپن، چین، روسیه و کشورهای عربی فشار آورد که به سیاست تحریم بپیوندند، ولی اروپا به این سیاست جواب «نه» داد و همچنان بر پیشبرد سیاست «گفتگوی اقتصادی» پای فشرد. کانادا، استرالیا و حسا انگلستان هم به سیاست آمریکا نپیوستند. ژاپن اظهار داشت که «بهترین راه آنست که مناسبات ایران و ژاپن ادامه یابد و در عین حال از جناحهای معتدل در ایران حمایت شود». پاکستان، هند، روسیه و کشورهای عربی نیز پاسخ منفی دادند. تنها اسرائیل در صف آمریکا قرار گرفت. در حالیکه فرانسه، هند، پاکستان و چین بر میزان خرید نفت از ایران افزودند.

دولت آمریکا به تنهایی در اجرای سیاست تحریم به اقدامات زیر دست یازید:

لغو قرارداد یک میلیارد دلاری شرکت «کونوکو» با حکومت اسلامی، منع خرید نفت ایران توسط شرکت‌های نفتی آمریکایی (مبلفی بین ۳ تا ۴ میلیارد دلار در سال)، محروم کردن ایران از مشارکت در کنسرسیوم نفتی آذربایجان، فشار به روسیه برای لغو قرارداد هسته‌ای با ایران، خودداری از فروش لوازم و قطعات یدکی تأسیسات نفتی و شبکه گازرسانی و اجتناب از تأمین تجهیزات مورد نیاز ناوگان هواپیمایی ایران.

حکومت اسلامی در مقابله با تحریم، اقدامات زیر را انجام داد:

وزارت نفت توانست شرکت فرانسوی «توتال» را جایگزین شرکت «کونوکو» نماید، تعدادی از شرکت‌های کوچک و متوسط نفتی اروپا را در سمینار نفتی تهران گرد آورد، بازارهای جدیدی برای فروش نفت پیدا کند، لوازم و قطعات یدکی تأسیسات نفتی و گازرسانی را از دیگر کشورها بخرد و با دولت روسیه مناسبات نزدیک برقرار سازد تا روسیه تحت فشار آمریکا قرارداد هسته‌ای را لغو نکند. گردانندگان حکومت اسلامی مدعی هستند که دولت آمریکا به اهداف خود دست نیافته است و در این ارتباط، این آمریکا و نه حکومت اسلامی است که منزوی شده است. چرا که آمریکا بغیر از اسرائیل نظر مساعد هیچ کشور دیگری را تروانسته است جلب کند. اما آنچه مسلم است فشارهای آمریکا به ویژه تحریم، تأثیرات زیانبار خود را بر اقتصاد کشور گذاشته است.

ایران سهم خود را در کنسرسیوم نفتی آذربایجان از دست داد، برای بخشی از نفتی که قبلاً به شرکت‌های آمریکایی می‌فروخت، نتوانست بازار پیدا کند و لذا مجبور شد بخشی از آن را در منابع نفتی آفریقای جنوبی ذخیره کند و بخش دیگری را به بهای ناآلتزری بفروشد. وزارت نفت نتوانست شرکت‌های بزرگ نفتی را به سمینار نفتی تهران بکشاند و قرارداد ۷ میلیارد دلاری برای بهره‌برداری از یازده طرح نفت و گاز را با آنها منعقد کند. تحریم اقتصادی وضعی به وجود آورده است که روابط اقتصادی ایران عمدتاً به روابط تجاری محدود شود. چنانچه ایران بخواهد به کسب تکنولوژی مؤثر از یک کشور مبادرت کند، آمریکا جلوش را سد خواهد کرد.

به علاوه تحریم اقتصادی موجب شده است که شرکت‌های اروپایی از همکاری دراز مدت متکی بر سرمایه‌داری پرهیز کنند که در این رابطه می‌توان به برخورد بانکهای آلمان و هلند اشاره کرد. آنها بعد از اعلام تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا از طرح ساختمان یک هتل پنج ستاره ۲۷۵ اتاقه که قرار بود در تهران ساخته شود، صرف‌نظر کردند.

در حال حاضر آمریکا به اروپا القاء می‌کند که ایران طرف اقتصادی و تجاری مطمئنی نیست و ارزش حاصل از نفت را به خرید اسلحه و صدور تروریسم اختصاص می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت که گرچه آمریکا با تحریم اقتصادی، دشواریهایی را برای حکومت اسلامی فراهم آورده است، ولی بر اثر عدم پذیرش این سیاست توسط دیگر کشورها و بویژه اتحادیه اروپا و ژاپن، هنوز نتوانسته است به اهداف خود دست یافته و حکومت اسلامی را منزوی کرده،

# مخدوش کردن طبقات، خدمت به دموکراسی نیست

حشمت رئیسی

رسم عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن یا زجانان یا زجان بایست دل برداشتن رسم مردم نیست چون جانوس یار و ماهیار یار دارا بودن و دل به سکندر داشتن

پس از شکست انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و عقب نشینی فاجعه‌بار و غیر سازمان یافته جنبش جهانی سوسیالیستی، لاقط در چارچوب ایران، هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که تحت تأثیر عوامل فوق دستخوش تحولات و تغییرات معین نشده باشد.

اما در فضای روشنفکری مهاجرت و در بخشی از نیروهای عدالت خواه سابق یک نوع بیماری مسری بروز کرده است، که ویروس بی‌خوبی‌اش ناقل آن است. احساس ندامت از تفکرات و اعمال گذشته، نوعی عذاب وجدان توأم با استحاله و نقاهتی شگرف از علائم این بیماری است.

نوسانات شدید در اندیشه و عمل، اشتیاق شدید به گریز از مرزهای «تنگ و بی‌معنای» طبقاتی، جایگزین‌کردن افسانه با واقعیت، تحریف تاریخ، مخدوش کردن مرزهای هویت طبقاتی، گوشه‌ای از نتایج اسفناور این بیماری خطرناک است.

چیزی بیش از مجموعه‌ای از افراد بی‌هویت و بی‌تفاوت نیستند و کردارهای تجاوزگرانه را با نگاه ستایش‌آمیز می‌نگرند، نمی‌توان آنها را در سازمانی مبتنی بر مصلحت مشترک یا در احزاب سیاسی مبتنی بر منافع طبقاتی و یا در سازمانهای حرفه‌ای و اتحادیه‌های کارگری و دهقانی متشکل کرد. این توده بی‌سازمان که بی‌گونه‌ای بالقوه در هر کشوری وجود دارند، و حتی در برخی موارد اکثریت عظیم افراد خشنی و از نظر سیاسی بی‌تفاوت کشور را تشکیل می‌دهند، نیروی تعیین‌کننده جنبش‌های سرکوبگر هستند.

یکی از علل سربرکشیدن جنبش اسلامی در ایران این بود که توانست از میان همین توده آشکارا بی‌تفاوت، بسی تشکل و ذره ذره شده وسیعاً و سریعاً نیروی ضریبی خود را جذب کند و آنها را تحت لوای امت حزب‌الله برای پیشبرد مقاصد مسلکی و سیاسی خود به صحنه بکشد.

این وضعیت نوپدید به پیدایش روشهای کاملاً جدید در تبلیغات و مبارزه سیاسی انجامید که ویژگی آن در بی‌تفاوتی آشکار نسبت به استدلالات مخالفان سیاسی و بر حق دانستن مطلق خود در سرکوب بیرحمانه احزاب و سازمانهای مختلف که باید بعنوان پایه‌های دموکراسی انقلاب پذیرفته شوند گردید.

این نیروی افسارگسیخته وقتی وارد صحنه سیاسی شد با زبان ارباب سخن گفت. دیگر نیازی به پذیرش و یا رد استدلالهای مخالفین احساس نکرد. آنها پیوسته روشهای منتهی به زندان و مرگ را که ابزار اصلی برحق بودن خود می‌دانستند پیاده کردند. آنها خسرت و ارباب نهادی شده خود را چنان ارائه کردند که گویی از سرچشمه‌های عمیقاً الهی آب می‌خورد. این معجون مالیخولیایی که گویا خسرت برای آنها جاذبه‌های عمیقی داشت، خود را فراوسوی منافع ملی، طبقات اجتماعی، قدرت، اندیشه و خرد جای داد.

جنبش اسلامی زمانی توانست احزاب و سازمانهای سیاسی و همچنین نیروهای اجتماعی را به تمکین وادارد و یا بدنبال خود بکشد که آشکارا مرزهای مصونیت طبقاتی را مخدوش کرد و حتی مرزهای هویت ملی را نیز پایمال نمود و بنام امت جهانی اسلام به ماجراجوییهای بین‌المللی دست زد.

از همین روی، زمانی که جنبش اسلامی مستغز از دموکراسی به تمام سازمانهای سیاسی دنباله‌رو و تمکین کرده هجوم خود را آغاز کرد، این احزاب و سازمانها یا به ماجراجویی کشیده شدند و یا تسلیم‌پذیری از خود نشان دادند. این عامل نه تنها سبب شد که نیروهای اجتماعی در

اصالت آن احزاب و سازمانها دچار تردید جدی شوند، بلکه این شرایط نیز بوجود آمد که رهبران جنبش اسلامی اعلام کنند که این احزاب دروغین هستند، با واقعیتها و ضرورت‌های کشور تطابق ندارند و مدافع هیچ طبقه یا قشر اجتماعی نمی‌باشند. بدین ترتیب توانستند از مخدوش شدن مرز طبقات اجتماعی، عظیم‌ترین نیرو را بسنغ خود وارد صحنه سیاسی سازند.

این موضوع تنها به زیرکی و توانائی جادوگرانه رهبران جنبش اسلامی و ساده‌لوحی کودکان توده انبوه و بی‌شکل مردم ارتباط نداشت، بلکه در عین حال به دیکتاتوری سران رژیم گذشته و در راس آن آقای محمد رضا فرزند یزدگرد سوم مربوط می‌شد که طی دوران زمامداری خود کینه و نفرت طبقاتی‌اش را نسبت به فرزندان کاوه پنهان نکرد از سیامک و روزبه تا جزئی و گل‌سرخ و هزاران آزادیخواه بنام و گمنام را به مسلخ برد، شکنجه نمود و یا اعدام کرد. نه تنها آزادی به هیچ یک از احزاب چپ و ملی نداد تا منشا آموزش سیاسی توده‌ها باشند، حتی احزاب درباری را هم تحمل نکرد. وقتی جنبش اسلامی تمام نیروهای اجتماعی را تسخیر سیاسی - مسلکی نمود، تاریخ جامعه فاخر آخرین امپراطور ساسانی را بر تن شاهی بی‌اراده و نوکر صفت کرد، چوین دلآوری رستم فرخ زاد را بر تن کتیف اویسی و خرقة سعدیان اهبی‌وقاص را بر تن خلخالی پوشاند تا مرحله کمیک خود را به اجرا گذارد. تا جبهانیان بدانند که فرزندان یزدگرد حرفی برای گفتن ندارند و هر شاه و شاهکی فرزند کوروش کبیر نیست و هر کس خود را چپ نامید فرزند کاوه نمی‌باشد.

فروپختگی نظام طبقاتی یعنی تنها نظام قشربندی اجتماعی و سیاسی که دولتها و احزاب بر پایه آن می‌توانستند موجودیت و یا مشروعیت خود را بدست آورند، برای پیدایش جنبش اسلامی بسیار مساعد بود. ذره‌ذره شدن و انفراد اجتماعی که در دوران سلطنت پهلوی مراحل تکوینی خود را گذراند موجب شد که توده عظیم به‌بازی گرفته نشده و سازمان نیافته‌سوی جنبش مذهبی جذب شوند.

همانطور که مشاهده کردیم، عدم وجود قشربندی اجتماعی در میان جمعیت روستایی و شهری و همچنین نبود احزاب سیاسی سبب شد که این مردم پراکنده و محروم از هر گونه آموزش سیاسی که تقریباً با هیچ ایدئای آشنایی نداشتند که بر پایه آن بیک اقدام متعالی دست زنند، برای رهبران مذهبی جهت واژگونی سلطنت و اقدامات بعدی بسیار مطلوب واقع شدند و با دست همی را بر پایه شعار همبستگی هراس‌انگیز باصطلاح ملی را بر پایه شعار

وحدت کلمه بر جامعه تحمیل نمایند. دنباله‌روی و تمکین احزاب و سازمانها سبب شد که آنها بوسیله تارهای نامرئی همان همبستگی هراس‌انگیز باصطلاح ملی بیک خیمه‌سب‌بازی کشیده شوند. از بطن هرج و مرج و آشفتگی نیروی جدیدی روید و دستگاههای سرکوب را قبضه کرد که در راس آنها خشن‌ترین و ماجراجوترین افراد جامعه قرار داشته‌اند.

غالباً پایگاه اجتماعی در امر اشتراک فرد در سیاست نقش مهمی داشته و دارد. با وجود این مواردی پیش می‌آید که اضطراب ملی طلب می‌کند که فرد بدون در نظر گرفتن پایگاه و منافع طبقاتی خود عمل کند. تهاجم خارجی، جنگ داخلی، قحطی و زلزله و... می‌تواند از مواردی باشد که بقا و استمرار حیات جامعه را در خطر جدی قرار می‌دهد. در این شرایط طبقات و اقتدار اجتماعی و احزاب و سازمانهای سیاسی می‌بایست برای دفع خطر بیک اقدام ملی مشترک دست زنند. تجربه تهاجم عراق که با حمایت همه‌جانبه ارتجاع منطقه و بویژه امپریالیسم آمریکا صورت گرفت درس بزرگی به کارگران و زحمتکشان ایران داد. آنها بوضوح دیدند که حتی در این مرحله از اضطراب ملی که خطر تجزیه و تلاشی میهن را بدنبال داشت، طبقه حاکم یعنی همان «استوانه‌ها» و «بیضه‌ها» اسلام نه تنها بزرگترین بهره‌بردار سیاسی را کرده و دیگر نیروها را حذف نمودند، بلکه عظیم‌ترین غارت تاریخ معاصر را از ثروت‌های ملی و دسترنج کارگران و زحمتکشان را بسود خود سازمان دادند. این امر معین نمود که حتی در چارچوب اضطراب‌های ملی اگر طبقات تبه‌دست متشکل، سازمان یافته و آگاهانه با سایر نیروها بر حول برنامه‌ای روشن، توافق شده و قابل کنترل همکاری نکنند، چیزی جز غارت، کشتار و گوشت دم توپ نصیب آنها نخواهد شد.

مخدوش شدن مرزهای هویت طبقاتی بویژه در شرایط تحرک اجتماعی و سیاسی، بسخودی خود بمعنای از هم پاشیدگی نظام حزبی و سیاسی جامعه می‌باشد. نظامی که باید پایه‌های دموکراسی بر آن استوار گردد. یک حزب نمی‌تواند هم منافع سرمایه‌داران را نمایندگی کند و هم حامی منافع زحمتکشان باشد. آن احزابی که بنا بر هر مصلحتی بمقابله جدی با مخدوش کنندگان مرزهای طبقاتی برنخیزند، نه تنها خدمتی به دموکراسی نخواهند کرد، بلکه زمینه رشد و سروج دیکتاتورهای عوام‌فریب و ماجراجوترین افراد و گروه‌ها را فراهم خواهند نمود و با این عمل مهر فروپاشیدگی بر پیشانی خود خواهند زد.

## تحولات اجتماعی، انقلاب و رفرم

اندیشه

در علوم اجتماعی کسرت مضمونی را می‌توان یافت که تنها بر یک معنی دلالت کند، اغلب مفاهیم در شرایط و زمینه‌های مختلف معانی متفاوتی پیدا می‌کنند. این امر به ویژه در آنجا که توجه خود را بر روی روند تحولات اجتماعی قرار داده و ژرفا و سرعت این تحولات به همراه تأثیر عوامل انسانی را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهد موجب کشمکش‌های بسیاری شده است. تقسیم‌بندی روند این تحولات تحت عنوان تحولات انقلابی و رفرمیستی و رابطه میان آن دو به عنوان گونه‌هایی از تکامل اجتماعی یا وسیله‌های دگرگون سازی اجتماعی خود برانگیزاننده شدیدترین مبارزات ایدئولوژیک بوده است.

تحولات اجتماعی روندی تاریخی و قانونمند می‌باشند که تحت تأثیر پیچیدگی هر مرحله از این روند، چگونگی مبارزه بین ساختارهای اجتماعی-اقتصادی نسو و کهنه، درآمیزی و گسست تک‌تک اجزای موجود در این ساختارها، تصویر پیچیده‌ای از زندگی واقعی جامعه انسانی ارائه می‌گردد.

انسان به همراه رشد و تکامل جامعه پیشرفت نموده و از دوران ابتدایی که طی آن نظاره‌گر ناتوان نیروهای طبیعت و اسیر قوانین خودپوی تحولات اجتماعی بود، به سطح عالی تکامل امروز رسیده است. این پیشرفت‌های بسیار همراه بوده است. جنگ، کشتار، ستم اجتماعی، استبداد و سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی بهای این تحولات برای رسیدن به دوران کنونی بوده است. دورانی که علیرغم رشد توان تولیدی و تکامل

اجتماعی در این معنای وسیع در واقع غیر قابل اجتناب و بر اساس عملکرد درونی قانونمندیهای حاکم بر هر مرحله از تحولات اجتماعی پیش می‌روند و در شرایط متفاوت با اشکال بسیار گوناگونی بروز می‌یابد.

۲- انقلاب اجتماعی در مفهوم خاص آن که به صورت تغییر در ساختار سیاسی جامعه و انتقال سریع و انفجارگونه قدرت سیاسی از یک طبقه به طبقه دیگر، با دخالت جنبش توده‌ای یا تلاش‌های آگاهانه و هدفمند نیروهای سیاسی همراه گردیده و منجر به انتقال رهبری جامعه به طبقه یا گروه اجتماعی جدیدی می‌گردد، بین این نوع انقلاب یا رفرم یا اصلاحات اجتماعی که از بالا به آرامی و بدون مشارکت توده‌ها شکل می‌گیرد تفاوت بسیاری وجود دارد.

اجتماعی می‌باشد بلکه هم‌چنین ناشی از چگونگی عملکرد گروه‌های حامل منافع طبقات اجتماعی مختلف، میزان آمادگی نیروهای سیاسی و رهبران می‌باشد. قاعدتاً این روند تحت تأثیر عوامل متعدد ذهنی و فاکتورهای تصادفی می‌باشد. و در این جاست که مسؤلاتی مانند انقلابات توده‌ای، انقلاب از بالا و رفرم به عنوان ابزار دگرگون‌سازی و تکامل اجتماعی با تأثیرگذاریهای مختلفی باز شناخته می‌شوند. انقلاب اصولاً با دخالت مؤثر سیاسی توده‌ها مشخص شده و از نظر زمانی سریع، فشرده و شدیداً متمرکز می‌باشد. در عین حال در تاریخ بوده‌اند انقلاباتی که از بالا و بدون مشارکت توده‌ها به وقوع پیوسته‌اند. در این مواقع خصلت نیروهای فعال در روند انقلاب از بسالا، اهداف و شکل دگرگونی‌های اجتماعی و نتایج ناشی از آن است که این نوع انقلاب را از انقلاب‌های توده‌ای متمایز می‌سازد.

باید به این نکته نیز توجه داشت که انقلاب از بالا یا انقلاب‌های توده‌ای ریشه می‌گیرد، این بدان مفهوم است که یا بر اثر تغییرات تدریجی در عناصری از ساختار اقتصادی اجتماعی کهنه و ناهمخوانی این تغییرات با مجموعه این ساختار یا بخش عمده‌ای از آن خطر وقوع انقلاب توده‌ای و ناپودی ساختار کهنه و طبقه حاکمه مدافع آن می‌کند. یا انقلاب توده‌ای در مقطع زمانی مشخص ناموفق بوده ولی زمینه‌های شکل‌گیری و در نتیجه خطرات ناشی از آن برای حاکمین هنوز وجود دارد. هم‌چنین باید میان انقلاب اجتماعی با مفهوم خاص آن (سیاسی) با انقلاب‌های سیاسی که طی آن تنها چهره‌هایی در حکومت تغییر می‌کنند

اجتماعی هنوز، فقر، استبداد، تشدید تضادهای طبقاتی، افزایش تنش‌های اجتماعی و انفجار قهر سیاسی از ویژگی‌های بارز آن می‌باشد. تلاش در راه دستیابی به جامعه‌ای نوین و انسانی، جستجو برای رسیدن به عدالت اجتماعی، صلح، دموکراسی و پیشرفت روی دیگر این سکه می‌باشد. این جامعه نوین خود به خود پدید نخواهد آمد، پیدایش آن روند مبارزه‌ای تاریخی میان نیروهای کهنه و نو می‌باشد، مبارزه نیروهای پیشرو و سازنده بر علیه نیروهای جامعه کهن. انقلاب و رفرم در ارتباطی به هم پیوسته و متقابلاً پیچیده با یکدیگر در شمار عوامل تغییرناپذیر این مبارزه می‌باشند.

روند تحولات اجتماعی، روندی است تدریجی و طولانی که عملاً در نتیجه عملکرد عوامل متعدد و عمدتاً ناهمگون، خیزش‌های تند به جلو و عقب‌نشینی‌ها، دوره‌های آرامش نسبی و انفجار قهر شکل می‌گیرد. این روند ماهیتاً بر سرنوشت انسانها به عنوان یک کل تأثیر می‌گذارد و با توجه به بافت انسانی جامعه و تقسیم آن به طبقات و گروه‌های اجتماعی با منافع متفاوت و عمدتاً متضاد آن‌ها را به تأیید یا نفي، همراهی یا مقابله با این یا آن تحول معین می‌کشد. گروه‌های اجتماعی با توجه به روابط حاکم بر روند هر تحول و منافع عینی خود و وظایف اجتماعی متفاوتی را بر عهده گرفته و راه‌های متفاوتی را به تحقق هر تحول مشخص دنبال می‌نمایند. ضمن آنکه خود پویایی این تحولات نیز الزامات و اجبار خود را بر روند حرکت هر تحول اعمال می‌نماید. در ایسن جا است که انقلاب و رفرم

اجتماعی در این معنای وسیع در واقع غیر قابل اجتناب و بر اساس عملکرد درونی قانونمندیهای حاکم بر هر مرحله از تحولات اجتماعی پیش می‌روند و در شرایط متفاوت با اشکال بسیار گوناگونی بروز می‌یابد.

۱- اصلاحات در مفهوم محدود آن، که عمدتاً از طرف قدرت حاکمه و در جهت تداوم حاکمیت موجود و تطبیق محدود آن با بخش محدودی از بقیه در صفحه ۱۰



# پی ریزی حزب بزرگ و گسترده چپ دمکراتیک ایران

محسن حیدریان

تاریخ احزاب سیاسی در کشور ما رویهمرفته فقیر است. آنهایی هم که وجود داشته‌اند به استثنای مواردی انگشت شمار، از نظر تفکر و ذهنیت، نگرش به مسائل بنیادی نظیر انسان، سیاست و قدرت و همچنین کاربرد موازین دمکراتیک و انسانی در روابط درونی و بیرونی چندان ندرخشیده‌اند. بسیاری آنها نشانه عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه ایرانی می‌دانند. برخی استبداد دیرینه سال در کشور ما را که اجازه شکل‌گیری تشکلهای وسیع دمکراتیک و مدرن را از شهروندان سلب کردند را به میان می‌کشند. برخی نقش ایدئولوژیهای کلیشه‌ای و وارداتی و دنباله‌روی کورکورانه روشنفکران کشور ما از آنها را به میان می‌کشند. گروهی انحصارطلبی و رفتار استبدادی و عدم تحمل مخالف در میان ما ایرانیان را مطرح می‌کنند. در هر صورت امروز ۱۷ سال پس از تجربه انقلاب و از سر گذراندن یک بحران فکری، سیاسی و روانی، کمتر حزب و سازمان و فرد سیاسی در مسائل مختلف همچون گذشته می‌اندیشد. یکی از نتایج این دگرگونی آن است که مرزهای سازمانی اساسی نمی‌تواند تعیین کننده میزان دوری و نزدیکی فکری، سیاسی و حتی روانی اکثریت بسیار بزرگ ما باشد.

اهمیت اساسی در تفکر ما یافته است. این در حالی است که در دنیای کنونی برخاستن یک جنبش طبقاتی برای الغای مالکیت خصوصی حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری نیز یک خواب و خیال بیش نیست. نیرومندترین و متشکل‌ترین جنبش‌ها و سازمانها و احزاب کارگری در همه کشورهای پیشرفته صنعتی در مبارزات اقتصادی و سیاسی خود در رادیکال‌ترین حالت نیز چیزی جز رفم در جامعه سرمایه‌داری و برآوردن مطالبات صنفی و دمکراتیک نمی‌خواهند. سرمایه‌داری امروز تحت تأثیر عواملی نظیر مبارزات کارگری، اجتماعی، جامعه مدنی نیرومند، احزاب و سازمانهای سیاسی و سندیکائی ریشه‌دار، رشد صنعت و تکنولوژی، حاکمیت مردم‌سالاری و عقل‌گرایی، رسانه‌های گروهی و غیره بسیج‌جوجه با سرمایه‌داری قرن نوزدهم قابل مقایسه نیست. از این بگذریم که پیدایش جامعه اطلاعات و شتاب تحول در ارتباطات، توزیع دانش و اطلاعات و پست الکترونیکی چنان جامعه سرمایه‌داری را دگرگون کرده و می‌کند که تقریباً هیچ عرصه‌ای از تغییرات نمی‌تواند برکنار بماند.

## رسالت چپ دمکرات ایران

کشور ما از یک استبداد تاریخی، از نبود جامعه مدنی، از عقب‌ماندگی و رشدناپذیری جامعه، از فقر شدید و شکاف طبقاتی، از مشکل مسکن، از نبود امنیت شغلی و اجتماعی، از کمبودها و بی‌عدالتی‌های بزرگ در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت، محیط زیست و فرهنگ و اوقات فراغت هنوز رنج بسیار می‌برد. مهمترین موضوعات سیاست و استراتژی سیاسی چپ دمکرات ایران نیز پرداختن به همین مسائل است. ضرورت واقعی وجود یک نیروی بزرگ چپ دمکرات در ایران نیز در پاسخ به همین نیازهای عینی مردم ایران سرچشمه می‌گیرد. در همین جاست که ضرورت پیکار سیاسی متحد چپ دمکرات ایران به میان می‌آید. از طریق ساختن یک حزب گسترده، مدرن و چپ آزادپخواه و عدالت‌جو است که ما می‌توانیم برای تحقق دمکراسی، رفاه عمومی و تأمین شانس برابر در استفاده از همه امکانات عمومی جامعه و یک زندگی شایسته برای شهروندان بکوشیم.

چپ دمکرات که سیاست را امر انسانی و شرکت هرچه گسترده‌تر آنها در پیکار سیاسی می‌داند. نمی‌تواند یک گروه سیاسی منزوی، کوچک، پیشاهنگ و منزله طلب باشد. از دیدگاه انسانی چپ دمکرات، انسانها بیچ و میره یک ماشین نیستند که آنها را هر طور که می‌خواهیم بسازیم. با چنین درکی چپ دمکرات نمی‌تواند یک حرکت سیاسی نیمه‌گرا باشد. چپ دمکرات سیاست را نه مربوط به آرمانهای رمانتیک و تجریدی بلکه موضوعی عمیقاً مربوط به خود زندگی و انسانهای دویای کوجه و بازار و مسائل روزمره آنها می‌فهمد و در هر لحظه و وضع مشخص برای یک گام بهتر شدن زندگی، برای گشودن یک گره از انبوه مشکلات مردم و برای کسب حتی یک مطالبه مشخص از هیج کوششی فروگذار نمی‌کند. چپ دمکرات اما از این عوام‌فروبی و افسانه‌سازی چپ‌ها و راستیهای سنتی بکلی باید جدا باشد. سیاست پاسخ به همه مسائل را در چپ دارد و کار و قدرت سیاسی قادر به حل همه نیازها و مشکلات مردم است. چپ دمکرات در عین حال نیروی منتقد اجتماعی، زیر سؤال برنده تابوها و خرافات، تشویق کننده تفکر و روحیه کنجکاوی و جسارت و نواندیشی است. خوشبینی به انسان، توانائی‌هایش، امکان رشد و مسئولیت‌پذیری‌اش و تلاش برای جذب و نشاط انگیز کردن فضای سیاست و کار اجتماعی از خصلت دیگر چپ دمکرات است. چپ دمکرات در سیاست‌گذاری از جرم‌ها و نسخه‌های از پیش تعیین شده و طرحهای خیالی و رمانتیک حرکت نمی‌کند. در هر تصمیم سیاسی باید این سؤال را پیش کشید که برای برچسبیدن استبداد، زورگویی و بی‌عدالتی، امروز و مشخصاً امروز کدام سنگرها باید فتح شود؟ سیاست امروز ما چه اندازه با روانشناسی، ذهنیت، امیدها و آمادگی مردم و انسانهای واقعی تناسب دارد.

از دیدگاه چپ دمکرات بدون دمکراسی، سخن گفتن از عدالت اجتماعی، آنچه که اکنون بسیاری از نیروهای اسلامی و در گذشته چپ سنتی ایران مطرح کرده‌اند، یک شعار توخالی بیش نیست. در دوران حکومت پهلوی نیز بخصوص در پرتو درآمدهای سرشار نفتی، پروژه رشد و توسعه اقتصادی و نوسازی به میزان گسترده‌ای در ایران تحقق یافت. اما بدلیل یکسویه بودن و عدم پیوند آن با دیگر نیازهای مردم و در رأس آنها آزادی، مردم‌سالاری و مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی به سختی شکست خورد. بنابراین برای ما که هم تفکر عدالت اجتماعی بدون دمکراسی و هم رشد اقتصادی و تکنولوژی بدون مردم‌سالاری و غیاب جامعه مدنی را با گورشت و خون لیس کرده‌ایم، پیوند میان این مسائل نه یک تئوری تجریدی که یک تجربه عمیق زندگی است. رابطه میان رشد و تأمین و گسترش آزادی و دمکراسی با توسعه و رفاه اجتماعی نیز انکار کردنی نیست. زیرا برای توسعه و رشد اقتصادی تأمین آزادی، امنیت، یکبارگیری سرمایه، تخصص و مدیریت امروزی یک ضرورت غیر قابل گفتگو است. تقویت احساس مسئولیت ملی، خلاقیت و وجدان کار که از مهمترین الزامات توسعه و رشد اقتصادی کشور است نیز در پیوند نزدیک با حقوق اجتماعی شهروندان بعنوان یگانه منشا و منبع قدرت سیاسی و حاکمیت ملی قرار دارد.

مبنای حرکت و راهنمای چپ دمکرات ایران در پیکار سیاسی و اجتماعی‌اش، انسان و خواست او برای زندگی بهتر است. از دیدگاه چپ دمکرات، سیاست یکی از ابزار بسیار مهم و تعیین کننده برای تحقق خواستها و نیازهای مردم ایران است. رسالت و وظیفه اصلی چپ دمکرات در کار سیاسی تلاش هدفمند و متشکل برای ایجاد

شرایطی است که هر انسان بتواند متناسب با امکانات کشور، امیدها و آرزوهای خود و عزیزانش را برآورده کند و یا دست کم در این سمت بکوشد. آزادی انسان و گسترش حاکمیت وی بر سرنوشت خویش و پیشرفت مادی و معنوی او، در تفاهم و صلح با جامعه و طبیعت، انگیزه و هدف چپ دمکرات در پیکار سیاسی است. انق و دورنمای چپ دمکرات ایران باید تبدیل شدن به جنبشی وسیع و مردمی و حرکتی نیرومند و مورد اعتماد توده‌های میلیونی شهروندان، مزدبگیران، زنان، جوانان، روشنفکران و اقشار وسیع محروم و متوسط شهری باشد. جنبش و نیروئی که درفش پیکار در راه آزادی، عدالت و آسایش همگانی را در دست دارد و از تلاش برای فراخواندن مردم به همبستگی، مشارکت ملی و شکل و آرمان زندگی بهتر هرگز خسته نمی‌شود. کوشش برای تأمین نیازهای یک زندگی حداقل یعنی غذا، پوشاک، مسکن، کار و بهداشت برای همه شهروندان متناسب با امکانات واقعی کشور موضوعی دائمی و وفقه ناپذیر سیاست از دیدگاه چپ دمکرات است. اما حرکت در سمت عدالت اجتماعی به عواملی نیاز دارد که یکباراندازی ماشین اقتصادی ورشکسته کشور، یکبارگیری همه‌جانبه تخصص و تکنولوژی، افزایش تولید، یک استراتژی جدی مبارزه با فقر و بیکاری و سرانجام یک سیاست عادلانه توزیع درآمد ملی مهمترین آنهاست.

در اینجا با رابطه ناگسستی میان پیشبرد یک سیاست عدالت‌جویانه با رشد و توسعه و نیز دمکراسی و مردم‌سالاری مواجهیم. به سخن دیگر پیکار برای تحقق عدالت اجتماعی اساساً موضوع «مبارزه طبقاتی»، «مبارزه علیه سرمایه‌داری» و «بوتی طبقه کارگر بر بورژوازی» نیست و نمی‌تواند باشد. سیاست عدالت اجتماعی از منظر چپ دمکرات بر سه پایه اساسی استوار است: ۱- مبارزه با فقر و بیکاری. ۲- توزیع عادلانه درآمد ملی. ۳- یک سیاست مالیاتی عادلانه. از ترکیب این سه وجه است که می‌توان بتدریج شرایط تأمین نیازهای اولیه یک زندگی انسانی را برای اکثریت مردم فراهم آورد. نقش یک دولت دمکراتیک و نیز نهادهای و سندیکاها و اتحادیه‌های حقوق‌بگیران در این راه بسیار اساسی و تعیین کننده است. تلاش برای ایجاد اشتغال همگانی منوط به نوسازی اقتصاد کشور است. تأمین بودجه لازم برای یمه بیکاری و اجتماعی و کمک هزینه برای نیازمندترین گروههای مردم و امور مربوط به آموزش و درمان بدون تجدید توزیع درآمد ملی و یک سیستم مالیاتی کارا و عادلانه ممکن نیست.

پس از دستیابی به دمکراسی، عدالت اجتماعی، رشد و توسعه همه جانبه و یک اقتصاد نیرومند و شکوفا-ارزنده‌ای که همه نسبی هستند - زمینه‌های واقعی گذار به ساختن جامعه‌ای فراهم می‌شود که در آن بتدریج هر انسان امکان حاکمیت بر سرنوشت خود را می‌یابد. بنظر این موضوع که آیا این جامعه و نظام مطلوب ما سوسیالیسم نامیده می‌شود یا سوسیالیسم دمکراتیک و انسانی و یا هر چیز دیگر. موضوعی است که نسل‌های آینده خود پاسخ و راه حل مناسب آنها خواهند یافت. جامعه کنونی ایران برای آنکه از یک کشور استبدادی و عقب‌مانده به یک جامعه مردم سالار، متحد و پیشرفته برسد و نیازهای مردم برای یک زندگی انسانی برآورده شود، تا چندین دهه آینده در راه رسالت اصلی چپ دمکرات نیز پاسخ به همین نیازهای مردم و جامعه و برابری و عدم تبعیض در همه عرصه‌های زندگی از سیاست، آموزش، کار، مسکن، بهداشت تا استفاده از طبیعت و دسترسی به یک محیط زیست خوب، فرهنگ پیشرفته، برابری کامل زن و مرد، حق بازنشستگی همگانی و اوقات فراغت کافی و عمومی، آزادی و رفاه همگانی و یک زندگی شایسته و انسانی و حق کار و امنیت و اطمینان به فردا و زندگی فرزندان، آرمانی است که انگیزه اصلی ما در انتخاب چپ بوده و می‌باشد. اما نباید فراموش کرد که یک تفاوت اساسی چپ دمکرات با چپ سنتی در آن است که دمکراسی فرایند، برای تحقق شهروندان، عدالت اجتماعی و رفاه همگانی نباید به مفوق پیوسته یک طبقه یا یکسانی کامل همه شهروندان تلقی شود. چنین تلقی که در اندیشه‌ها و سسنتهای سوسیالیستی ریشه‌های تاریخی دارد، یک اوتوپیا مربوط به دوران کودکی اندیشه و تفکر است که با تنوع و طبیعت انسانی سازگاری ندارد. یکسان کردن کامل انسانها نه عملی است و نه مطلوب. انسانها دارای استعدادها، توانائی‌ها، علاقمندی‌ها و انتخاب‌های گوناگونند. آنها در پاره معیار خوشبختی و سعادت و خوبی و بدی درکهای مختلفی دارند. پذیرش این تنوع در عرصه سیاسی و اقتصادی امر بدیهی است.

آزادی، عدالت اجتماعی و برابری ارزشهای نسبی هستند که مبارزه برای گسترش و تعمیق آنها هرگز به پایان نمی‌رسد. هر پیروزی و دستاورد در راه تأمین آزادی و عدالت بیشتر، جامعه و مردم را یک گام جلوتر می‌برد. اما در پی آن مسائل، نیازها و چشم‌اندازهای جدیدتری پدیدار می‌شود. گروههای اجتماعی که هنوز از امکانات برابر با دیگران در استفاده از آزادی و تأمین نیازهای خود و بهره‌برداری از ثروت‌های اجتماعی و بازار کار برخوردار نیستند، وجود خواهند داشت. توجه جدی به این گروههای اجتماعی ضعیف و کم‌درآمد همواره یکی از پایه‌های سیاست عدالت اجتماعی و رفاه همگانی باید باشد. پر کردن شکاف میان گروهها و اقشار و طبقات اجتماعی هم از جهت مادی و هم از جهت معنوی و فرهنگی یک رسالت تاریخی چپ دمکرات خواهد بود. اما فراموش نباید کرد که هدف، ایجاد شانس برابر و عدالت و رفاه نه تنها برای یک طبقه و گروه خاص بلکه برای همه شهروندان است.

## مرزهای چپ دمکرات

موضوع مرز میان چپ و راست چیزی نیست که بتوان مستقل از مکان و زمان و شرایط و نیازهای هر جامعه معین پیکار

برای همیشه تعیین کرد. بعنوان مثال اگر پیکار برای تأمین بخشی از حقوق زنان در کشور عربستان موضوع مبارزه رادیکال یک نیروی چپ در محتوی و جوهر می‌باشد، در کشوری مانند سوئد که حتی بخش بزرگی از کشیش‌ها و کلیساها هم برای برگزاری مراسم و ثبت ازدواج قانونی همچون گرایان در کلیسا مبارزه می‌کنند، چپ بودن مستلزم پای‌بندی به ارزشها و وظایف و مسائل بکلی دیگری است. اما یک نکته دیگر توجه به آن است که هویت عمومی هر حرکت و خانواده فکری و سیاسی از هم‌پیوندی ارزشهای پایهای، نگرش به انسان و درک از سیاست، اهداف استراتژیک، رفتار و منش اجتماعی و سرانجام شی و شیوه مبارزه سیاسی تشکیل می‌شود. گرچه در هر یک از این حوزه‌ها نیز درک‌های مختلفی می‌تواند در هر بلوک فکری و سیاسی وجود داشته باشد. تجربه نشان می‌دهد که با وجود همه اینها شرایط و امکانات و تعادل نیروها در مواردی چپا را وادار به اقدامات راست‌روانه و راستی را به کوششهای چپ-گرایانه گسترده کرده است.

اما در ایران با وجود آنکه خوشبختانه بر سر مسئله اساسی دمکراسی توافق بسیار گسترده‌ای میان گرایشهای مختلف سیاسی و فکری وجود دارد، تمایزات ارزشی، برنامه‌ای و اجتماعی و رفتاری متفاوت را نه تنها نیایستی فراموش کرد، بلکه سازمان دادن احزاب و سازمانهای مدرن بر پایه آنها جهت یک رقابت سیاسی دمکراتیک به یک ضرورت جدی کشور ما تبدیل شده است. چپ دمکرات ایران تاکنون تمایز خود با چپ سنتی و کمونیستی را تا حدود زیادی روشن کرده است. از سوی دیگر تمایز آن با نیروهای راست نیز آشکار است. جمهوری خواهی و تلاش در راه تعمیم و گسترش دمکراسی و حقوق بشر در کلیه عرصه‌های نه فقط سیاسی بلکه اجتماعی و اقتصادی، پیکار جدی برای مسائلی نظیر برابری زن و مرد، تحول فرهنگی و جامعه مدنی و رفاه عمومی و تأمین شانس برابر در استفاده از همه امکانات عمومی جامعه و یک زندگی شایسته برای شهروندان از مهمترین آنهاست.

با روایتی که در باره رسالت و سیمای چپ دمکرات ایران در فوق آمد دیگر به دشواری می‌توان دیوان غیر قابل عبوری میان چپ دمکرات ایران با بخش مهمی از میلیون آزاد اندیش در میان جوی ایران یافت. اما کسانی که خود را ملی یا ملیون و یا مهدق می‌نامند، درست مانند دیگر خانواده‌های سیاسی ایران از نظر اندیشه، استراتژی سیاسی و فرهنگ رفتار اجتماعی تفاوتی گاه بسیار جدی با هم دارند و طیف یکدستی نیستند. مشکل چپ دمکرات ایران با گرایش از یک آنهاس که حامل یک ناسیونالیسم شدید هستند، از یک نوستالژی دوران انفعال رنج می‌برند و حتی بسیاری از دکتر مصدق مقام پیشوائی و مانوق انسانی قائل‌اند. بسیار برادعا و به همان اندازه کم عمل ولی تنگ‌نظر است. در رفتار و ادبیات سیاسی، خود محور و انتقام‌جو و پرخاشگرند و در دنیای ویژه و خیالی خود غرق‌اند. بخشی از آنها فاقد روحیه فرهنگ تشکل مدرن سیاسی است و ترجیح می‌دهند که امر مبارزه را از طریق نخیه‌گرایی و شخصیت پرستی پیش برد. بخشی از آنها نیز تنها راه نجات کشور را پیوستن دیگران به صفوف جنبه ملی می‌دانند. یعنی امری که درست بدلیل همین ویژگیهای فکری و رفتاری، در تمام دوران بعد از مصدق تنها روی کاغذ مانده است. اما در میان ملیون گرایش دیگری هم وجود دارد که بازاندیش و تجدد خواه و تشکل‌گرا و عدالت جوست. بخشی از آنها پیشینه سوسیال دمکراتیک و چپ دارند و در عمل نیز با تشکل در سازمانهای مثل جمهوری خواهان ملی ایران و سوسیالیستها فرهنگ سیاسی متمایزی را به نمایش می‌گذارند. ترکیب این گرایش با چپ متحول شده از جایگاه سابق کمونیستی و لینی هم از جهت سیمای سیاسی و هم فکری و هم پایه‌های اجتماعی و مردمی و نیز ایجاد تعادل و آمیزش سنتها، تجارب و آینده‌گرایی، بهترین و مؤثرترین سنتز تاریخ نیم قرن اخیر کشور ماست. فراموش نباید کرد که انبوه کادریهای منفرد چپ و نشریات و محافل فعالی نظیر پوشش و میهن و پیام فردا همگی جزو خانواده بزرگ چپ دمکرات ایران بشمار می‌آیند.

## وحدت در تنوع

اگر در کنار تحول اکثریت بزرگ چپ سنتی ایران به چپ دمکرات در نظر بگیریم که شخصیت‌ها، گروهها، سازمانها و محافل بسیاری که در داخل و خارج از کشور از جهت افتقهای استراتژیک و فرهنگ و رفتار اجتماعی و خواست دمکراسی با عدالت اجتماعی در محتوی و جوهر واقعی جزو نیروهای چپ دمکرات ایران بحساب می‌آیند، به جرئت می‌توان گفت که کمیت و کیفیت چپ دمکرات ایران هیچگاه به اندازه امروز نبوده است. در اینجااست که باید شهامت داشت و تغییرات بسیار بزرگی را که نه تنها از نظر فکری و سیاسی، بلکه از جهت روانی و واکنش‌های اعتراضی گذشته در صفوف بسیار گسترده افراد جدا شده از سازمانهای چپ وجود دارد، در نظر گرفت. باید پذیرفت که هیچ حزب و سازمانی به تنهایی دیگر نمی‌تواند با تکیه به رسالت ویژه خود، مرکز ثقل جمع صدها و هزاران عضو و کادر منفرد چپ دمکرات ایران شود. چپ دمکرات ایران اکنون پس از سالها کار و تحول فکری به تدریج به شرایطی رسیده است که نیاز به یک سیما و تحرک تازه دارد. این سیما باید کیفیت نوینی را منعکس کند که واقعاً احساس تعلق عمیق همه چپ دمکرات ایران و بیوه‌ انبوه گسترده منفردین - صرفنظر از تعلقات سازمانی گذشته - را برانگیزد. - را باید پذیرفت که گذشته ما هم از تودهای، فدائی، کمونیست، کنفدراسیونی، اقلیتی و غیره دیگر به تاریخ پیوسته است. حساسیت بر سر نام و میراث و تاریخ یک سازمان و رسالت ویژه آن، از دشواریهایی است که مانع فزات رفتن و فزات بردن خود و بقیه در صفحه ۱۰

جامعه از ارزشهای گروهی به سمت ارزشها و هویت و سیمای تازه است. برای ساختن یک حرکت گسترده و مؤثر چه دمکراتیک باید بر این حساسیتها و تعصبات گروهی چیره گشت.

مسائل و موضوعات اصلی تفکر و پژوهش حساسیت چه دمکرات نه مطالب مربوط به آنچه که گذشته، بلکه آنچه که در پیش است، باید باشد. این نیز اهمیتی ندارد که امروز خود را چه می خوانسیم: چه، چه دمکرات، چه جمهوریخواه، سوسیالیست، سوسیالیست، دمکرات، میلیون عدالت خواه، توده ای معترض، اکثریتی، حزب دمکراتیک، فمینیست، منفرد، مستقل و منتظر. مسأله اساسی جوهر تفکر و ارزشهای انسانی ما، و خواست ما در تلفیق دمکراسی با عدالت اجتماعی، جامعه مدنی، برابری زن و مرد و رشد و توسعه اقتصادی ایران و آزادی انسان و گسترش حاکمیت وی بر سرزشت خویش است. مهم این است که دستاوردهای فکری ما حاصل

## پی ریزی حزب بزرگ چپ...

جمع بندی و بازبینی بیش از نیم قرن تجربه کار و تلاش سیاسی است. ما از زندگی آموخته ایم و بیشترین قربانیها و لطامات جانی و روحی را برای آنچه که امروز هستیم، پرداخته ایم. مبارزه با فقر و محرومیت، با همه کژاندیشیها با انگیزه و روحیه و ذهنیت ما در انتخاب چپ پیوند تنگاتنگ داشت و دارد. در پیکار علیه بی عدالتی و بیداد در هر کجا که بودیم و هستیم، گامهای ما هرگز نلرزید. سننهای مثبت گذشته چپ ایران اکنون می تواند میراث مشترک همه نیروهای چپ دمکرات ایران شود. واقعیت آن است که چپ ایران همواره با اهمیت دادن به امر شکل و سازماندهی در کار اجتماعی، ایجاد مطبوعات، ترجمه آثار فرهنگی و ادبی خارجی نقش مثبتی در تلاش سیاسی و فرهنگ مدرن ایران بازی کرده است. سخت کوشی، اهمیت

مردمی، و استعداد درس گیری از گذشته و شجاعت معنوی از دیگر ویژگیهای چپ ایران بوده است. اگر در نظر گیریم که حزب بزرگ دمکراتیک و مردمی آینده باید آینه ای باشد از جامعه ای که می خواهیم بسازیم که در آن نه وحدت عقیدتی و نه تشکیلات پیشاهنگ و نه سازمان انقلابیون مطرح است، نیروی بالقوه وسیع این حزب گسترده مردمی و مسترقی را می توان در نظر آورد. نیروهای که با همزیستی گرایشها و جریانهای نظری مختلف یک حرکت وسیع چپ دمکراتیک در چهارچوب نظر اکثریت را سازمان خواهند داد. وجود نظرات و گرایشهای چپ، میانی و راست در زندگی چنین حزب گسترده ای یک امر بدیهی و طبیعی و از نقاط قوت آن خواهد بود. اختلاف نظر و عقیده همانطور که در درون هر یک از سازمانهای موجود چپ

بقیه از صفحه ۹

دمکرات و یا فعالین منفرد در مسائل گوناگون و یا در این یا آن ارزیابی و سیاست گذاری معمول است، هرگز نباید مانع پیوند ارگانیک سیاسی و سازمانی شود. مسأله اساسی کلیت هویت عمومی چپ دمکرات است که از هم پیوندی ارزشهای پایهای، نگرش به انسان و درک از سیاست، اهداف استراتژیک، رفتار دمکراتیک و سرانجام مشی و شیوه مبارزه سیاسی تشکیل می شود. گرچه در هر یک از این حوزه ها نیز وجود درکهای مختلف نه تنها یک امر طبیعی، بلکه از نقاط قوت یک حرکت سیاسی دمکراتیک به حساب می آید. شکل گیری و رشد یک حزب گسترده، مدرن و دمکراتیک چپ یکی از ارکان عمده و ضرور برای ایجاد جامعه ای دمکراتیک و عادلانه در ایران است. اما گام نخست برای پی ریزی آن می تواند با کوشش

## تلاشگران جامعه باز در فرانکفورت

در تاریخ ۲ مارس به دعوت «تلاشگران جامعه باز» جلسه سخنرانی و بحث و گفتگویی حول مسئله انتخابات در جمهوری اسلامی، برگزار شد. در این جلسه بنیاد کریمی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مهرداد ارفع زاده از جبهه ملی ایران و حسن شریعتمداری از سازمان جمهوریخواهان ملی ایران شرکت داشتند.

این اجلاس با استقبال هموطنان مقیم این شهر روبرو شد و جمعیت زیادی با حضور در سالن محل برگزاری و شرکت در بحث علاقه و حساسیت خود را به مسایل جاری در کشور نشان دادند.

تشکل «تلاشگران جامعه باز» که متبرک برگزاری این نشست بود، مدتی قبل با کوشش تی چند از فعالین سیاسی، شهر فرانکفورت آلمان تشکیل شد.

این تشکل که سابقه فکر ایجاد آن به حدود ۲ سال قبل بازمی گردد، سرانجام با صدور بیانیه ای حضور خود را اعلام نمود.

در بیانیه تلاشگران از جمله آمده است: «واقعیت این است که بدون برخورد آزاد اندیشه ها راهیابی برای مصلحتات اجتماعی ممکن نخواهد بود».

تلاشگران جامعه باز در این نشستها خود را در ۹ ماده تصریح نمودند که: جدائی دین و هر نوع ایدئولوژی از نظام دولتی و سیستم اداری کشور، حاکمیت ملی در شکل دموکراسی پارلمانی، از آن جمله اند. تلاشگران جامعه باز در انتها روشنفکران و

سیاسیون ایرانی را که در خارج از کشور بسر می برند، به گام برداشتن عملی در زمینه ایجاد بحث و دیالوگ با مخالفین فکری خود دعوت نمودند. آدرس تماس با «تلاشگران جامعه باز»

سازمانهای موجود چپ دمکرات که تمایزات خود را از چپ سنتی بقدر کافی روشن کرده اند نظیر سازمان اکثریت، جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران و تعدادی از شخصیت های فعال چپ دمکرات برداشته شود. باید با کاشتن یک نهال تناور با شاخه ها و شکوفه های تازه، چپ دمکرات ایران را از حالت رو به زوال کنونی نجات داد و تحرک و سیمای نویسی به آن داد. این یک تجربه بزرگ ملی در سیاست یک قرن اخیر کشور ماست که بدون یک سازمان سیاسی گسترده و پیوسته با برنامه و سازمان و رهبری دمکراتیک، نمی توان به هیچ یک از اهداف سیاسی آزادیخواهانه و عدالت طلبانه رسید. بدون آنکه غلو شود، پی ریزی یک حزب گسترده چپ دمکراتیک حتی یکی از عوامل جدی در تحقق یک ائتلاف سیاسی گسترده میان همه خانواده های سیاسی آزادیخواه ایران در گذار مسالمت آمیز کشور به آزادی و دمکراسی است.

هیچ مانع و محدودیتی ندارند. رهبران ارمنستان برای توجیه تسامح و ملاحظه کاری گسترده خود در قبال زیاده خواهی مقامات قره باغ که به مخدوش شدن اعتدال و میانه روی سیاسی اشان می انجامد دائما به نداشتن ابزارهای لازم برای اعمال فشار به قره باغی ها اشاره می کنند. زمامداران قره باغ که از پیروزی های سیاسی و نظامی خود سرمست شده اند و خود را به حمایت همه ارمنی ها پشتگرم می دانند نیز در عمل حاضر به تخلیه اراضی اشغالی آذربایجان نیستند. شرکتشان در مذاکرات صلح ساواها نیز تنها برای وقت گذرانی است تا «جمهوری» قره باغ به واقعیتی بازگشتناپذیر بدل شود.

رهبران آذربایجان نیز علاقه محدودی به مذاکرات صلح گروه مینسک دارند. آنها نیز به نوبه خود وقت گذرانی می کنند تا در وهله اول پایه های حکومت خود که به خاطر تلاش های پرانداخته داخلی و خارجی تضعیف شده است را تحکیم کنند و سپس به بازسازی ارتش شکست خورده و سرخورده کشور بپردازند. آنها در بحران قره باغ به فشارهای دوستانه آمریکا و روسیه بر ارمنستان امید بسته اند.

از نظر رهبری باکو علاقه واشنگتن و مسکو به منابع نفتی دریای خزر که در تملک آذربایجان هستند مشوق آنها در برخورد جدی با ارمنستان خواهد شد. پس از آنکه یک کنسرسیوم غربی (که ۴۴ درصد آن در تملک آمریکایی هاست) ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ قراردادی برای استخراج منابع نفتی مذکور با آذربایجان امضا کرد. به ناگهان مقامات واشنگتن هوادار نظرات باکو شدند و بارها اعلام کردند که قره باغ به آذربایجان تعلق دارد و آمریکا با هر گونه تغییر در مرزهای این کشور از در مخالفت درخواهد آمد.

روسها نیز که با هرگونه تغییر مرز در قفقاز مخالفند نیز در قبال مسئله قره باغ موضعی مشابه دارند. پس از ورود آذربایجان به جرگه کشورهای مستقل مشترک المنافع در سپتامبر

می رسانند تا حدودی این کشور را از تنگناها و فشارهای تحریم اقتصادی و راهانیده است. در ناصله ژانویه ژوئن ۱۹۹۵ ایران کالاهایی به ارزش ۴۰ میلیون دلار به ارمنستان صادر کرده است. این مبلغ در مدت مشابه سال ۱۹۹۴ تنها بریک میلیون دلار بسالغ می شده است. در سطح دیپلماتیک نیز روابط تهران و ایروان در بهترین حالت خود قرار دارد. در حالی که تهران همچون باکو خود را در مذهب شیعه وفادار می داند، اما در جنگ میان آذربایجان - ارمنستان جانب ارمنی ها را گرفته است.

مسئله مهم تر سیاست حسن همجواری ارمنستان در قبال «دشمن» خود یعنی ترکیه است. رابطه این دو کشور بر اثر بحران قره باغ چندینی سرد و خصمانه شده بود و مناسباتی اخیر اما ترکیه را به کاهش دخالت در درگیری قره باغ که چندان هم برایش حائز اهمیت نبود واهاشت و آن را در موفقیت های نظامی اش یاری داده اند، اما به صورت رسمی استقلال قره باغ را به رسمیت نشناخته اند. تا موجب تخریب بیشتر روابط با باکو نشوند نتایج کنفرانس مینسک را با این تصمیم گیری، پیشاپیش بی اعتبار نکنند.

لئون تر پتروسیان، رئیس جمهور ارمنستان اما مسئله را به گونه ای دیگر می بیند. او به خطراتی که شکست مذاکرات صلح در پی خواهد داشت واقف است و می داند که در چنین صورتی آذربایجان ها دوباره ناچار دست به اسلحه خواهند برد تا اراضی انشعابی کشورشان را آزاد کنند. وی به خوبی می داند که اقتصاد ارمنستان به خاطر دخالت در مسئله قره باغ و تصرف اراضی آذربایجان مورد تحریم بین المللی قرار گرفته و تازه اثراتی از بهبودهایی بطنی در آن دیده می شود.

ارمنستان در حال حاضر از طریق روابط حسنه ای که به رغم هشدارهای آمریکا با ایران برقرار کرده تا حدودی مانع تشدید بحران اقتصادی خود شده است. تعداد کثیری کامیون ایرانی شب و روز در جاده طولانی و کوهستانی ای که پل کوچک مجری در مرز ایران را به ایروان وصل می کند در حرکتند. موادی که این کامیون ها به ارمنستان

## حالت نه جنگ، نه صلح، در قره باغ

بقیه از صفحه ۱۲

«کشور دوم» ارمنی ها جمهوری خود خوانده استپاناکرت به رغم اعتراض آذربایجان از سوی گروه مینسک به عنوان یکی از طرف های مذاکره پذیرفته شده است. در این «جمهوری» باور بر این است که در صورت به رسمیت شناخته شدن قره باغ به عنوان «کشور دوم ارمنی ها» از سوی آذربایجان، همه چیز حل خواهد شد، آذربایجان این خواست را با این دلیل که برپایی چنین کشوری در قلب آذربایجان ناقض هنجارهای بین المللی و فاقد هرگونه مبنای حقوقی است رد می کند. زمامداران ارمنستان اما با تمام امکانات در کنار «جمهوری» جوان قره باغ قرار گرفته اند و آن را در موفقیت های نظامی اش یاری داده اند، اما به صورت رسمی استقلال قره باغ را به رسمیت نشناخته اند. تا موجب تخریب بیشتر روابط با باکو نشوند نتایج کنفرانس مینسک را با این تصمیم گیری، پیشاپیش بی اعتبار نکنند.

لئون تر پتروسیان، رئیس جمهور ارمنستان اما مسئله را به گونه ای دیگر می بیند. او به خطراتی که شکست مذاکرات صلح در پی خواهد داشت واقف است و می داند که در چنین صورتی آذربایجان ها دوباره ناچار دست به اسلحه خواهند برد تا اراضی انشعابی کشورشان را آزاد کنند. وی به خوبی می داند که اقتصاد ارمنستان به خاطر دخالت در مسئله قره باغ و تصرف اراضی آذربایجان مورد تحریم بین المللی قرار گرفته و تازه اثراتی از بهبودهایی بطنی در آن دیده می شود.

ارمنستان در حال حاضر از طریق روابط حسنه ای که به رغم هشدارهای آمریکا با ایران برقرار کرده تا حدودی مانع تشدید بحران اقتصادی خود شده است. تعداد کثیری کامیون ایرانی شب و روز در جاده طولانی و کوهستانی ای که پل کوچک مجری در مرز ایران را به ایروان وصل می کند در حرکتند. موادی که این کامیون ها به ارمنستان

۱۲۰۰۰ کیلومتر مربع خاک این کشور که در سال های ۱۹۹۲ و ۹۳ به تصرف ارمنستان درآمده اند، یکی از موانع موفقیت هر طرح صلحی است که برای حل بحران قره باغ ارائه شود. مقامات مسئول ایروان آمادگی خود را برای تخلیه مناطق حاشیه ای قره باغ به استثنای دالان لاجین که قره باغ را به ارمنستان وصل می کند اعلام کرده اند، البته تنها به شرطی که جامعه جهانی امنیت اهالی قره باغ را به طور صد درصد تأمین کند. این درحالی است که رهبران جدید سیاسی در استپاناکرت - «پایتخت» قره باغ - با توجیحات امنیتی خواستار کنترل چندین نقطه استراتژیک دیگر در اطراف قره باغ از جمله کنترل کلباشهر که دالان دیگری میان این منطقه و ارمنستان ایجاد می کند، می باشند. برای آذربایجان اما منطقه خودمختار قره باغ جزئی از اراضی این کشور است که همچون سایر مناطق اشغالی باید از ارمنستان پس گرفته شود.

حیدر علی اوف در جریان دیدار کوتاه خود از پاریس در دسامبر ۱۹۹۵ صراحتا گفت: «ارمنی ها باید در ساینند که ما هیچگاه تصرف بخشی از اراضی کشورمان را نخواهیم پذیرفت. ما آماده ایم به ارمنی های قره باغ که شهروندان آذربایجان می باشند خودمختاری گسترده ای که شاید در سطح جهان هم بی سابقه باشد اعطا کنیم. ما همچنین پیوند آنها با ارمنستان را از طریق دالان لاجین تضمین خواهیم کرد و کنترل آن را به نیروهای صلح بین المللی خواهیم سپرد».

وی در واقع با این موضع گیری اعلام کرد که آذربایجان حتی که گروه مینسک برای خود قائل شده را به رسمیت نمی شناسد. بر اساس یکی از تصمیمات گروه مینسک اظهار نظر درباره موقعیت حقوقی قره باغ در پایان مذاکرات صلح حق انحصاری این گروه خواهد بود.

## تحولات اجتماعی، انقلاب و رفرم

بقیه از صفحه ۸

اجتماعی-اقتصادی می باشد و دارای تفاوتی کیفی با حاکمیتی می باشد که در اوضاع و شرایطی مشخص برای دفاع و تدوام حاکمیت خود یا تحت فشار توده ها دست به اصلاحاتی معین می زند.

انقلاب همواره از طریق حرکت به پیش است که می تواند برانداختن بقایای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ساختار قبلی، تحقق هر چه پیش تر تحولات اجتماعی و تعمیق آن و هماهنگی جامعه با این تحولات را واقعیت بخشد و پیش شرط های تحقق تحولات بعدی را فراهم آورد. در این راه نه تنها از اصلاحات مقطعی سود جسته بلکه آن را نیز تدوام بخشد. برای دستیابی به جامعه برلی از فقر، استبداد و استثمار برای رسیدن به عدالت اجتماعی، صلح و آینده ای انسانی تر تنها یک نیروی اصلاح طلب یک رفرمیست بودن کافی نیست. تنها انقلاب و تدوام آن است که می تواند موفق گردد.

تحولات اجتماعی اعمال می شود. اصلاحات محدود، ضمن حفظ شکل سیاسی منجر به تکامل ساختار اجتماعی-اقتصادی موجود نمی گردد، بلکه در بهترین حالت منجر به تعدیل هایی در آن می گردد.

اصلاحات در مفهوم گسترده آن، این اصلاحات می توانند در جهت تحول ساختار اجتماعی موجود، تکامل آن و رشد آگاهی اجتماعی به همراه ایجاد تغییرات لازم در شکل سیاسی جامعه جهت هماهنگی آن با ساختار اجتماعی متکامل تر باشد. این اصلاحات تدوام داشته و یک دوران کامل را جهت تحولات قطعی دربر می گیرد. فقط ساختارهای پیشین را نابود نمی کند بلکه آن ها را نیز اصلاح می نماید. این گونه اصلاحات در واقع در پیوند با انقلاب و ناشی از عملکرد حاکمیتی انقلابی می باشد که خود را تحکیم کرده و با اتخاذ شیوه های آگاهانه در صدد تکامل ساختار

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ( )</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: _____</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>I.G.e.v</p> <p>آدرس: 22442032</p> <p>Postfach 260268</p> <p>37050198</p> <p>50515 Koeln</p> <p>Stadtsparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>Germany</p> <p>شماره فاکس 0049 - 221 - 3318290</p>
<p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!</p>			



## دیکتاتوری، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی

اردشیر حکیمی

قسمت دوم

مرحله به شمار می‌رود. «مدل دموکراتیک» رشد و تکامل اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را هدف قرار می‌دهد امری که باز هم در فاز دوم تکامل اقتصادی میسر است. زیرا باید که ثروتی در جامعه موجود باشد تا بتوان به توزیع عادلانه آن پرداخت و تقسیم عادلانه فقر امری بی‌معناست. در عین حال این مدل، نگاهی دراز مدت برای تکامل اقتصادی دارد. همان گونه که گفته شد، ممکن است که در فاز نخست، مدل دیکتاتوری کاربرد مؤثرتری داشته باشد ولی در دراز مدت مانع تکامل اقتصادی به شکل همه‌جانبه است.

از یک اشتباه بزرگ در این زمینه پرهیز باید کرد. مسئله آن است که با گذر از فاز اول زمینه و ضرورت پیدایی سیستم دموکراتیک فراهم می‌شود اما این بدان معنا نیست که چنین امری به طور اتوماتیک و رهبران جامعه است که چنین خواهد داد. الگوتاری این خواهد بود که رژیم دیکتاتوری به حیات خویش ادامه دهد و جامعه را دچار رکود و تکامل اقتصادی را ترمز کند (برای نمونه می‌توان به اتحاد شوروی پس از سالهای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اشاره کرد). جان کلام آنکه دخالت مؤثر شهروندان و رهبران جامعه است که چنین گذاری را برای ادامه رشد و تکامل اقتصادی ممکن می‌سازد. نمونه نسبتاً موفق در این زمینه کره جنوبی است که با اصلاحات در نهادهای اجتماعی، گذار به دموکراسی سیاسی را آغاز کرده است. ریسک بزرگ اما برای مدل دیکتاتوری (که لیبرالیسم اقتصادی را پیش شرط لیبرالیسم سیاسی می‌داند) آن است که نیروی حاکم با تمام قوا به قدرت بچسبد و مانع هر نوع تحولی شود. پیشرفتهای اقتصادی که در دوره گذشته توسط همین نیرو حاصل شده فشار جامعه برای دموکراسی شدن سیستم را حتی کاهش هم می‌دهد. در این زمینه شاید چین را بتوان به مثابه نمونه‌ای بارز قلمداد کرد. (۲)

یک انتقاد اساسی به «مدل دیکتاتوری» این است که رشد اقتصادی حاصل شده توسط این رژیمها به بهای گران از زندگی شهروندان تمام شده است. در نتیجه مدل دموکراتیک برای فاز نخست، رشدی محدودتر به لحاظ اقتصادی اما انسانی‌تر و با توجه به حقوق و نیازهای اساسی شهروندان آن جامعه توصیه می‌کند. اتخاذ موضع در این زمینه به هیچ روی ربطی به پژوهش علمی ندارد و برمی‌گردد به ارزشهایی که هر فرد بدان معتقد است یعنی این که تو قائل به «رشد اقتصادی به هر قیمت» هستی و یا زندگی انسانها بالاتر از هر رشد اقتصادی برایت ارزشمند است. لذا اتخاذ موضع امری ارزشی است و نه پژوهشی. اما آمار و ارقام نشان دهنده آن است که در فاز نخست تکامل اقتصادی، رژیمهای دیکتاتوری موفقیت بیشتری در مقایسه با رژیمهای دموکراتیک در جهان سوم حاصل کرده‌اند. (۳)

### سخن پایانی

پژوهشگران متمایل به دو مدل مورد بحث، نمونه کشورهای مختلف با رژیمهای گوناگون سیاسی و میزبان متفاوت تکامل اقتصادی را مورد مقایسه قرار داده و نتیجه‌گیری به نفع استدلالات خویش می‌کنند. برای نمونه مقایسه میان هند و جمهوری دموکراتیک خلق چین از بارزترین این مقایسه‌هاست. اما همان گونه که در بند دوم گفته شد وجود رابطه‌ای مستقیم میان پیشرفت اقتصادی و دموکراسی سیاسی کافی است که با احتیاط فراوان باید انجام گیرد. همین مدل را اگر مورد توجه قرار دهیم خواهیم دید که هند در سالهای پس از استقلال و تا پایان دهه ۸۰، استراتژی اقتصادی مبتنی بر خودکفایی را هدف قرار داده بود اما چین با رهبری تنگ شیائوپینگ در ۱۷ سال گذشته استراتژی اقتصادی مبتنی بر صادرات را انتخاب کرده است. جهت‌گیری برای هر یک از این استراتژی‌های اقتصادی، پیامدهایی داشته که در اقتصاد کشورهای در حال رشد جداً مورد بحث است و به نظر می‌رسد که استراتژی دوم در تجربه از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است. اما بدون آنکه وارد این بحث پیچیده شویم تنها به این نکته بسنده باید کرد که ساختار سیاسی تنها یک عامل در میان سایر عواملی است که در تکامل اقتصادی دو کشور مورد بحث دخالت داشته و عوامل دیگر (که بعضاً از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند) در چنین مقایسه‌ای مورد توجه نبوده‌اند. جان کلام آنکه بررسی محدود به تنها یک عامل می‌تواند به نتیجه‌گیری‌های گمراه کننده منتهی شود.

در میان محافل چپ ایرانی هم پس از فروپاشی اتحاد شوروی، راه پیشرفت اقتصادی چین با روسیه مورد بحث بوده است. در این مورد هم بار دیگر عوامل مؤثر دیگر (مثل اینکه هر کدام از این دو جامعه در کدام فاز تکامل اقتصادی قرار داشته‌اند)، نادیده گرفته می‌شود و لذا به ارزیابی‌های شتابزده می‌انجامد.

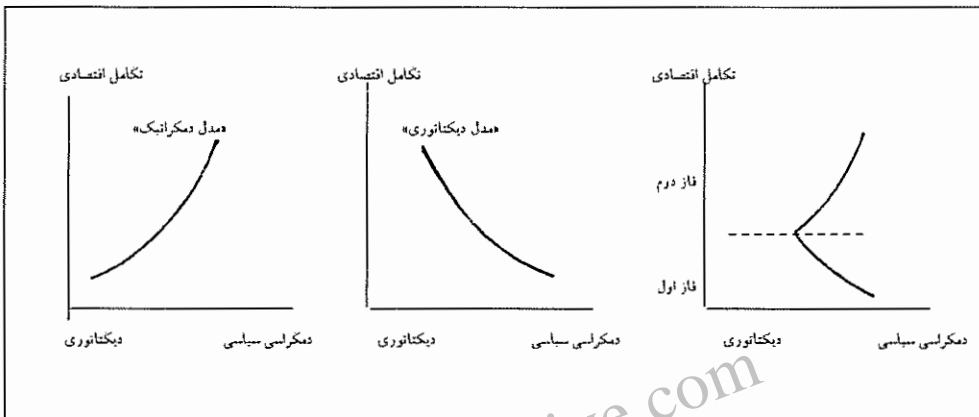
آنجا که بحث به رژیم حاکم بر ایران (جمهوری اسلامی) مربوط می‌شود، اساساً چنین مقایسه‌ای بی‌معناست. زیرا جمهوری اسلامی نه تنها مخالف هر نوع گشایش در فضای برای تکامل اقتصادی ارائه نداده است. (به قول شاعر، آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری). مشکلات اساسی هر نوع پیشرفت اقتصادی در ایران از جمله مربوط است به: الف - انزوای کشور از جامعه جهانی به دلیل سیاست‌های ماجراجویانه رژیم حاکم (مثل تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، سنگ‌اندازی در راه صلح در منطقه، حمایت از جریان‌های تروریستی و افراطی اسلامی در جهان). به یاد آوریم که نخستین گام رهبران چین عادی ساختن روابطشان با جهان غرب (سیاست مشهور به سیاست پینگ‌پنگ) و در نتیجه جلب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته به کشور بود. ب - فقدان ثبات سیاسی یا وجود دسته‌بندی‌های گوناگون در حاکمیت که مداوم در حال نبرد بر سر قدرت بوده‌اند. این امر امنیت برای سرمایه‌گذاران در پروژه‌های دراز مدت را سلب می‌کند و تمایل برای سود سریع از طریق مبادلات را دامن می‌زند. همین مسئله نیروی کار متخصص را دفع می‌کند و باعث کوچ مداوم آنها از ایران می‌شود. ج - فقدان نهادهای

شدن گروه حاکم، هدف اصلی است. این رژیمها که رژیم چپ‌اولگر هم نام نهاده شده‌اند تنها به سود دار و دسته حاکم عمل می‌کنند و مملکت را به فقر و فلاکت می‌کشاند. دولت زیر (به رهبری موبوتو سه سکو) در تمام سالهای اخیر، نمونه بارز چنین گروهی بوده است.

### ۶. مقایسه میان دو مدل

اگر بخواهیم استدلالات طرفداران دو مدل را به شکل منحنی رسم کنیم و سپس حاصل جمع هر دو را در منحنی سوم، اشکال زیر حاصل خواهد شد.

«مدل دیکتاتوری» اساساً به نتایج منفی آزادیهای سیاسی در مرحله اول تکامل اقتصادی اشاره می‌کند. به این معنا که در فاز اول دموکراسی سیاسی و تکامل اقتصادی را اموری مانع‌الجمع می‌شناسد. استدلال اساسی در مورد این نظریه آن است که وقتی هنوز نیازهای اولیه مادی مردم (مثل غذای کافی، بهداشت اولیه، سواد خواندن و نوشتن و ...) فراهم نشده است، سخن گفتن از آزادیهای سیاسی و انتخاب آزاد رهبران کشور، امری بی‌معناست. در نتیجه ابتدا باید یک ارزش افزوده حداقلی در جامعه ایجاد شود تا به کمک آن نهادهای اجتماعی و سیاسی لازم برای دموکراسی ساخته شود.



برای به انجام رساندن این مرحله، رژیمهای دیکتاتوری، قدرت مانور و عملکرد مؤثرتری دارند. می‌توانند صرفاً در کنترل کنند و به انباشت سرمایه همت گمارند که ضروری‌ترین امر برای فاز اول است.

اشتباه نباید کرد که همه رژیمهای دیکتاتور در جهان سوم قابلیت پیش بری فاز اول را هم ندارند. یعنی رژیمهای دسته‌بندی شده در گروه ج، (فصل گذشته)، اساساً تکامل اقتصادی را هدف خویش قرار نمی‌دهند.

وقتی فاز نخستین به پایان برسد و امکانات برای عبور به فاز دوم فراهم شود، امر گسترش آزادیهای سیاسی هم فراهم می‌شود.

«مدل دموکراتیک» استدلالاتی را ارائه می‌دهد که بیشتر مربوط به فاز دوم تکامل اقتصادی است. اگر ویژگی اصلی فاز اول انباشت سرمایه بود، فاز دوم تکامل اقتصادی شامل ساختن نهادهای مؤثر تکامل اقتصادی است نظیر سیستم بانکی و مالیاتی مؤثر، بازار بورس، تربیت نیروی کار متخصص برای تکنولوژی پیشرفته، ساخت سیستمهای تأمین اجتماعی، خصوصی سازی بخش‌های اصلی تولید و خدمات، تشویق رقابت در بخش خصوصی و برقراری سیستم حقوقی و قضایی و امنیت برای کار و سرمایه‌گذاری را تأمین کند. برای پیشبرد این امور ضرور است که بخش بزرگ قدرت سیاسی از دولت به «جامعه مدنی» انتقال یابد. یعنی احزاب و اتحادیه‌های کارگری و کارمندی آزاد وجود داشته باشند، مطبوعات آزاد باشند، سیستم حقوقی و قضایی مستقل عمل کند، مسئله وجدانیات و مذهب از امر دولتی جدا باشد و نهادهای مذهبی مستقل از دولت و ارگانهایشان باشند. توجه اکید باید کرد که «جامعه مدنی» (civil society) در رژیمهای دیکتاتور بسیار ضعیفند و همین امر باعث کندی تکامل اقتصادی و ترمز کردن آن می‌شود. در نتیجه ساخته شدن جامعه مدنی، تقویت آن و انتقال بخش بزرگ قدرت سیاسی از دولت به این بخش، همانا نابودی تدریجی رژیم دیکتاتوری و سر بلند کردن رژیم دموکراتیک است. رژیمهای دیکتاتور وقتی فاز نخستین تکامل اقتصادی پشت سر نهاده می‌شود، به مانع تکامل اقتصادی تبدیل می‌شوند.

این دو فاز مختلف تکامل اقتصادی را به گونه دیگر هم تقسیم‌بندی می‌توان کرد تکامل سطحی اقتصادی (extensive) و تکامل بنیادین اقتصادی (intensive). در دوره تکامل سطحی همان گونه که گفتیم مسئله اصلی انباشت سرمایه برای سرمایه‌گذاری و آغاز رشد اقتصادی است. در مرحله دوم یا تکامل بنیادین، سرمایه‌ها شروع به سوددهی کرده‌اند. سیاست اقتصادی در این مرحله متمرکز به بالا بردن تولید و مؤثریت آن است. نیروی کار اکنون باید دانش بیشتر بیاموزد، به اطلاعات کافی، بدون سانسور و مرتبط با تمام مراکز جهانی دسترسی داشته باشد. صاحبان سرمایه هم باید از قابلیت انعطاف، تحرک برخوردار باشند. واژه‌های کلیدی در این مرحله پولواریسم و اطلاعات آزاد است. سیستم سیاسی کثرت‌گرا و دموکراتیک ترغیب‌کننده اطلاعات بیشتر است که امر ضرور برای تکامل در این

سازش است، سازش بر سر نیازها، سازش بر سر برابری، سازش بر سر آزادی.

در مورد نخست باید پذیرفت که در وهله نخست تکامل اقتصادی فقر مطلق گسترش یابد تا امکانات برای سرمایه‌گذاری در جامعه فراهم شود.

در مورد دوم باید پذیرفت که نابرابری در جامعه در مراحل نخستین گسترش می‌یابد یعنی ثروتمندها ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند. اما منحنی رشد شکل یو (U) را دارد یعنی در آغاز نابرابری گسترش می‌یابد اما بعدتر که امکانات جامعه افزایش یابد، فقر در جامعه و اختلاف درآمدها کاهش می‌یابد.

در مورد سوم باید به محدودتر شدن آزادیها در جامعه تن در داد. پیشبرد برنامه‌های فوق ذکر اصلاً محبوبیت سیاسی به بار نمی‌آورد. لذا باید دور انتخابات آزاد و دموکراسی را برای مدتی معین خط کشید و برای برنامه دراز مدت تکامل تلاش کرد.

بر اساس این تئوری، محدودیت‌های فوق‌الذکر موقتی هستند و با تکامل اقتصادی در جامعه به طور اتوماتیک از بین خواهند رفت.

ششم - اشتباه محض است اگر که تصور کنیم رژیمهای دیکتاتوری تنها نابرابریهای اجتماعی را دامن

۵. دیکتاتوری به تکامل اقتصادی کمک می‌کند، دموکراسی رشد را کند می‌کند.

طرفداران این نظریه بر آنند که دموکراسی و تکامل اقتصادی دو هدف کاملاً مجزا و متضاد با یکدیگر برای کشورهای جهان سوم هستند. به بیان دیگر دموکراسی، یک تجمل و کالای لوکس برای این کشورهایی است که توان خریدش را ندارند. استدلال این گروه را به ترتیب زیر می‌توان دسته‌بندی کرد.

اول - ساختن سیستم دموکراسی در یک جامعه فقیر کاری بی‌معناست. دموکراسی به انسانهای خردمند نیاز دارد. لذا در جامعه‌ای که افرادی از گرسنگی و بیماری و بیسوادی رنج می‌برند، ابلهانه است که بخواهیم در مورد مسائل سیاسی و انتخاب رهبران سیاسی نظر بدهند. حتی اگر چنین امری به طور نمایشی هم پیش برود، فساد اصالت و معناست. در جهان سوم که اکثر مردم در روستاهای مجزا از یکدیگر و بدون تجربه برای استفاده از اطلاعات، تفسیر این اطلاعات و جهت‌گیری در برابر آن هستند، در جوامعی که اطلاعات دهی اگر هم باشد کاملاً بی‌سوسیه است و کاملاً دولتی، انتخاب کردن فرد پوچی است.

دوم - کشورهای در حال رشد باید هدف مقدم خود را انتخاب کنند. رشد اقتصادی می‌خواهند یا دموکراسی سیاسی. اگر رشد سریع اقتصادی هدف قرار می‌گیرد باید به رژیم دیکتاتوری و به تعویق افتادن دموکراسی سیاسی تن در داد زیرا دموکراسی، پروژه تکامل اقتصادی را دچار مخاطره می‌کند. وقتی جامعه هنوز سرمایه به اندازه لازم انباشت نکرده و نهادهای اجتماعی لازم برای مدرنیته ساخته نشده، فرهنگ و روان‌شناسی جامعه برای بحث و انتخاب آزاد آماده نیست نه تنها تکامل اقتصادی بلکه ثبات سیاسی هم با دموکراسی به مخاطره می‌افتد.

تمام کسانی هم که با شور و شوق از دموکراسی دفاع می‌کنند، اعتراف به این نکته دارند که برای تحقق دموکراسی، پیش شرط‌هایی لازم است. برای ایجاد این پیش شرطها باید تکامل اقتصادی در وهله نخست به مثابه یک پروژه اجتماعی آغاز شود. تجربه کشورهای صنعتی پیشرفته در اروپای غربی و آمریکای شمالی هم نشان می‌دهد که ابتدا صنعتی شدن پیش رفت و پس از آن دموکراسی سیاسی گام به گام متحقق گردید.

دموکراسی در جامعه‌ای که پیش شرطهای لازم در آن وجود ندارد تنها به هرج و مرج و جنگ داخلی می‌انجامد. سؤال بزرگ این است که آیا دموکراسی یک هدف به خودی خود است یا آنکه وسیله‌ای است برای خوشبخت‌تر شدن انسانها و زندگی آسوده‌ترشان. اگر دموکراسی در جامعه‌ای ناپهنگام نازل شود، نتیجه‌اش تنها فلاکت بیشتر در آن جوامع است.

سوم - در شرایط جهانی امروز رشد اقتصادی تنها با دخالت مؤثر دولتی امکان‌پذیر است. بازار جهانی رقابت سنگینی را برای ورود به آن می‌طلبد. برای آن که یک کشور جهان سوم بتواند حرفی برای گفتن در بازار جهانی داشته باشد باید صنایع اش مورد حمایت سخت دولتی باشد تا بتواند به صادرات تولیداتش اقدام کند. چنین حمایت و دخالت دولتی در سیستم دموکراتیک اگر نگریم غیر ممکن، لااقل بسیار دشوار است. لذا رژیمهای دیکتاتوری توان بیشتری برای انجام این کار و پیشبرد تکامل اقتصادی دارند.

چهارم - تکامل اقتصادی به ثبات سیاسی نیاز دارد. حال رژیمهای دیکتاتوری بیشتر قادر به تأمین آن هستند. کشورهای جهان سوم از اختلافات قومی، مذهبی، منطقه‌ای و غیره رنج می‌برند. تنها با وسیله زور و دیکتاتوری می‌توان چنین جوامعی را متحد کرد و از درگیریهای ذکر شده در بالا جلوگیری کرد. در عین حال نهادهای اجتماعی جا نیفتاده و رژیم های دیکتاتوری می‌توانند جایگزین چنین ضعفی باشند و نزاعهای حاصل از آن دوران اولیه رشد و تکامل اقتصادی را مهار کنند. در نقطه مقابل رژیمهای دموکراتیک در این جوامع تنها دامن زدن به این اختلافات کمک می‌رسانند. تصمیم‌گیری در چنین رژیم‌هایی دشوار می‌شود. نمایندگان انتخابی به جای آنکه به اهداف دراز مدت اقتصادی فکر کنند تنها به تصامیم کوتاه مدت که محبوبیت آنها را بالا می‌برد ولی پروژه‌های دراز مدت را تعطیل می‌کند رای خواهند داد تا خودشان دوباره انتخاب شوند. رژیم دیکتاتوری خودش را از فشارهای بیرونی رها می‌کند و فعالیت‌هایش را برای برنامه‌ای دراز مدت متمرکز می‌نماید.

پنجم - رشد اقتصادی احتیاج به پایین آوردن موقت سطح مصرف نیاز دارد تا بتواند آن را سرمایه‌گذاری کند. رژیمهای دیکتاتوری قادر به تأمین چنین امکاناتی هستند. اینکه به مردم بگوئیم کمتر مصرف کنید تا سرمایه‌گذاری کنیم تا در آینده وضعیتمان بهتر شود، هیچ پیشنهاد دلپذیر و مردم پسندی نیست لیکن برای تکامل اقتصادی امری مطلقاً ضروری است. کدام نماینده انتخابی مردم جرأت دارد که به چنین برنامه‌ای رای دهد و مطمئن باشد که در دور بعدی انتخابات هم برنده خواهد شد. تضاد میان مصرف بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر را تنها یک رژیم دیکتاتور می‌تواند حل و فصل کند. مصرف کمتر، ذخیره بیشتر و سرمایه‌گذاری فزون‌تر در کوتاه مدت به زیان مردم ولی در دراز مدت به سود آنهاست.

واقعیت آن است که برای مصرف کمتر هم باید به جمعیت فقیرتر جامعه امکانات محدودتر داد. زیرا اگر درآمد آنها زیاده‌تر شود، تنها مصرف خواهند کرد. در حالی که اقلیت ثروتمندتر بیشتر تمایل به پس‌انداز کردن دارند و این ذخیره را سرمایه‌گذاری خواهند کرد که به سود تکامل اقتصادی و رشد کل جامعه در آینده است. رژیمهای دموکراتیک مصرف در جامعه را افزایش می‌دهند حال آنکه رژیمهای دیکتاتوری ذخیره و سرمایه‌گذاری را ترغیب می‌کنند. حتی برای اقشار کم درآمد هم مفیدتر آن است که امکانات کل جامعه رشد کند تا در آینده آنها هم سهم بیشتری بردارند ولی فقر را مساوی تقسیم کردن فقط جامعه را فقیرتر می‌کند و لاغیر.

در همین جا ضرور است که بار دیگر تئوری «سازش سیاسی» را مورد بررسی قرار دهیم. این نظریه شامل ۳ نوع

## تشدید تحریرات آمریکا علیه کوبا

سقوط دو هواپیمای آمریکایی در خاک کوبا، در اواخر فوریه جنگ سرد آمریکا علیه کوبا را تشدید کرد. این دو هواپیما که بر فراز کوبا پرواز می‌کردند بعد از چندین اخطار، توسط کوبا سرنگون شدند و چهارتن از سرنشینان آن کشته شدند.

آمریکا بلافاصله بعد از این رویداد، خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت به منظور مجازات کوبا شد، تحریم اقتصادی علیه کوبا را تشدید کرد و تبلیغات و تحریرات علیه کاسترو را به اوج رساند.

دو هواپیمای سرنگون شده متعلق به گروه ضد کاسترو مقیم میامی بنام «هرمانوس آل اسکات» «برادران نجات» بود که با سرمایه میلیونی چندتن از مهاجرین ضد کاسترو حکایت آمریکا تشکیل شده است. این گروه مخالفین کاسترو را مسلح می‌کند و با پروازهای تبلیغاتی بر فراز کوبا به تحریک می‌پردازد. مکالمات ضبط شده خلبانان هواپیماهای سرنگون شده ثابت می‌کند که آنها بر فراز کوبا پرواز بودند علیرغم همه اینها آمریکا مدعی است که کوبا حقوق بین‌المللی را نقض کرده است.

در روز ۶ مارس کنگره آمریکا طرح ارائه شده از طرف سناتور جسی هلمز را به تصویب رساند، برطبق این طرح شرکت‌های خارجی که با کوبا رابطه اقتصادی برقرار کنند مورد مجازات آمریکا قرار می‌گیرند.

**کوبا موضوع تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری**

دال نامزد حزب جمهوریخواه برای انتخابات ریاست جمهوری در مسافرتی به میامی (هاوانای کوچک) از ۴ تن از کشته شدگان سقوط هواپیما تجلیل می‌کند و از وزارت دادگستری می‌خواهد که علیه (قاتلین) اعلام جرم کند و در مقابل پرسش خبرنگاران که آیا همچون حمله به پاناما، او حمله آمریکا به کوبا را پیشنهاد می‌کند، سکوت می‌کند. ایالت ۱۴ میلیونی فلوریدای جنوبی که اکثر کوبائیان آمریکایی در آن ساکن هستند از مراکز سنتی انتخاب نمایندگان حزب جمهوریخواه بوده است. در دور قبل انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۶ نیز کلیتون با حربه کنونی دال وارد میدان شد و خواستار تشدید تحریم اقتصادی علیه کوبا شد و بوش را متهم کرد «شانس سقوط نهایی کاسترو را از دست داده است.» او تنها ۱۰ هزار رای کمتر از بوش آورد. تشکیل ضد کاسترو «هرمانوس...» از نفوذ قابل توجهی در روند انتخاباتی در این

ایالت برخوردار است و مخالف هرگونه دیالوگ با کاسترو می‌باشد. طبق آخرین هم‌پرسی‌ها اکثریت کوبائیان آمریکایی علاقه‌ای به تشدید فشار بر کوبا ندارند و خواستار مذاکرات با کوبا، امکان مسافرت، پیوستن خانواده‌ها و روابط اقتصادی می‌باشند.

بعد از تشدید تحریرات آمریکا علیه کوبا، روبرتو رابینا وزیر امور خارجه کوبا تهدید کرد که مرز هوایی کوبا را به روی هواپیماهای آمریکایی خواهد بست. کوبا دارای ۲۳ کریدور هوایی بین‌المللی است که روزانه توسط ۴۰۰ هواپیما از جمله هواپیماهای آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آمریکا به هواپیماهای کوبایی فقط با اجازه مخصوص حق ورود به حریم هوایی خود را می‌دهد.

**مخالفت با طرح آمریکا**

طرح آمریکا مبتنی بر مجازات شرکت‌های خارجی که با کوبا رابطه دارند موجهی از مخالفت را در بین متحدین خود برانگیخت. کانادا و کشورهای کارائیب مخالفت قطعی خود را در مقابل این طرح اعلام کردند. کانادا و ۱۴ عضو اتحادیه کارائیب ضمن اعتراض به آمریکا این قانون را علیه حقوق عمومی بین‌المللی خواندند. کانادا رابطه اقتصادی خوبی با کوبا دارد.

کشورهای اتحادیه اروپا نیز در ضمن مخالفت با آمریکا گفتند در مقابل آن مقاومت خواهند کرد. اما اتحادیه اروپا تحت فشار آمریکا گفتگوهای سیاسی خود با هاوانا را برای بهبود روابط قطع کرد و اعلام نمود که هیئتی متشکل از نمایندگان اسپانیا، ایرلند، ایتالیا را به منظور بررسی نقض حقوق بشر به هاوانا خواهد فرستاد. تحریم اقتصادی آمریکا علیه کوبا تاکنون فشار اقتصادی شدیدی را متوجه مردم این کشور کرده است. علیرغم تشدید تحریم اقتصادی کوبا، رشد ۵ درصد را برای درآمد ناخالص ملی در سال جاری پیش‌بینی می‌شود که با بازدهی بالاتر در زمینه‌های توریسم، کشاورزی و بهره‌برداری از معادن و تولیدات دستی همراه می‌باشد.

## آزمایش قدرت چین و آمریکا

### دراقیانوس آرام

انتخابات ریاست جمهوری تایوان در روز ۲۴ مارس برگزار شد، در این انتخابات که ۴ تن کاندیدای ریاست جمهوری بودند، لی رئیس‌جمهور پیشین با ۵۴ درصد آرا به پیروزی رسید، پنگ کاندیدای دیگر که خواستار جدا شدن کامل تایوان از چین و استقلال است ۲۱ درصد آرا و دو تن دیگر از کاندیداها که طرفدار سیاست معتدل‌تر نسبت به چین هستند ۱۵ و ۱۰ درصد آرا را بدست آوردند.

قبل از برگزاری انتخابات، چین مانور دریایی، زمینی و هوایی خود را اعلام کرد. این مانور بعد از آزمایش دوهفته‌ای موشک‌های چین انجام گرفت. بعد از اعلام مانور نظامی چین، آمریکا ناوگان نیروی دریایی خود را به گذرگاه باریکه ای بین چین و تایوان کشاند. ویلیام بری وزیر دفاع آمریکا گفت که «رژیم پکن باید بداند که علیرغم اینکه چین یک قدرت نظامی است، ولی ایالات متحده اولین و قوی‌ترین قدرت نظامی در غرب اقیانوس آرام می‌باشد». نخست‌وزیر چین به نیروی دریایی آمریکا هشدار داد دست به نمایش قدرت در تنگه تایوان نزد و اوضاع را از آنچه هست بدتر نکند. لی‌پنگ گفت کاربرد زور علیه چین نتایج و بی‌امدهای وخیمی خواهد داشت و دولت چین به هیچ روی فعالیت یک کشور را برای تحمل دیدگاه هایش بر کشورهای دیگر نمی‌پذیرد. در این حال فرماندهان بلند پایه چین نیز هشدار دادند اگر هواپیماها یا کشتیهای آمریکایی - تایوانی وارد منطقه دریایی چین شوند سالم آنجا ترک نخواهند کرد.

وزیر دفاع آمریکا گفت که استقرار امنیت و ثبات در غرب اقیانوس آرام برای آمریکا منافع ملی بهرراه دارد و تا زمانی که ضرورت ایجاد کند در انبهای نزدیک تایوان خواهیم ماند.

در روزهای نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری در تایوان، ۲۰۰ هزار نفر در تایپه در اعتراض به سیاست‌های حاکم بر تایوان دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان خواستار برقراری صلح میان تایوان و چین شدند و به سیاست تحریک آمیز رئیس‌جمهور تایوان نسبت به پکن اعتراض کردند.

تشنج‌های قبل از انتخابات در تایوان موجب شد که صادرات تایوان به میزان ده درصد پائین بیاید و ۵ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شود. مبادلات اقتصادی تایوان با چین که از طریق هنگ‌کنگ صورت می‌گیرد سالانه ۱۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

بعد از انتخابات ریاست جمهوری، نخست‌وزیر تایوان اعلام کرد که ما بطور جدی امکانات برای امضای قرارداد صلح با چین را مورد توجه قرار می‌دهیم. روزنامه‌های چینی نوشتند رای فقط ۲۱ درصد برای اپوزیسیون جدایی طلب نشان دهنده تمایل مردم به اتحاد دوباره با چین می‌باشد. وزارت امور خارجه چین اعلام کرد تایوان بخش جدایی ناپذیر چین است. این مسئله با چگونگی تعیین رئیس‌جمهور تایوان تغییر نخواهد کرد. چین دخالت در امور داخلی خود را اجازه نخواهد داد. چین روابط خود را با تایوان بر اساس «یک چین، دو سیستم» تعیین می‌کند.

تایوان از جزیره فرمز و دو جزیره دیگر تشکیل شده است. در سال ۱۹۴۹ بعد از پیروزی کمونیستها و فرار رهبر کومین‌تانگ به جزیره فرمز، دولتی بنام چین ملی و بعدها تایوان با حمایت آمریکا تشکیل شد. تایوان چند سال بعد قراردادی با آمریکا منعقد کرد که طبق این قرارداد، آمریکا امنیت تایوان را در مقابل چین حفظ خواهد کرد.

## حالت نه جنگ، و نه صلح، در قره‌باغ

برای حل بحران هفت ساله قره‌باغ که به مرگ و آوارگی ده‌هزار تن منجر شده است، هنوز هم چشم‌انداز مثبتی دیده نمی‌شود. علت‌های عدم پیشرفت در مذاکرات صلح در مورد این منطقه و مواضع و منافع متفاوت طرفهای درگیر در این مذاکرات موضوع گزارشی است به قلم ژان گوراس، خبرنگار ویژه لوموند دیپلماتیک که در شماره ژانویه این ماهنامه به چاپ رسیده است و برگردان این گزارش را در زیر می‌خوانید.

آتش‌بس که در مه ۱۹۹۴ زیر فشار روسیه بین آذربایجان و ارمنستان منعقد شد، عملاً به نیروهای نظامی این دو کشور پایان داد. در سطح سیاسی اما هنوز به رغم میانجیگری روس‌ها و کشورهای غربی کمترین موفقیتی در یافتن مبانی یک راه حل سیاسی برای این جنگ هفت‌ساله به دست نیامده و از این رو هم‌اکنون در منطقه حالت جنگ و صلح خطرناکی برقرار است. یکی از عوامل بر اهمیت این بن‌بست دیپلماتیک در ناهمخوانی میان ابتکارات صلح سازمان امنیت و همکاری اروپا (ساوها) از یک سو تلاش‌های میانجیگرانه روسیه از دیگر سو نهفته است.

نماینده روسیه در گروه معروف به گروه مینسک در نقش خود به عنوان فرستاده بوریس یلتسین، زمانی طولانی به تلاش‌های میانجیگرانه‌ای مشغول بود که در توازی و در عین حال تناقض با تلاش‌های ساوها بودند.

در کنفرانس سران کشورهای عضو ساوها در دسامبر ۱۹۹۴ سرانجام تصمیم گرفته شد که روسیه نیز در رهبری مشترک گروه مینسک سهیم شود تا ابتکارات صلح این کشور با ساوها هماهنگ گردد. از آن زمان اختلاف‌نظرها در میان این دو دیگر علنی نمی‌شوند، اما کماکان به قوت خود باقی‌اند، زیرا روسیه به قول یک دیپلمات ارمنی «در صدد کنترل همسایه‌های هم‌مرز خویش است».

پس از اجلاس بوداپست گروه مینسک جلساتی بیشتری تشکیل داده و به بررسی طرح‌هایی پرداخته که از سوی این یا آن کشور عضو گروه تهیه شده‌است. یا این همه نه روسیه و نه ساوها هنوز به راه حل معجزه‌آسایی که علاوه بر آذربایجان و ارمنستان، قره‌باغ را نیز که خود را کشور مستقل اعلام کرده است راضی کند، دست‌نیافته‌اند. تقاضای آذربایجان برای تخلیه

بقیه در صفحه ۱۰



## آنکارا و بن در مقابل کردها

سرانجام بعد از گذشت بیش از دو ماه از انتخابات پارلمانی ترکیه، دولت ترکیه با توافق حزب «مام مین» و حزب «راه راست» تشکیل شد. در دوره اول نخست‌وزیری با مسعود ایلماز از حزب «راه راست» و دوره دوم با تسو چیلر خواهد بود. مسعود ایلماز در اولین روزهای نخست‌وزیری در جهت حل بحران اجتماعی ترکیه، اعلام کرد که او سیاست دولت ترکیه در مقابل کردها را عوض خواهد کرد تا سرانجام جنگ چندین ساله در این کشور پایان پذیرد. در این راستا او قول داد که به زبان کردی اجازه تکلم دهد. بخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان کردی و اجازه تدریس زبان کردی در مدارس از دیگر رنوس طرح‌های او می‌باشند. همچنین با سرمایه‌گذاری در مناطق کردی نشین جنوب شرقی ترکیه، او قول داد که به تحول اقتصادی در این مناطق یاری رساند.

اما این اولین بار نیست که چنین قولیایی به خلق کردها می‌شود. چیلر نیز که در زمان نخست‌وزیری او و حشبه‌ترین حملات نظامی علیه مناطق کردنشین انجام شد در اولین روزهای روی کار آمدن «عشق یک مادر» را به اقلیت کرد عده داده بود اما او به حمایت ارتش از دولت خود نیاز داشت و ارتش به هیچ وجه زیر بار قولیایی از ایسن دست نمی‌رفت. رئیس‌جمهور ترکیه پریزیدنت دمیرل نیز اخطار می‌کند: آنها (کردها) امروز می‌خواهند به کردی بنویسند فردا کشور مستقل خود را می‌خواهند.»

مسعود ایلماز نیز تاکنون بعنوان یک سیاستمدار طرفدار راه حل مسئله کردها شناخته نشده است. بدین دلیل قولیایش امیدی را بر نمی‌انگیزد. حتی اگر او طرفدار حل مسالمت‌آمیز مسئله باشد آیا از قدرت کافی برای پیشبرد آن برخوردار است؟ ترکیه کابینه

### تظاهرات مسالمت‌آمیز کردها در آلمان

یورد بازرسی قرار گرفت و وسائل آنها مصادره شد.

امسال قبل از نوروز دولت آلمان آماده باش پلیس را به منظور مقابله با تظاهرات کردها اعلام کرد. به بسیاری از تظاهرات و تجمع‌ها اجازه داده نشده، در بزرگراه‌ها اتومبیل‌های مشکوک بمظور یافتن افراد (پ. کا. کا.) مورد بازرسی قرار گرفتند، تنها در یک ایالت ۷۷ نفر در خانه‌هایشان در یورش پلیس دستگیر شدند، حزب دموکرات مسیحی قانونی را با حمایت حزب لیبرال در مجلس به تصویب رساند که بر طبق این قانون، شرکت در تظاهرات بدون مجوز، اقدام علیه صلح جامعه تلقی شده و برگشت دادن شخص به کشور متوجع خود را در پی خواهد داشت.

دولت بن در این مدت سیاست «هر کرد یک مجرم قطعی» را پیش برده و مسئله فروش سلاح‌های آلمان به ترکیه برای سرکوب کردها را مسکوت گذاشت.

همزمان با نوروز و برگزاری سنتی نوروز به شکل راهپیمایی در اعتراض به سرکوب کردها، دولت آلمان امسال فشار بر تشکل‌های کرد و کردها را به پنهان‌عضویت در (پ. کا. کا.) تشدید کرد. این حزب در سال ۹۳ در آلمان غیر قانونی اعلام شد و از آن تاریخ تاکنون بسیاری از تشکل‌های محلی کردی به پنهان‌پرداری از (پ. کا. کا.) منحل اعلام شد و محل تشکل‌ها

### فشار بر کردها در آلمان

نشان می‌دهد که او برای جلب حمایت جناح محافظه‌کار حزب در کنگره آتی حزب تلاش درخور کرده است. ترکیه پارلمان نیز مانعی در مقابل رفرم می‌باشد. حتی اگر تمامی اعضای حزب مسعود ایلماز موافق طرح‌های او باشند او از اکثریت لازم برای پیشبرد طرح‌هایش برخوردار نیست، حزب دموکراتیک چپ به رهبری اجویت نیز در این سالها به تندترین مواضع ناسیونالیستی غلطیده است. نسا بودی سیستماتیک مناطق کردنشین در جنوب غربی ترکیه، ۲ میلیون کرد را از مناطق مسکونی خود آواره کرد. از ۱۹۸۷ سال که وضعیت فوق‌العاده برای مناطق کرد نشین اعلام شد، تاکنون بیش از دو هزار روستا ویران شده است. حزب طرفدار کردها که در انتخابات پارلمان شرکت کرده است با وجود اکثریت نسبی در مناطق کرد نشین بدلیل نرسیدن به حد نصاب ۱۰ درصد در کل ترکیه از داشتن حتی یک کرسی نمایندگی در پارلمان ترکیه محروم است.

حزب کارگری ترکیه (پ. کا. کا.)